جغرافیای

تاریخی ری تهران

تألیف

سرتیپ میرحسین یکرنگیان

استاد دانشکده افسری

۱۳۳۲

قیمت ۳۰ ریال

چاپخانه درخشان خیابان سوم اسفند

تقدیم بروان پاک رادمرد دانش پرور
امیرشهید میرزا تقی‌خان امیرکبیر

جغرافیای

تاریخی ری ـ تهران

تألیف

سرتیپ میرحسین یکرنگیان

استاد دانشکده افسری

۱۳۴۳

این اثر ناچیز را تقدیم روح پرفتوح مرحوم امیر کبیر اتابک اعظم مینمایم

سرتیپ یکرنگیان نویسنده این کتاب که
تألیفات متعددی درتاریخ وجغرافیای
ایران وکشورهای همسایه دارند

فهرست کتاب

سر آغاز

تهران که بیشتراز یك قرن ونیم است مرکز وپایتخت ایران گردیده قاعدتاً بایستی اطلاعات تاریخی و جغرافیائی کاملی ازاین شهرستان وبخشهای تابعه آن دردست باشد، ولی کتبی که تاکنون دراین موضوع تدوین ومنتشرشده آنطورکه باید اطلاعات لازمه را در اختیار نمیگذارد ، وبیشتر اقتباس ونقل و قول ازآثار نویسندگان چندین قرن پیش استکه دراطراف ری مدارکی باقی گذارده اند .

اینجانب که علاقه مخصوصی بجغرافیای کشورخود داشته ودارم وتمام کشور ایـران را چند مرتبه گـردش کرده‌ام ، چه در مأموریتهای رزمی وچه هنگام شناسائی مرزها ومحورها، یا درفرصت هائیکه درتوقف ممتد استانها حاصل میشد ازمشاهدات خود یادداشتهائی جمع آوری نموده‌ام که اگرعمری باقی بود وفرصتی بدست آمد درتنظیم وتدوین جغرافیای کامل ایران اقدام خواهم نمود .

وچون اصلا تهرانی (و از اولاد امامزاده سید محمد ولی کـه بقعه آن بزرگوار در درکه ونسل پنجم امـام چهارم است) هستم مدتها بودکه اطلاعات لازمه را جمع آوری میکردم ،کتب قدیم وجدید را بررسی نموده وبرای بدست آوردن اطلاعات بیشتری بکلیه وزارتخانه ها ، کتابخانه ها ودانشمندان مراجعه کرده واز محضرکلیه معمرین مخصوصاً مرحوم مهندس بغایری کسب فیض نمودم ، معهذا آنطورکه منظور نظربود نتیجه بدست نیامد ، بنابراین تاآنجائیکه میسر بود اطلاعات دراطراف شهر ری وتهـران قدیم وجدید را جمع آوری ودر دسترس خوانندگان عزیز میگذارم ، باشدکه دانشمندان واهل تحقیق نگارنده را بنقائص واشتباهات آن آگاه نمایند تا درچاپ آینده کتابی جامع وبی نقص تقدیم هموطنان عزیز شود .

موضوع کتاب

دراین کتاب چنانکه اسم او مینماید از جغرافیای تاریخی تهران بحث میشود . بدواً درنظر بود ، موافق ادوار گذشته مباحث این کتاب به بخشهای مختلفه تقسیم و شرح هردوره جداگانه تشریح شود ولی چون تـاریخ ری ، تهران ، مهران وشمیران بپوستگی کاملی بهم نداشتند ، لذا به بیان کلیاتی از ری وتهران قدیم اکتفانموده وددموردتهران کنونی،مخصوصاً از زمانیکه پایتخت سلاطین قاجاریه گردید مطالب بیشتر ومشروح تری دراختیار خوانندگان گذارده میشود .
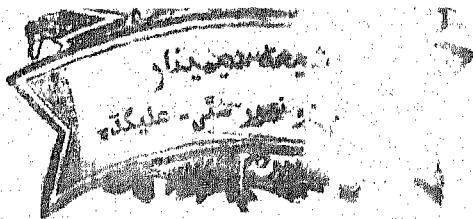
تاریخ چیست، جغرافیا کدام است

تاریخ عبارتست ازگزارش احوال کائنات وتغییرات وانقلابات آن ، این تاریخ را تاریخ عمومی گویند وگفته‌اند آنچه ازآغاز آفرینش تاکنون واقع شده تاریخ گذشته است ونتایج آن تاریخ آینده .

تاریخ اساساً بردونوع است : **تاریخ طبیعی، تاریخ اجتماعی** ؛ تاریخ طبیعی عبارتست ازگزارش انقلابات وتغییرات طبیعت، مانند پیدایش جماد ، نبات ، حیوان ، انسان و انواع آنها بویژه نژادهای متنوعه انسان وحیوان .

اما تاریخ اجتماعی یامدنی عبارتست ازحوادثی‌که ملازم پیدایش اجتماع وتمدن بشربوده یاحوادثی‌که بعدازحصول اجتماع حادث گشته‌است ، مثلا مهد تمدن اولیه بشر درکدام نقطه بوده ، تمدن فلان قوم ازکی آغازشده ، **فلان قطعه ازچه زمانی آبادومرکزاجتماع گشته،** حالات اولیه مردم آن چه بوده، یاسلطنت فلان خاندان از کی تشکیل شده وچه زمانی منقرض گردیده وچه آثاری ازخود باقی‌گذاشته‌است ، **فلان شهردرکدام قرن بنا شده**، یا فلان بنا درچه تاریخ ویران گردیده ، فلان قبیله وملت بچه وسیله ترقی کرده‌است یا روبانحطاط آورده ، خلاصه آنکه هرچه متعلق بحالات بشر وحوزه های اجتماعی اوست ، همچنین آنچه را که حاکی براتفاقات غیرمنتظره است (قحط ، غلا ، طاعون ، وبا وامثال آن) واین تواریخ بردونوعند: **تاریخ عمومی ، تاریخ خصوصی** .

آنچه عمومیت دارد وراجع بهمه نژادهای بشراست **تاریخ عمومی** نام نهاده‌اند ، ولی آنچه راکه مربوط بقوم ، ملت ، نژاد وکشورمعین باشد **تاریخ خصوصی** مینامند ، باز آنها بخش میشوند به : تاریخ ، تاریخ نظامی ، تاریخ جغرافیائی ونیز جغرافیا بخش‌میشود به جغرافیای طبیعی ، سیاسی ، اقتصادی ، انسانی ، نظامی و جغرافیای تاریخی که بحث ما بیشتر دراین قسمت است .

تاریخ تهران - ری

کتبی که درباره **ری وتهران** نوشته شده باشد یعنی تمام مطالبش اختصاص باین شهرستان داشته باشد وجود ندارد . در **نزهة‌القلوب ، مرآت‌البلدان، ناسخ‌التواریخ** وغیره بمقتضای بیان چند سطری دراطراف این دومکان نوشته شده‌است .

کتاب تاریخ **ری واصفهان** تألیف آقای شیخ جابرانصاری وتاریخ تهران تألیف آقای جواهرالکلام‌هم مطالب مربوط باین دومحل را ازسایرتواریخ واسنادگلچین واقتباس نموده‌اند والحق خدمتی بسزا برای روشن شدن پیشینه تاریخی نموده‌اندکه دراین‌کتاب هم ازمطالب آنان استفاده شده‌است .

ولی برای تشریح وضع جغرافیا وشرح اوضاع تهران دریك قـرن ونیم اخیر بیشتر از مشاهدات و اطلاعـات شخصی ومعلومات معمرین بصیر وپیرمردان مطلع تهران و پرونده های ادارات استفاده شده‌است .

اینك بشرح تاریخ شهر کهن ری که مدفن حضرت عبدالعظیم (ع) میباشد میپردازیم :

بخش یکم = ری

از گفته امین احمد رازی : ری ولایتی با نام است ، درمسالك وممالك آمده که ازخراسان و عراق ، بجز **بغداد** هیچ شهری بزرگتر و آبادانتراز ری نبوده ، مگر نیشابور که پهناورتر واقع شده .

اصمعی آورده «الری عروس‌الدنیا» ودربنـای ری اختلاف بسیار کـرده‌اند بعضی برآنند: **ری** را ، **رازی‌بن ثقلان‌بن‌اصبهان‌بن ملوح** بنا کرده، برخی‌گویند : **راز‌بن خراسان** ساخته واز **هوشنك** نیز نقل میکنند .

واما **حمداله مستوفی** آورده که شهر ری **شهر شیث** پیغمبـر است ودر زمـان **المهدی‌بالله** عباسی عمارات شهرری بدینمنوال بوده ، مدارس وخوانق ٦٤٠٠، حمام ١٣٦٠٠ مساجد ٤٦٤٠٠ ، طاحونه ١٢٠٠ ، کاروانسرا ١٢٧٠٠ ، مناره ١٥٠٣٥ ، یخچال ١٤٥٠٠ ، عصارخانه ١٧٠٠ ، قنات جاریه ١٨٠٩١ ورودخانه نیز بسیار بوده ، محلات ٩٦ و درهرمحل ٤٦کوچه ودرهر کوچه ٤٠٠٠٠ خانه و ١٠٠٠ مسجد ودرهر مسجدی ١٠٠٠ چراغدان ازطلا ونقره وغیره بوده که هرشب روشن میکرده‌اند ومجموع خانه ها هشت بار هزار هزاروسیصد و نودوشش بوده که مردم می‌نشسته‌اند لایعلم‌الغیب الاالله « بنظر نگارنده اغراق ومبالغه است» .

در **معجم‌البلدان** آمده که ری زمان بهرام چنان آباد بوده ، بساغستان ری و اسپهان پیوسته بیکدیگر بوده «مقصود تهران وکرون اصفهان بوده ــ نگارنده» .

واصحاب تواریخ نوشته‌اند : بکرات آنشهر بقتل‌عام و زلزله ویران شده وباز عمارت یافته ، تازمان خلافت **ابوجعفرمنصوردوانقی** عمارت براصل یافت وروزبروز درتعمیر وآبادانی میافزودند تاحادثه **چنگیز** بوقوع پیوست وکرت دیگر بقتل‌عام ویران گشت .

شیخ نجم‌الدین دام‌قدس سره درکتاب **مرصادالعباد** که ازتألیفات اوست نوشته : دراین فتنه ازشهرری‌که مولد ومنشاء این‌فقیراست هفتصد هزارمردم صاحب اعتبار بدرجه شهادت رسیدند، ولایت ری ابتدا نه بلوك بوده بدین‌موجب «غار» «فشاپویه» «بهنام» «سبورفرج» «خوار» «زرند» «اسفجان» «شمیران» «شهریار» و«ساوجبلاغ» .

ودر **نزهةالقلوب** آمده که رودبارقصران ازتوابع ری بوده ودرعهد **غازان خان** تعلق بولایت رستمدارگرفته ودراین‌ایام چهاربلوك است: نخستین را **ری** اعتبارکرده‌اند ، باقی را علیحده ساخته‌اند . چنانچه ؟؟ بتقریبات احوال نوشته خواهد شد وحقتعالی آن مقدار خیر و برکت بدان ولایت ارزانی داشته که عقول و اوهام دروادی آن سرگـردانست چنانچه اکثر ضروریات قزوین کـه قرب چهل سال محل اقامت سلاطین صفویه بوده از آن ولایت بحصول

می‌پیوست وایضاًغله وسامان مردم کاشان ازری بحصول می‌پیوندد واهل **رستمدار وساوه وقم** نیزازآن شهر منفعت بخش دارند وانواع میوه درآن دیارخوب وفراوان میشود، خصوص **خربزه و انگور** که هرقدر صفت کنند گنجایش دارد و همچنین **انار** ملیسی که رگی ازترشی باوست و انجیر، **زردالو و امرود** که آنرا نطنزی نامند **وشفتالو وهلو** خوانند درغایت نزاکت وشادابی وراست مزگی بحصول می‌پیوندد که همه عزیزانرا نصیب شود که دست ودهنی بیالایند ... وخوبی آن زیاده براقطار چون روشنی خورشید در نصف النهار از واضحات است واکثری ازفضلا و فصحا در توصیف آن جرسی جنبانیده . چنانچه ؟! امام خاقانیراست : پست عراق وری و خراسان ری است و ری .....

وچون سطری چند درصفت ری گفته شد بهری از مذمت نیز نوشته آید ، چو درهمه جا نیك وبد میباشد ، درفصل خزان که آغاز اختلاف آب وهوا ونوغان اطباست، مردم بنابررسوم عادت چندان ملاحظه نمینمایند وناهارمیوه بسیار بکارمیبرند لذا تب ولرزمینمایند واین تب و لرزشبانه روزی از دوسه ساعت زیاده نیست ، بعداز آن برخاسته هرچه خواهند میخورند و بهرجا میروند ؛ چومشهوراست : جمعی از دوستان بایکدیگر براهی میرفتند یکی را تب آمده از همکنان التماس کرد که شما ساعتی توقف نمائید تامن رفته بلرزم وبیایم ، دروقتی چنین **خاقانی** بدان دیار رسیده واز افراط میوه اورا عارضه دست داده وهرآینه این چند بیت انشاء نموده :

خاك سیاه بسر سرآب و هوای ری — دور از مجاوران مکارم نمای ری

. . . .

عقرب نهند طالع آن من ندانم آن — دانم که عقرب تن من شد لقای ری

ازخاص وعام ری همه انصاف دیده‌ام — جورمن‌است زاب وگل جانگزای ری

. . . .

ری درقفای جان من افتاده من بجهد — جان میبرم چوسست اجل‌در قفای ری

دیدم سحرگهی ملك‌الموت راکه پای — بی‌کفش میگریخت ز دست وبای ری

گفتم تو نیز، گفت‌چوری دست‌کین‌گشاد — بویحیی ضعیف چه باشد بپای ری

در **نزهةالقلوب** ازروی طرفگی آورده‌که اصفهانی ورازیرا درباب خوبی‌شهر باهم مناظره افتاد هریك هنرشهرخویش عرض میکردند ، اصفهانی گفت خاك اصفهان مرده را تاچهل سال نریزاند، رازی‌گفت خاك ری مرده را چهل‌سال برددکان در دادوستد بازدارد ودربیشتر کتب معلوم شدکه اهل ری همیشه مخالف یکدیگرباشند اما بسخا ورادی شهره ومنسوب بوده ، سخن ایشان راست وپسندیده باشد ، بدوستداری پیغمبر وخاندانش مبالغه تمام بکاربرند .

واصل شهرری درحادثه چنگیزخان چنانچه ؟!گذشت نوعی خراب‌گردیدکه نقش آبادانی بالکلیه محو گشت و امروز در آن مملکت یکی **تهران** و دیگری **وِرامین** است که ذکری خواهد شد :

طهران درزمان فرمانروائی شاه طهماسب صفوی بزینت باره وزیور بازار آرایش‌یافت وسمت شهریت پذیرفت والحال بحسب جداول وانهار واشجار سایه دار وباغات جنت آثار مستثنی ازیکدیگر شهر ودیاراست وبرشمال رؤیه‌اش‌کوهستانیست موسوم به **شمیران** که‌قطعه‌ایست ازقطعات جنان وهیچ مستشهدی درخوبی زیاده برآن نیست‌که درایام سابق این کوهستان

را شمع ایران میگفته اند ودر مضافاتش اقسام میوه نیك میشود، خصوصاً گیلاس که بانهایت خوبی وآفر وبیقیاس میباشد وهمچنین کوهستانیست دردو فرسخی مشهور به **کن وسولقان** که آن نیز از بسیاری آب روان وکثرت درختان بامیوه‌های الوان غیرت بوستان جنان تواند بود، وازفواکهش امرود شفتالو نوعی خوب میشود که هرکس را آرزوی آن میشود که چون زبان همیشه دردهان داشته باشد: ازاین قبیل خصوصیات بسیاردارد.

وباز **هفت اقلیم** جزوحالات عمادی شهریاری مینویسد: **شهریار** بلوکیست از بلوکات ری متضمن قراء معموره وآبادان وبحسب مرغزار وبساتین وباغات رجحان بر باقی بلوکات دارد ودرافواه پاره مردم این عهد تهران را گاهی نکوهش میکنند:

تهران و آب سنك لج و باد شهریسار　　　　مدحش مگو که خال رخ هفت دوزخ است

وجزو گزارش قاضی محمد مینگارد: ازسادات ورامین است قاضی عطاءاله برادر قاضی محمد وقاضی عبداله وقاضی سدید پسرانش و (امیرر کن الدین) و (میرمحمد قاسم) و (قاضی عهدی) و (امیرعنایت اله) ازمتولیان حضرت عبدالعظیم بن عبداله بن علی بن حسن بن زیدبن حسن بن حسن بن علی امیرالمؤمنین(ع) بوده و(امیرعلیشاه) پسرش و(امیر نورای) متولی و(امیرظهیرالدین ابراهیم) متولی و(امیرمجدالدین اسمعیل) متولی و(شیخ شهاب الدین) متولی امامزاده ابوالحسن و(شیخ ابوالقاسم) پسرش و(آغا غیاث) حضرت بزرگوار عبدالعظیم (ع) در مقبره مشهد شجره در ری مدفون شده ودرآن مشهد حضرت امامزاده حمزه بن موسی الکاظم مدفون بوده کـه آنحضرت بزیارت وخواندن فاتحه تشریف میبرده وبعد درضلع غربی متصل بشمال زمین را میشکافند جسد صحیحی درآن محل یافتند وآنرا امروز قبه امامزاده طاهر بن طاهر میخوانند واطراف امامزاده وصحن بزرك پنج صحن دیگر ساختمان شده قبور بسیاری از بزرگان دین ودولت است که تذکرة القبورش مجلدی بزرك میشود ازآنجمله قبر ابوالفتوح رازی ومرحوم حاج ملاعلی کنی وعلمای بزرك دیگر ومشایخ نامی ازسلاطین ناصرالدینشاه وازشعراقاآنی « استخوانهای کریمخان زند را رضاشاه» «پهلوی کبیر باین مکان مقدس انتقال داد مقبره مجللاو نیزدرهمین مکان است . عبدالحسین هژیر» «وسپهبد حاجیعلی رزم آرا از نخست وزیرانیکه بدست افراد متعصب وابسته بفدائیـان اسلام» «کشته شدند نیز درایوان باختری حضرت عبدالعظیم مدفونند ــ نگارنده» .

و **ورامین** زمان پیشین حاکم نشین بوده وقلعه درغایت حصانت داشته الحال بعدازتهران محلی درری ازآن شگرفتر نیست . وازمیوه‌جات !! انگورش برتمام ری رجحان دارد. ومضافات نیك چنانچه ! یکی ازآن مواضع **خاره** است که حاصلش قریب سه هزار تومان است و بیشتر ارتفاعات يك من صد من میشود.

وایضاً حسن آباد است که حاصل آن ازدوهزار متجاوز است وهمچنین چند موضع دارد که حاصل آن پانصد تومان است تاسیصد تومان .

و **دولاب** را نوشته قریه‌ایست ازاعمال ری متصل بتهران که الحال شهرری عبارت از آنست وازمشاهیرمردمش **ابوبشر** محمدبن احمدبن حماد انصاری و...

صاحب هفت اقلیم پس‌ازاین گزارشها نام مردانی هنرپیشه وبـزرك اندیشه شهرری را قریب پنجاه نفر اسم برده که برگزیدگان آنها عبارتند از:

صوفیه وعرفا(ابوذکریا یحیی بن معاذ) ازمحدثین (عبدالرحمن ابی حاتم حنظلی) ازمتبحرین

علوم و نوابغ (امام المتکلمین فخررازی) ازاساتید اطبا (محمدبن ذکریا) وازقضات (قاضی مسعود) وازعلما (امیرتاج الدین حسن) وازعرفای ترانه سنج (شاه صفی الدین) ازشعرا (غزایری و کمال الدین بنداد) (آشوب تهرانی) (خموش تهرانی) (صفای لواسانی) و... که جمع اسامی وشرح خلاصه احوال آنها مجلدی جداگانه میشود .

در دایرةالمعارف **بستانی** مینویسد : ری شهری ازبلاد دیلم وجزو عراق عجم و پنج کیلومتری تهران طرف جنوب شرقیست . ولادت **ابوبکرمحمدبن ذکریا رازی طبیب و هرون الرشید** درآن سرزمین بوده . شهری مشهور ازبزرگترین بلاد عجم که مورخین عرب نامش را برده اند وگفته اند مرکزبلاد جبل؛ ازآنجاتانیشابور یکصد وشصت فرسنك وتاقزوین بیست وهفت ، وفرودگاه حاج خراسان وترك . وآنشهررا ازبناهای **کیخسرو** پسر سیاوش گفته اند وسبب آنرا نسته : **کیکاوس** تخت روان هوائی درست کرد وسوار آن شده که درهوا بالارفته بآسمان رود خداوند **باد** را بحکم اوگذارد تااورا بفراز **ابر** رسانید ، بعد اورا در دریای مازندران فرود انداخت . وچون کیخسرو پادشاه شد آن تخت را آوردکه بــا او ببابل رود همانا بجایگاه **ری** که رسید درآن سرزمین شهرساخت ونامش **ری** نهاد .

و**عمرانی** گوید بانی ری فیروزبن یزدجرد بود ونامش را فیروزگذارد وپس ازآن ری را ساخت و **رام فیروز** وری بگفته او دوشهراست .

یاقوت گوید رام فیروز را نشناسم ولی **ری** را دیدم شهرنیکو شگرف باآجر وکاشی کبود ساخته درفضائی گشاده وپهلوی آن کوهیست که هیچ گیاهی درآن نروید وری شهری بزرك است ، بیشترش ویران شده ، اتفاقاً من بویرانه ها گذشتم سال ۶۱۷ که ازهجوم تاتارگریزان بودم دیوارها ویرانه هارا بپا دیدم ومنبرها باقیمانده ونقش ونگاردیوارها پدیدار، زیرا تازه ویران شده ، ازدانائی پرسیدم گفت : سبب ویرانی بس ضعیف بود ولی چون خداوند چیزی را بخواهد بانجام میرسد ، مردم شهرسه گروه بودند : **شافعیان** کمتر و **حنفیان** بیشتر و شیعه ، وآنان سواداعظم ، زیرانیمی ازمردم شیعه بودند وجنگها میــان سنی وشیعه ودشمنی بدرازا کشید وسنیان ازنامبوران کس باقی نگذاردند ، همانا که شیعه را برانداختند . دشمنی بین حنفیان وشافعیان افتاد وجنگها شد وباکمی مردم شافعیان چیره شدند تاحنفیان راکشتند وخانه هایشانرا ویران کردند وجزمحله شافعیان باقی نمانده وآن کوچکترین محلات ری است . چنانچه؛ می بینی وازشیعه وحنفی کس نیست مگرمذهب خودرا پنهان دارد .

یاقوت گوید همه خانه ها دیدم زیرزمین ساخته ودالان خانه ها تاریك وباریك وبسختی آمد وشد میشد واین نظر به آمد وشد لشگریان تاراج کن ویغمائی بود واگرجزاینگونه خانه ها داشتند جنبنده به **ری** نمیگذاشتند .

و**اسطخری** گفته ری از اسپهان بزرگتر وجز **بغداد** درمشرق شهری بزرگتراز ری نیست وآن شهری مشبك ساختمان وباآبرو وگرامنه وپرنعمت ، ویك فرسخ ونیم درازای آن وساختمانها باچوب وگل، وری را دهات بزرك است هریك بزرگترازشهری ازآنجمله (کوهذ) و (سد) و(مرجبی) وازرستاقهای نامی آن هفده روستاست (قصرآن بیرون ودرون) و(بهزان) و(سن) و(بشویه) و(دنباوند) و(ویمه) و(شلمبه) .

و ابن کلبینی گفته ری بنام مــردی از بنی‌شیلان بن اسبهان بن فلوج ساخته شده ودرشهر بوستانی بوده دختروی به بستان آمده دید دراجی انجیرمیخورد ، دختر گفت «بورانجیر» یعنی دراج انجیر میخورد ، ازاینرو اسم شهرکهنه بورانجیر شد و مردم ری «بهورند» گویند بـه تغییرش از اصل .

وری سال بیست هجری یا ۱۹ بدست عروة بن زیدالخیل طائی گشوده شدکه عماریاسر بفرمان عمر اورا فرستاد . پس‌ازدوماه فتح نهاوند عروه آمده ومردم دیلم بمدد اهل‌ری آمده وجنگیدند ومسلمین ظفریافتند وآنانرا کشتند .

وگویند درخلافت منصور که مهدی به ری آمد ، ری تازه را ساخت وگردان خندقی کند و درآن مسجدی بنـا نمود بدست عماربن ابی‌الخصیب و نام او را بر دیوار مسجد نگاشت ۱۵۸ وباروی فصیلی ازآجرگرد ری‌کشیدکه گرد باروخندق بود ونام‌آنرا محمدیه گذارد ومردم ری شهر درونرا بنام ری خوانده وفصیل را شهربیرون‌گفته وقلعه معروف بـه «زبیندی» دردرون ری بمحمدیه است ومهدی‌گفت آنرا تعمیر وترمیم‌کردند وزمان ولیعهدیش درمحمدیه فرودآمده وآن برمسجد ودارالاماره مشرف بود بعد محمدیه زندان‌شد وپس‌ازرفتن رافع ویرانش کردند وری را درزمان جاهلیه رازی میگفتند وگویند او بزمین فـرورفته و دوازده فرسنگی ری تازه بوده براه خوار میان محمدیه وهاشمیه‌ری ودرآن‌ساختمانهای استواری بپابوده‌که‌گواهی بربزرگی‌شهرمیداده وآنجانیز ویرانه‌ایست، ودرری قریه «فرخان» است وآن قلعه بزرك واستواریست ، ومال‌المقاطعه ری دوازده هزار هزاردرم بوده تا مأمون بآن‌گذشته مردم ری شکایت برده وهزارهزار درمش را بخشید .

و اصمعی گفته ری عروس جهانست وبازارگانی مردمان ویکی ازشهرهای نامی‌زمان عبیداله زیاد برای عمربن سعد ابی‌وقاص حکومت‌آنجارا واگذاردبشرطیکه بالشکر آماده برود بجنك حضرت سیدالشهدا امام‌حسین علیه‌السلام . عمرتردید رأی داشت ولی بالاخره حب دنیا وریاست براوچیره شد تابالشکر بجنك امام رفت .

و از امام جعفر صادق (ع) روایت است کـه فرموده ری و قزوین وساوه ملعونه وشوم هستند .

و اسحق‌بن سلیمان‌گوید شهری را ندیدم‌که پست فطرتان را مانندری بزرك بنماید .
در اخبار پارسیانست هوشنك که مهلائیل‌بن قینان باشد ونخست سازنده شهرها ، ازآنجمله ری را بساخت وری اولین شهریست‌که پس‌ازشهر بلخ‌کیومـرس در دماوند ساخته شده و در ری بگفتاری منوچهر زائیده شده و اشك‌بن اشکان که با انیتوخوس جنگید دراین شهر نشو ونما یافت ومردی از دیلم بشاهی بهرام‌بن یزدجرد اثیم برآنجا تاخت ، مردمش را اسیر و شهررا ویران ساخت وبتاراجش پرداخت و قبـاد پادشاه‌پارس درآنجا ازبرابرشمرذالجناح گریخت وشمر اورا دریافت وخونش بریخت ولی بیشتر برآنند که قباد خود مرده .

سال ۲۲ نعیم‌بن مقرن بفرمان عمر «در واجرد» بجنك مردم ری رفته وجنگیدند و لشگریان را شکسته روبشهر ری‌گذاردند ، زینبی پدر فرخان ازری بیرون‌آمده وبانعیم دیدار

کرده وطالب صلح ومسالمت شده وبا سیاوخش بن مهران بهرام‌چوبین پادشاه ری اظهار مخالفت نموده. سیاوخش ازمردم دماوند وتبرستان وقومس‌وجرجان مدد خواسته وآنان ازترس تجاوزمسلمین بکمك‌اوآمدند ودربالای کوهستان‌ری پهلوی شهرسپاه‌آراسته بنای جنك گذاردند، زینبی بنعیم‌گفت شمار ایشان بسیار وشمار شما کم است یکدسته سوار بامن بفرست تامن بشهر ری روم وازسمتی که ملتفت نشوند وتوباآنهاشروع بجنك‌کن‌آنگاه ما ازآنطرف برابرایشان برویم ، ایشان برابر تو پایداری نکرده میگریزند ، نعیم چنین‌کرد ودسته‌ای سوار بسرداری برادرزاده‌اش منذربن عمرو فرستاد ، زینبی سواران را بشهر برده وسیاوخشان ملتفت نشده ، نعیم بآن شبیخون زد ، آنانرا ازحفظ شهرستان بازداشت وآنها جنك میکردند وپادار بجنك بودند تاآنکاه‌که آوازتکبیر مسلمین را ازپشت سرخود شنیدند ، ناچارگریختند واعراب کشتار زیادی‌کرده‌که مقتولین را باچوب نی میشمردند ودرری باندازه مداین غنائم بهره مسلمین شد، وزینبی مصالحه نمودکه مرزبانی‌ری بااوباشد وهمی‌شرف ری درخانواده زینبی بود ونعیم‌شهر را خراب‌کرد وآن ری‌کهنه است و زینبی بنای ری تـازه‌گذارد ، نعیم بوسیله مضارب عجلی فتحنامه باخمس اموال نزد عمر فرستاد وبا مصمغان مصالحه‌کرد بچیزیکه فدیه بدهد بـرای مردم دماوند ، نعیم پذیرفت .

وگفته‌اند درسال ۲۱ فتح ری بدست قرظه‌بن کعب هجری شد ودرخـلافت حضرت امیر تولیت ری بایزیدبن بحیه تمیمی شد واو سی‌هزار از خـراج ری بشکست وحضرت بحبس تأدیبش فرمود ویزید ازمحبس‌گریخته نزد معویه رفته وبسلطنت او بازحاکم ری شد وبعد در حوزه امارت زیاد آمد .

ودرسال ٦٤ مردم ری پس‌ازمرك یزید خروج کرده وسردارشان فرخ خان رازی بود وامیرالعراقین‌کوفه عامربن مسعود محمدبن‌عمربن‌عطاردیلمی‌را بجنك فرخ خان فرستاد، مردم ری اوراگریزاندند . سپس عتاب‌بن ورقا ریـاحی‌را نامزد جنك ری‌کرده وکشتار فزون گشته و فرخ خان کشته ویارانش گریختند و درسنه ٦٨ مصعب‌بن زبیرفرمان بـه عتـاب‌بن ورقا والی اصفهان داده‌که به ری رود وبامردم ری بجنگد بگناه مساعدتشان بـا خوارج بریزیدبن‌الحارث وجادادن خوارج را درری وعتاب رفته وآنانرا بحصار سخت‌گرفته تاقلعه راگشوده وغنیمت فزون آورده ودیگر قلاع اطراف را نیز فتح نموده .

خلاصه آنکه پس‌ازیزید فرخ خان رازی آغاز خلافت نهاد وعامر والی ازکوفه نخست محمدتمیمی را بالشگری فرستاد واو بشکست وبعد عتاب‌بن ورقا روانه شد وفرخ خان را بکشت ودرامان مصعب خوارج به ری گریختند مردم ری یاری آنها نموده یزید شیبانی والی خودرا بکشتند ومصعب حاکم اصفهان را مأمور فتح ری نمود تـا ری را بگشود ، وعبدالملك اموی عبدالرحمن اشعثی را تولیت داد و حجـاج که امیرالعراقین‌شد عدی‌بن‌زیاد را بحکومت فرستاد ودرفتنه عبدالرحمن اشعثی عمربن ابی‌صلت بری غالب شد وقتبه از جانب حجاج اورا هزیمت داد وبعدازحجاج درامارت یزیدبن‌مهلب آمد .

ودرسال ۲٤۱ زلزله سختی به ری رسیدکه خانه‌ها ویران شد وگروهی بیشمار بزیرخاك مرده وچهل روزمردم برآنهاگذشتند .

درسال ۲٤۹ زلزله دیگربرگشته وساختمانهای باقیمانده ویران‌گشته مردم فزون هلاك

کشته وبقیه برون شهر گریختند وسال ۲۸۰ آب زمین چنان فرورفت که هیچ آبی نمایان نبود ویك رطل آب بسه درم بهاء رسید وخواربار بسی گران شد وپس ازآن زلزله آمد.
ودر ۳۱٤ ری جزو فرمانگذاری آل سامان آمد ودیالمه ازآنها گرفتند وبه آل بویه سرانجام رسید و **ابوعلی محتاج** برآن چیره شد و **وشمگیر بن زیاد** از او گرفت بعد **رکن الدوله بویهی** در ۳۳۰ ازاو بستد. سپس در ۳۳۳ **ابوعلی** بدان تسلط یافت وهمی دست بدست سرداران ترك وديلم چندسالی میگشت ودر ۳۳۵ گروهی خراسانیان ریختند وخانه جرجیف وابن العمید وزیر رکن الدوله را بتاراج بردند، ورکن الدوله آمده و خراسانیان اورا گریزاندند. سپس جنك تازه شد ولشگریان رکن الدوله حمله مردانه کرده خراسانیان را شکسته وبسیاری ازآنانرا کشته واسیر گرفته وپراکنده شدند ودر ٤۲۰ **محمود غزنوی** سبکتکین آمد آنجارا گرفت وهزار هزار دینار زر وبیهای پانصد هزار دینار گوهر وششصد هزار تخت جامه و اسباب فزون گرانمایه بستد. واین گواهی برتوانگری بسیار مردم آنشهر میدهد وآنچه دیدم دولت وسلطنتی نبوده ازدول سامانی وبویهی و ترکمانی ودیلمانی ودیگران جزآنکه چشم داشت مهمشان به ری بوده و مورد جنگهای بزرك میان سرداران وشاهان شده ودر آنحال **مجدالدوله بویهی** (۱) شاه ری بود سبکتکین محمود اورا بیرون کرد وملك بستد، واز

---

۱ ــ ملك ترکان حرم فخرالدوله دیلمی ومادر مجدالدوله زنی کاردان وسیاستمدار بود، چون شوهرش ابوالحسن فخرالدوله درگذشت پسرش مجدالدوله هنوز خردسال بود ازاینروخود ملك ترکان زمام حکومت را بدست گرفته بانهایت اقتدار برتق وفتق امور پرداخت. همینکه خبروفات فخرالدوله بسلطان محمود غزنوی رسید ایلچی نزد ملك ترکان فرستاد خزائن وذخایر اورا بازطلبید، ملك ترکان نامهٔ بسلطان محمود نوشت بدین مضمون:
«اگر فخرالدوله مرده بازماندگانش هستند و مایملك او متعلق است باطفال صغیر او»
«والبته شهریاری چون شما درمال یتیم تصرف نخواهید کرد مادام که شوهر من زنده بود از»
«سطوت شما اندیشه داشتم. ولی امروز اندیشه ندارم زیرا اگرخدای ناخواسته هوای تصرف»
«درمال صغار اوکنید من برحسب ادای تکلیف مقاومت خواهم کرد، هرگاه مغلوب شدم ننك»
«شماست وفخر من، اگرهم غالب شدم بازهم فخر من وننك شما، چه درصورت اول همه گویند»
«سلطان محمود بازنی پنجه زده و اورا مغلوب کرده ودرصورت ثانی گویند: اززنی شکست»
«خورده و گرد این ننك تارستخیز بردامن شما خواهد ماند والسلام. خواهی بسرم بتاز،»
«خواهی بنواز».
چون نامه سلطان محمود رسید بی اندازه درشگفت شد وبدانش وکیاست وحسن سیاست آن زن آفرین گفت وسالهای فراوان که سلطان محمود بفتح هندوستان وسایر بلاد اشتغال داشت ملك ترکان فارغبال بتمشیت امور مشغول بود، شمس الدوله را بحکومت همدان فرستاد، اصفهان وری زیرنظرخودش بود، تامجدالدوله بسن رشد رسید، آنوقت زمام امور سلطنت رابدستش داد وتاجگذاری مفصلی نمود، ولی توقع داشت مجدالدوله درامورسلطنتی بامادر مشورت کند واو چنین نکرد وبوعلی راکه بافخرالدوله مخالفت مینمود بوزارت تعیین نمود لذا ملکه ترکان رنجیده خاطر بقلعه **طبرك** اصفهان رفت و ازآنجا بکردستان شتافت و **بدر بن حسنویه** ازاو استقبال کرد ولشگری بملك ترکان داده جنك مادر وپسر آغاز وملك ترکان برپسر چیره *

شیعیان بسیاری را بکشت ومعتزله را ازخراسان براند وکتب فلسفه ومذهب اعتزال ونجوم را بسوخت وازدیگرکتب یکصد بارشتر ببرد وترکمان غز پس‌ازاو آمدند به ری وطغرل سلجوقی سال ٤٣٤ برآنجا فرمانگذارشد وهمی بدست سلجوقیان بود . درسال ٥٧١ بازهم زلزله شدیدی روح داد و بسیاری ساختمانهـا ویران و مردم هـلاك شدند و درسال ٥٨٨ جـزو سلطنت **خوارزمشاهیان** گشت ، که علاءالدین تکش از طغرل بن ارسلان بن طغرل بن محمد بن ملکشاه سلجوقی بگرفت ، اورا بکشت ولشگری بپاسداری آنجـا گذاشت . پس‌ازآنکه تاتار بکشتار و تاراج بلاد اسلامی آمدند ، درآغازقرن هفتم هجری ازهمه شهرها بیشتر دچارقتل‌عام وویرانی وتاراج شدکه درهجوم مغول نوشته شده ، و آنروز همی بپستی پیش‌آمد تاکنون کـه شهری بی‌اهمیت‌است ازشهرهای دیلم ، ازآن پنبه بسیار بعراق میآوردند، ومنسوب به ری را رازی گویند ، ازآنشهر گروه بسیاری ازاعیان برون آمدند ، قبرکسائی نحوی و قبر محمدبن‌الحسن ازائمه فقه ودیگرمشاهیر درآنجاست نام‌این‌شهر**راجیس** بوده .

آقای جابری انصاری درکتاب اصفهان وری نیزنوشته‌اند: ازآثار باستانی شهرپرجمعیت ری هیچ برجا نمانده ، جزچند بقعه متبرکه ومقبره علی‌بن بابویه قمی‌که محوطه وساختمان‌آن بهمت صفویه وشاهان بعدشده وگرنه ازدیالمه وسلاجقه آثار مهمی پدید نیست وبرج طغـرل سلجوقی آنهم نظربدشمنی مغول بـاخوارزمشاهیان این برج را نگذاردند دردولت خود ویران شودکه دشمن دشمن را دوست داشتند چه تکش خوارزمشاه طغرل راکشته بود .

لردکرزن درکتاب خود بنام جهانگردی درایران ری را اینطور تعـریف میکند : میان تهران وشاه عبدالعظیم خرابه های **ری** دیده میشود ، آیا این خرابه ها باقیمانده شهر ری عربها و راجیس هخامنشی‌هـا واشکانیان است ؟ من نمیدانم در «وندیدا» نام دومحل بنـام «راجیس» و«دازنا» ذکرشده که شاید همان **ری و ورامین** کنونی باشد . شهر **راجیس** که بـا **نینوا و بـابل** آنروز همسری داشته و معـاصرهم بوده بیش‌از یك میلیون جمعیت داشته است . درکتیبه های بیستون میخوانیم **داریوش‌هخامنشی یاغیان ماد رادرشهر راجیس دستگیرنمود وازهمین** شهر **اسکندرکبیر ، دارای کدمانرا** تعقیب‌کرد .

سلوکـوس مؤسس سلسله سلوکید ها راجیس را ازنو ساخت ودرسال ٢٥٠٠ قبل‌از میلاد پایتخت اشك اول گردید . اما آن شهرری‌که منسوب بعربهاست در زمان مغول ویـران گردید . مورخین ایران وعرب راجع بآبادی وعظمت این شهر چیزهائی نوشته‌اند کـه قابل تردید میباشد ، مثلا یك نویسنده ایرانی که خودهم اهل ری بوده دراثر تعصب وطن‌خواهی چنین میگوید :

---

* شد ومجدالدوله را دربند نهاد وزمام اموررا بدست خودگرفت ولی مهر مادری موجب شد که مجدداً فرزند خودرا برتخت سلطنت نشاند وتااو زنده بود سلطنت مجدالدوله آبـروئی داشت . پس‌ازمرك آن شیرزن هرج ومرج درعراق پدید شد وبهانه بدست سلطان محمودآمد لشگر بعراق‌کشید مجدالدوله وپسرش را دستگیر وبغزنین فرستاد زندانی ساخت واقتداردیالمه بپایان رسید وفرزند شیرخواری از مجدالدوله دراصفهان باقی مـاند (ابی‌جعفر علاءالدوله) کـه اوهم بعدهـا بحکومت رسید و اولاد نـواده او نیز همیشه در مقام فرمـاندهی و استانداری بوده‌اند .

«در ری ۹۶ برزن بوده و هر برزن ۴۶ کوی و هر کوی ۴۰ هزار خانه ، هزار مسجد»
«و هر مسجد هزار چراغ و قندیل طلا و نقره داشته است و مجموع نفوس شهر ری و توابع آن»
«۸۰۰۰۳۹۶ نفر میرسد».

هرون الرشید درشهر ری بدنیا آمده و محمود غزنوی درسال ۱۰۲۷ میلادی برابر ۴۱۸ هجری آخرین فرمانروای آل بویه را درشهر ری منقرض نمود ، سلجوقیان مدتی در ری اقامت داشتند ، طغرل سلجوقی در ری بخاك رفت ، درسال ۶۱۸ هجری بنابقول مشهور لشگریان چنگیز هفتصد هزار نفر ازاهالی نسامدار ری را کشتند . وچندی بعداز او امیر تیمور بازماندهارا ازدم تیغ بیدریغ گذراند . عجب آنکه شاهرخ و نواده او خلیل سلطان از اولاد تیمور مدتی در ری اقامت نمودند . خلیل سلطان آخرین پادشاه تیموری در همین شهر بخاك رفته و برای عشق وعلاقه به « دلشادالملك » یك امپراطوری پهناوری را برباد داد .

سر پرترارکر S · PERTER · ARKER درزمان فتحعلیشاه خرابه های ری را دیده نقشه جامعی ازآن ترسیم نموده بود ولی اکنون آن نقشه باخرابه ها تطبیق نمیکند، زیرا بیشتر دیوارها وبناهای پابرجا فروریخته است ، مردم تهران هروقت که محتاج مصالح بنائی میشوند باکمال بی انصافی بیل وکلنك برداشته سروقت این بناهای تاریخی میروند وگذشته ازآجر و سنك جهة پیداکردن سکه ها وظرفهای سفالین هم کنده کاری میکنند ، البته تاکنون حفاری علمی درشهر ری اجرا نگردیده واگر بشود ممکن است آثار نفیس مهمی پیدا شود .

اما درخرابه های شهر ری یك برج بلند توخالی بارتفاع ۷۰ و بحجم ۱۲۰ پا مسانند منار بسطام وگرگان موجود است ، بالای برج چیزهائی بخط کوفی نوشته بودند کـه اکنون خوانده نمیشود ، درمشرق این برج درکنارکوه برج خرابه دیگریست کـه آنهم فروریخته و کتیبه های خط کوفی آن بزحمت خوانده میشود .

برج اولی را آرامگاه طغرل یامقبره سلطان خلیل میدانند ومیان تهرانیها به نقاره خانه یسزید یا برج یزید شهرت دارد .

در نزدیکی چشمه علی(۱) مجاور خرابه های ری روی کوه شکل یك اسب سواری را با نیزه حجاری کرده اند وممکن است مربوط بساسانی باشد ، ولی چون پهلوی آن شکل فتحعلیشاه را حجاری نموده اند شکل آن اسب سوار بخوبی معلوم نیست .

فتحعلیشاه دراینجا نیزه بدست گرفته و برسینه شیری فسرو میکند ، قدری دورتر بازهم فتحعلیشاه را روی تخت حجاری کرده اند ومطابق معمول پسرانش اطرافش ایستاده وبالای سرش شکارچیان وچترداران قرار دارند .

---

۱ ــ مرآت البلدان درصفحه ۲۳۹ جلد ۴ مینویسد «چشمه علی ری ، آب این چشمه»
«ازز یر سنك صلب خارائی که درطرف شمال شهرقدیم ری واقع بود خارج شده بجانب جنوب»
«جاری میگردد. بنابرتحقیقات واطلاعات نگارنده قلعه ری بندی که خلیفه مهدی عباسی بنانمود»
«بالای همین چشمه وروی تخته سنك بوده چنانکه حالا آثارآن باقی ونمودار است . نیزاحتمال»
«میرود قلعه طبرك (پاورقی صفحه ۹ را نگاه کنید ـ نگارنده) همین قلعه ری بندی بوده باشد»
«وسایرین آنرا باین اسم موسوم ساخته باشند. وچون درلغت فرس طبر بمعنی کوه است »

برج گبرها یا قلعه خاموشان مانند برج ببی در نزدیکی چشمه علی و خرابه‌های ری واقعست ، گبرهای ایران مرده های خودرا دراین برج افکنده ، بازان و لاشخورهـا میهمانی میکنند .

«فعلا زرتشتی ها مرده‌گان خودرا درقصر فیروزه بخاك میسپارند ـ نگارنده» درپنجـاه میلی جنوب شرقی پایتخت قصبه **ورامین** واقعست، موقعی ورامین پایتخت ومرکزایران بوده وهم‌اکنون مسجد سلطان ابوسعید فرزند سلطان محمد خدابنده درورامین است .

قلعه‌ایرج بمساحت ۱۸۰۰ متر در ۱۵۰۰ متر بسارتفاع ۲۰ متری آتشکده واقع در آسیاباد بارتفاع ۲۰۰ پا وبدرازای ۳۵۰ پا وپهنای ۳۰۰پا ازآثارقدیمی ورامین میباشد .

کتاب دهات‌کشور منتشره ازطرف اداره کل‌آمار **ری** را اینطورتعریف میکند: اسم شهر درقرن ششم پیش‌ازمیلاد درکتیبه های داریوش‌کبیر ذکر شده وبمناسبت قدمت بنای‌آن معروف **بشیخ‌البلاد** بوده وچنانکه بلخ را ام‌البلاد میگفتند . ری در قرن اول هجری بتصرف مسلمین درآمد ، ودرقرن سوم هجری هنوز شهر بزرگـی بوده‌است وبسه قسمت تقسیم میشده : یکی **شهرستان** دیگری **بازار** سومی **قلعه** .

بین ارك وشهرستان مسجدجامع شهرکه بمسجد جامع مهدی مشهوربوده‌است ساخته‌شده وارك را دربالای‌کوهی بطورجداگانه بنا نموده بودند ، بقسمی‌که تمام شهر ازمحل ارك دیده میشده‌است . طول و عرض شهر **ری** را درآن تاریخ یك فرسخ ونیم نوشته‌اند ، ولـی بعداً بتدریج اهالی قسمت شهرستان وقلعه را ترك وباطراف بازار کـه محل داد وستد بوده روی آورده‌اند وچون رودی از بازار میگذشته ، بازار را **روده** نیزمینامیدند درقرن چهارم شهر ری مورد هجوم طوایف غز واقع وخرابی یافت ولی دردوره سلجوقیان مرمت‌گردید . طغرل سلجوقی درری مدفون است ومدفن او دروسط باغی در ابن‌وابیه دربرجی‌که بنام بـرج طغرل است میباشد ، ولی بعضی مورخین آنرا مقبره **فخرالدوله** دیلمی‌هم دانسته‌اند . «گویـا فخرالدوله راهم پهلوی‌گور طغرل سلجوقی بخاك سپرده باشند ـ نگارنده» برج طغرل‌که اخیراً تعمیرشده تااندازه‌ای تغییرشکل یافته .

خرابی عمده شهرری درسال ۶۱۷ هجری ودراثرحمله مغول بوده‌که بیشتراهالی‌را قتل‌عام وساختمانهارا خراب نمودند .

وقبل‌ازحمله مغول‌هم بواسطه‌اختلافات‌مذهبی‌ونزاعهای‌اهالی قسمتی‌ازشهرخراب‌شده بودو

«* چنانکه طبرستان بمعنی کوهستانست.وطبرك باکاف‌که درفارسی‌علامت تصغیراست بمعنی کوه»
«کوچك است واین قلعه برروی‌کوه‌کوچك واقع شده ... بعضی‌گویند منوچهر این قلعه را»
«بناکرده وبرخی قلعه طبرك را زبیده نوشته‌اند ... خاقان خلدآشیان فتحعلیشاه طاب ثراه»
«که اغلب بچشمه‌علی بتفرج مـیرفتند درسال۱۲۴۸ حکم‌فرمودند دربالای چشمه‌علی صفحه را»
«هموارکرده وبرروی سنگ تمثال این پادشاه ذیجاه بابعضی ازشاهزادگان منقور سازند ...»
«ابن حوقل اسم چشمه علی را **سورنیی** نوشته بقعه ابن‌بابویه درنزدیکی‌چشمه علی میباشد»
«همچنین مقبره صفائیه‌که سه سال قبل بجهة مضجع مرحوم حاج میرزاصفا که ازاجله مشایخ»
«عرفا وارباب دانش بوده درتهران برحمت ایـزدی پیوست جناب اشرف امجد مشیرالدوله»
«بنا نموده‌اند درحوالی چشمه علی است» .

بعقیده استاد **بارتولد** جغرافیادان معروف بین اهالی شهرری نه تنها از لحاظ مذهبی بلکه ازجهات مادی و اقتصادی اغلب اختلاف بوده ومخصوصاً اختلاف بین اهالی شهر وسکنه اطراف اغلب منجر بکشتارهای زیاد وخرابی شهرشده وحمله مغول هم مزید برعلت گردیده‌است ، بعداز مغول این‌شهر دیگر باهمیت سابق خود نرسیده وحکومت ری ارثی یکی ازخانهای مغول بوده ودرزمان غازان خان قسمتی از خرابیهای آن ترمیم شده ودرشمال شهر دردامنه کوه قلعه‌ای ساخته شده‌که آنرا **طبرك** مینامیدند وتاقرن هفتم این قلعه باقی بود .

پس‌ازمغول ری ضمیمه ایالات شمالی گردید و درزمان حمله امیرتیمور گورکانی چون از طرف اهالی ری مقاومتی ابرازنشد ناحیه ری نسبتاً ازخرابی مصون ماند .

آثار خرابه های ارك شهرکه برروی تخته سنگی بطورسراشیب ساخته شده بود ودر زمان مغول خراب گردید هنوزباقیست ، ودرپای‌کوه آثارخرابه های دیگریست‌که ظاهراً همان قلعه **طبرك** باشدکه سابقاً درکوه معروف به سرسره تصویر یکی ازپادشاهان ساسانی در حالیکه سواربراسب بوده ونیزه دردست داشته و لی‌متأسفانه درزمان فتحعلیشاه آن تصویررا محوکرده‌اند وصورت فتحعلیشاه راکه شیری را بانیزه میزند باطرز زننده‌ای نقش‌کرده‌اند .

علت عمده ازبین‌رفتن خرابه های شهرری بناهای جدید است زیرا مصالح ابنیه مخروبه سابق را بمصرف ساختمانهای جدید رسانیده‌اند ، در خرابه های ری درسنوات اخیر ازنظر بدست آوردن اشیاء عتیقه وظروف نفیس ازطرف یهودیها حفریاتی‌شده واغلب آثارموجوده را نیزخراب کرده‌اند . بدیهی‌است چنانچه بطریق علمی حفریاتی‌دراین‌محل بشود تردیدی نیست که آثاری بدست خواهندآوردکه ازلحاظ روشن‌نمودن قسمتهای تاریك‌تاریخ این‌سرزمین اهمیت بسزائی خواهد داشت .

فرهنك جغرافیائی ایران درباره **ری** مینویسد : ری نام قدیم شاهزاده عبدالعظیم مرکز بخش‌ری تابع شهرستان تهران . ۸ کیلومترجنوب تهران سرراه تهران قم . موقعیت طبیعی : جلگه ، هوا معتدل ، سکنه ۱۲۲۱۹ شیعه ، فارسی ، آب ازچند رشته قنات ..... آرامگاه اعلیحضرت رضاشاه پهلوی ... نه فقط درکشور ایران بلکه دراقطارگیتی غیرازمقبره ناپلئون نظیری ندارد .

آثارقدیمه شهرری مطابق خلاصه اطلاعات باستانشناسی بشرح زیراست :

۱ — برج طغرل ، تاریخ بنا ۵۳٤ هجری وتاریخ درچوبی وقفل آهنی ۵۳٤ هجری است ، درزمان ناصرالدینشاه‌که روبویرانی بود تعمیرشده‌است .

۲ — مرکزشهرسلجوقیان (حدود حسین‌آباد - منصورآباد - حاجی آباد فعلی شهرری) عهد سلجوقیان‌که درفتنه مغول ویران شده‌است . **مستراشمیت** باستان‌شناس مشهوربنمایندگی موزه هنرهای شهربوستون درسالهای ۱۳۱۳ — ۱۳۱٤ دراین نقاط کاوشهای علمی نموده‌است .

۳ — مزار بی‌بی‌شهربانو روی قله نقارخانه .

٤ — مقابری ازازمان سلجوقیان درروی‌کوه نقارخانه‌که درکاوشها بدست‌آمده .

۵ — تپه چشمه علی وقلعه ازآثار ابنیه قدیمی ازقدیم ترین آثار تاریخی است بدست مغولها منهدم شده .

بطورخلاصه شهرستان **ری** درزمان خلافت عمردرسنه ۱۹ بدست **عمربن زیدالخیل طائی** که بسرکردگی هشت نفرمردانی‌که شهادت را سعادت میدانستند فتح شد و تاسقوط

بنی امیه یعنی آغاز قیام ابومسلم خراسانی تابع خلفای راشدین یا سلاطین بنی امیه بوده است (۱۳۰ هجری) واز آن تاریخ ببعد بعلت اهمیت موقعیت واستعداد آبادی ومرکزیت تمدن ایرانیان بعد از اسلام، همیشه دستخوش قتل وغارت وویرانی امرا وکسانیکه داعیه سلطنت داشته‌اند بوده ودومرتبه هم براثر زلزله بشدت خراب وویران شده است.

المهدی بالله، هارون الرشید و مأمون خلفای عباسی چندی دراین شهر متوقف وبرآبادی بعد ویرانی آن همت گماشتند.

جنك طاهر بن حسین باعلی بن عیسی ماهان سرکرده ارتش امین برادر مأمون در اطراف این شهر بوقوع پیوست.

همچنین جنك بین محمد بن جعفر علوی نماینده حسن بن زید ومحمد بن طاهر نیز دراین شهر بوقوع پیوست، ومجدداً سران زیدیه به ری هجوم آورده ابن میکائیل نماینده خلیفه راکشتند وروزعید فطر نمازخوانده ومردم را برای بیعت باحضرت رضا(ع) دعوت نمودند.

آبادیهای مهم شهر ری بدین شرح بوده است

۱ ــ خوار　۲ ــ قار (غار)　۳ ــ دماوند (دنباوند)　۴ ــ دولاب
۵ ــ ورامین　۶ ــ بیست　۷ ــ دسبی　۸ ــ رنبویه
۹ ــ زویق　۱۰ ــ کلین　۱۱ ــ مشکاوین　۱۲ ــ مهرقان
۱۳ ــ وهبن　۱۴ ــ محمدیه (نام جدید ری بوده).

ازاین چهارده قریه فقط قراء از ۱ تا ۸ درسال ۲۶۱ که پیدایش نام تهران بوده وجود داشته‌اند.

و آبادیهائیکه هنگام پیدایش قریه تهران جزوشهرستان ری وآباد ومعمور بوده‌اند:

۱ ــ اذون که جزو قصران بوده　۲ ــ اسفندون　۳ ــ اشنان　۴ ــ بهزان
۵ ــ جراذین　۶ ــ خرماباد　۷ ــ خومین　۸ ــ دزاه　۹ ــ دهك
۱۰ ــ دوربست (درشت یاطرشت)　۱۱ ــ سن　۱۲ ــ طبرك　۱۳ ــ قصران
۱۴ ــ کرج　۱۵ ــ نرمق　۱۶ ــ هسنجان　۱۷ ــ یزدآباد　۱۸ ــ ورامین

ولی تدریجاً کلیه آنها براثر حوادث وقحط وغلا وبیماریهای ساری و ناامنی ومهاجرت مردم آن بجز خومین، دوربست، کرج وورامین ازبین رفته یااهمیتی نداشته‌اند.

ولی پس ازحمله مغول واستقرار حکومت اولاد چنگیز درایران قراء دیگری دراطراف ری ازنو ایجاد شد مانند: جاتبج - جاجرود - حبلورد، شکراب، ساوجبلاغ، طالقان، فیروزکوه، سولقان، کن، لورا، شهرستانك، لار، لواسان وونك. بنابراین تهران ازسال ۲۶۱ تا ۶۱۷ (حمله مغول) همدوش آبادیهای مهم مانند **دولاب، خوار و ورامین** طوری آبادومرکزیت داشته که حمله مغول هم نتوانسته آنرا نابود سازد ولی ترقی وتنزل شهر ری دراو مؤثر بوده.

اما حمله چنگیز که **ری** را ریشه کن و از بیخ وبن برانداخت تدریجاً **تهران** روبترقی رفت.

بخش دوم - تهران

هنگامیکه ری برحسب حوادث طبیعی مانندزلزله وبیماریهای ساری همچنین وقایع جنگها واختلافات رو بسقوط وزوال میرفت قریه تهران (طهران) قوس صعودیرا طی مینمود .

بستانی درلغت تهران مینویسد : پایتخت ایران است و ازدریای مازندران تاآنشهر بطرف جنوب هفتاد میل مسافت دارد (گویا بطورمستقیم محاسبه شده است ــ نگارنده) وتااصفهان پایتخت کهنه ۲۱۰ میل مسافت ، کــه شمال اصفهان افتاده در ۴۲ ــ ۳۵ و ۵۰ ــ ۲۰ ــ ۵۱ طول شرقی ، وشمارش مردمش ۲۱۰ هزارند ، درزمستان که همه مردم داخل شهرند وسال بسال همی بفزونیست که پانزده سال پیش نصف این جمعیت را نداشت وآنشهر درصحرای ریگستانیست که ازطرف شمال وشرقش کوههاست وشهرهای طرف غربی آن همه پرنعمت که مـــردمش زراعت آن بلاد را خوب مینمایند ، هوای تهران خوب نیست ، تابستانش گرم که شاه ودولت مردمانش درتابستان یابکوههای نزدیك میروند ، یا درزمینهای بلند مجـــاورشاهی (منظور داودیه وقصر قاجار است ــ نگارنده) و شمرن چادر میزنند ، شکل تهران مربع بی انتظامیست ، درازای هر ضلعش یك میل یابیشتر و دایـــره محیطش را پنج میل گفته اند ، گرد آن باروی گلی پهناوری و خندقی بی آب است و ازباروی آن گوشه هائی بشکل نیمدایره برآمده و دروازه ها داردکــه پاسبانها گذارده اند ، غروب آفتاب منظره تهران ازبیرون نیك زیبا مینماید ولی کوچه ها تنك است و بی نظم ودرتهران بناهای نیکو ازمساجد ومدارس وکاروانسراها وخانه های بزرگان ایران نمایشی دارد ومخازن امتعه اش بسیار، اما دیگرساختمانهای کوچك وخشت وگل ، ولی کاخ شاهی بزرك بافضای گشاده وایوانهای بدیعه وادارات حکومتی وپاسبانان عمارات سلطنتی بـــاطرافش باسیاری ازحمامها وبوستانها وکاخ شاهی خود قلعه ای محفوظ است با باروی شمالی ودرجوار شهر قصردیگریست ازشاه که برمحل بلندیست (قصرقاجار را فتحعلیشاه روی تپه منفردی ساخته بود ــ نگارنده) واطراف شهر گشاده وآبادان وباغات ودهات وخانات دارد . سیم تلگراف از تهران تاحدود ترکیه وقوقاس کشیده شده و درتهران کارخانه های آهن گدازی وغـــیره هست و پیشاین زمین اهمیتی نداشته تاآقامحمد خان آنجارا پایتخت عجم کرد . سال ۱۲۱۰ هجری و ۱۷۹۶ میلادی، وبازارهای نیکو وکاروانسراها بنا شد وکریمخان زندهم پیش ازاوآنجارا شهرت داده بود پس ازآنکه درهجوم افغان ویران شده . ساختمانهای تازه درآنجا طرح انداخت .

ودرکتب عرب است که طهران یك دهی ازدهات ری بوده وآثار ویرانهـــای شهرری تاپانزده میلی تهران است ودرقرون سیزدهم میلادی یك دیه کوچکی شده بود که مردمش درخانه های زیرزمینی برای پاس خود ازدشمن جاگرفته بودند وهمی پیش افتاد وبزرك شد و سزاوار نـــام شهریت گردید .

درقرن شانزدهم میلادی وسال ۹۶۱ هجری شاه طهماسب باروئی گردآن کشید که دایره اش ششهزارگام بود و ۱۱۴ برج برای آن قرارداد ودرهربرجی سوره ای ازقرآن گذارد وچهارده دروازه برای باروی قلعه گشوده ودرقرن هفدهم نام آنشهررا شهر چنار گــذاردند . ازبسیاری درخت چنارکه چنارستانش میگفتند .

ویلطرون جزوسخنانش گوید تهران تازه سازنیست وزمان شاه‌عباس بزرك شهری بانام ونشان بوده که شاهان صفوی بسیاراوقات درآنجا میماندند .

درزمان ناصرالدینشاه وشاه حالیه وپسرش اصلاحات بزرك از آنشهرشده کوچه‌ها و خیابانهای وسیع ، مدارس وبیمارستان وچراغ‌گاز وجزآن ازفزونی آرایش ونمایش پایتختی شگرف است .

صاحب کتاب ری واصفهان گوید : امروزه که پنجاه سال ازروزگار نگارش **بستانی** میگذرد درامتیازات تهران چندین برابرشده ومیشنوم جمعیتش‌دراین‌سال(۱۳۶۱ قمری) به ۷۰۰۰۰۰ بومی ورهگذری رسیده وچند سال پیش نصف این جمعیت بیش نبود ودایره شهررا حدس میزنم بده میل بیش‌رسیده ...

جنوب تهران امروز بلوك **غار** بنام شهرری خوانده میشود ومرکزش آستانه حضرت عبدالعظیم است و **فشاپویه** مرکزش **رباط‌کریم** است ، **وشهریار** جنوبغربی حاصلخیزترین ومهمترین بلوکات ودارای دهکده های بزرك مرکزآن **علیشاه‌عوض وورامین** جنوب‌شرقی است ودومرکزمهم دارد : یکی قصبه ورامین‌که سابقاًشهری بوده ، دوم امامزاده جعفر(ایستگاه راه‌آهن ورامین بنام «پیشوا» درامامزاده جعفر واقعست ــ نگارنده) وشمال‌تهران شمران‌است مرکزش **تجریش** و امروز خود شهر ییلاقی تهـران شده‌است ازبس عمارت درآن ساخته‌اند دنباله آن **بدماوند ولار** مازندران میرسد. دهات بزرگش یکی عامه‌است و **کن‌وسولقان** هم یکطرف است .

سوهانك ، نیاوران ، سلطنت آباد طرف دیگر **وزرند** مرکزش‌خودزرنداست. وخوارکه شمال شرقیست مرکزش **گرمسار** است **وساوجبلاغ** طرف مغرب افتاده وچندناحیه تقسیم میشود ،کوهستانی دارد دارای دهات بزرك یکی **برغان** ، **پشند** ونـاحیه جلگه‌اش نیز دهات معظم دارد : چون **ینك امام وهشتگرد** وقصبه **اشتهارد** که مردم بزرك ازآن بدر آمده جزو ساوجبلاغ‌است ومرکزش کرج که خود شهری شده **ونجم‌آباد** قصبه مهمی است ودر این اواخر مجدداً **طـالقان** جزو تهران آمده وازقزوین‌جداگشته. وبس‌است درفضیلت‌طالقان که چون **صـاحب‌بن عباد** وزیر بزرگـی از آن شهر کوچك دلی دانا و زبانی گویـا و کفی دریا داشت .

موریه‌گوید : پایتخت حالیه ایران طهران است، دورباروی اینشهر ازچهارمیل‌ونیم الی پنج میل است ، این شهررا شش دروازه است‌که سردر وجوانب‌آنهارا کاشی‌کاری کرده ، صورت ببر وحیوانات دیگررا درکاشیها نقش کرده‌اند ، درسمت شمال مغربی تهران بعضی یکه برجها درحوالی باروست‌که دریکی ازآنها یك لولـه توپ ویك زنبورك دیدم ... تنها بنـای قابل ملاحظه مسجد شاه میباشدکه ناتمام است وغیرازاین مسجد شش‌مسجدکوچك درتهران‌هست که قابل ذکر نیست . این شهر سه چهار مدرسه بزرك بیشترندارد . افواهاً میگوید صدوپنجاه کاروانسرا وبهمین شماره حمام درتهران هست ، دو میدان بزرك یکی درشهر یکی در اطـراف تهران است ، دوعمارت ییلاقی سلطنتی این شهر داراست ، یکی قصرقاجار، یکی نگارستان‌که تازه بنا مینمایند .

مرآت‌البلدان مینویسد درسال ۱۲۵۱ میرزا ابوالقاسم قائم مقام فراهانی که بمنصب وزارت وصدارت عظمی سرافراز وفاضلی دانشمند ودبیری بی‌مانند بود چون مدتی میگذشت که اطوار و اعمال او منافی رأی مبارك سلطنت ومخالف صلاح وسداد حال دولت بود وغرورمنصب ونخوت ریاست آنجناب را ازمشاورت درامور مراعات رأی مبارك پادشاهی بازداشته ونزدیك بود درکار ملك خللی تمام راه یابد چه نیت آنجناب پیوسته توهین امرسلطنت بود.

لهذا هنگامیکه موکب پادشاهی بعزم ییلاقات از شهر بباغ نگارستان نقل‌مکان فرموده وقائم مقام هم درباغ لاله زار متوقف بود در سلخ شهرصفر ۱۲۵۱ آنجنابرا بنگارستان احضار فرموده بی‌آنکه بشرف حضور نایل‌شود وحیاء جبلی پادشاه مکافات کارهای اورا بتأخیر بیندازد هلاك کردند و پیوستگان و فرزندانش را باخود و برادرزاده‌اش میرزا اسحق را ازتبریز مسلوب‌الاختیار نمودند.

در **معجم‌البلدان و آثارالبلاد** وجه تسمیه تهران باتاء منقوطه را باین نحو معین کرده‌اند: که چون اهل آنجا دروقتیکه دشمن برای آنها بهم میرسید درزیرزمین پنهان میشدند از اینجهة باین اسم موسوم شده‌است که **ته ران** یعنی زیرزمین میرفته‌اند.

هرزمستان ۸۲۰ عمامه خز بعلویین دادی، روزی جام آبی بدو دادند یکی‌ازخواص گفتش منوش که زهرآگین‌است، گفت ازکجا دانی؟ گفت جامدار را بگو بنوشد، فرمود روانندارم وجامدار را برون‌کرد اما حقوقش را میداد.

وضع ساختمان اماکن تهران قدیم

قزوینی در **آثارالبلاد** میگوید وجه تسمیه **تهران** باتاء نقطه دار ازاینجهة است که خانه های آنرا ازترس دشمن زیرزمین میساختند و(ته ران) میگفتند.

قاضی‌عمادالدین در**عجایب‌البلدان**مینویسد **طهران** قریه‌ایست معظم جزو ایالت **ری** دارای باغات زیاد ودرآن باغات‌اشجارمیوه دار غرس‌شده وسکنه درخانه‌های سرداب‌مانند متوطن‌اند، همینکه دشمنی بایشان حمله آورد بآن خانه‌های تحتانی پناه جسته وهرقدر محصور بودن آنها امتداد یابد بسبب کثرة آذوقه که ازفرط احتیاط ذخیره کرده‌اند آسوده‌اند و بیرون‌آوردن ایشان ازآن اماکن غیرمقدوراست.

وضع کشاورزی تهران در گذشته

بعلت کوچکی شهر وزیادی آب وضع کشاورزی روزگارپیش تهران قابل‌توجه بوده‌است.
احمد رازی مؤلف تذکره هفت اقلیم دراین‌خصوص مینویسد:

تهران اززمان فرمانفرمائی شاه طهماسب صفوی بزینت باروی اسواق، مجلل گردید و سمت شهریت پذیرفت، وبحسب جداول وانهار وغرس اشجار سایه دار وباغات‌جنت آثارمستثنی ازبلاد ودیارشد درشمال آن کوهستانیست موسوم بشمیران، که قطعه‌ایست ازقطعات جنان، هواازبوی پرعطروجهان ازرنك چون دیبا وسپهر، وزخوبی آن زیادبران، که درایام‌سابق این کوهستان را (شمع ایران) میگفتند ودرآن اقسام میوه نیك یافت میشود بخصوص گیلاس که بانهایت خوبی وافر وبی‌قیاس میباشد وهمچنین کوهستانیست دردوفرسنگی آن به کند وسولقان معروف است، که

آن نیز ازبسیاری آب روان و کثرت درختان میوه های الوان مانند بستان جنان تواند بود و نواکهش نوعی خوب میشود کـه همه‌کس را آرزوی آن میشود و ازاین قبیل خصوصیـات بسیاری دارد .....

مستوفی در **نـزهة‌القلوب** مینویسد : وتمام ولایات ری ۳۶۰ پارچه دیه است و دیه **دولاب وقصران** درزمین **فیروزرام** ، توهه ، شندر ، طهران و فیروزان ازمعظم نـاحیه **غار** است .

طهران قصبه معتبراست وآب وهوایش خوشتراز ری است ودرحاصل مانندآن ودرماقبل اهل آنجاکثرت عظیمی داشتند .

دون روی دیکلاد سفیر اسپانیا در دربار امیرتیمورکه در۵ ۲ ذیقعده سال۸۱٤هجری درتهران بوده مینویسد : شهری بسیار بزرك است وحصار وباروئی ندارد کلیه اشیاء درتهران وجوددارد وهوای‌آن بسیارصاف وشفاف ولطیف بوده‌است .

دردوران صفویه‌که هرموقع **عثمانیها** ازباختر و **ازبـکان** ازشمال خـاوری فرصت میبافتند بایران میتاختند ، شاه طهماسب راکه ازسلاطین بزرك صفویست و هشتادسال عمرکرده برآن داشت که بعداز قزوین فکرپایگاه و تکیه‌گاه دیگری بیافتد ، وچون **تهران** در معبـر خراسان ، گرگـان ، مازندران ، آذربایجان بوده بعداز قزوین کـه پایتخت بود پناهگـاه دوم قرار داد .

ودرسال ۹۶۱ هجری فرمان همایون بساختن برج وبارو برای تهران صادرشد .

نویسنده **زینت‌المجالس** مینویسد : حضرت پادشاه مغفور (شاه طهماسب) در عمارت تهران‌کوشید وباروئی دورآن‌کشیدکه تقریباً یك فرسخ دورآنست ، این شهراکنون معمور و آباد وارتفاعش غله ومیوه نیکومیباشد .

مؤلف **ریاض‌السیاحه** مینویسد : درقدیم تهران قصبه بوده وبتدریج تبدیل بعمارت نهاده، شاه طهماسب‌بن‌شاه‌اسمعیل صفوی دروسعت وعظمت آن‌کوشید وبرآن حصاری معین‌کشید.

کریمخان زند عمارت آن افزود ودراتساع آن سعی نمود ، شهر در زمین دوراتفاق افتاده‌است وسمت شمالش فی‌الجمله گرفته وسایراطرافش گشاده‌است .

همچنین مؤلف **کتاب روح وریحان** مینویسد شاه طهماسب که پایتخت ومرکزسلطنت او قزوین بودگاهی برای زیارت مرقد جدش امامزاده حمزه همچنین حضرت عبدالعظیم (ع) در ری میآمد ، وچون **طهران ومهران** که دوقریه دردامنه شمالی‌کوه شمران شکارگاه خوشی بود برای همین‌نکته چندین‌بار دراین‌محل‌اقامت مینمود . ودرنتیجه همین‌توجه شهریاری بساختن حصار وباروئی برای تهران فرمانداد ، وفی‌الواقع شالوده آبادانی اینشهر برحسب دستور شاه طهماسب ریخته‌گردید .

آنچه ازنوشته مورخین مفهوم میگردد : اطـراف شهرتهران ۱۱٤ بـرج برابر شماره **سوره های قرآن** بدستور شاه‌طهماسب ساخته شده زیرهربرج سوره‌آن‌دفن‌گردید واطراف برج باکاشی چند آیه‌ای از همانسوره نوشته شده بوده‌است .

مجدالدین در دبستان‌السیاحه میگوید : شهرچهار دروازه داشته فاصله هریك یکربع فرسخ بدین شرح : **دروازه حضرت عبدالعظیم، دروازه شمیران** (جلوی بـامنار ـ

نگارنده) دروازه دولاب (بازارچه نایب‌السلطنه ــ نگارنده) دروازه قزوین (درحدود میدان شاهپور فعلی ــ نگارنده) وچون خاك خندقها برای‌ساختمان برج و باروکفاف نمیداد ازپنج محل (چاله میدان، چاله حصار، گود زنبورکخانه، گود محمدیه و گود قلیخانه‌که درحدود دروازه‌قزوین بوده) خاك برمیداشتند .

پس‌از تکمیل برج و باروی شهر حمام خانم وتکیه مدرسه خانم بدست خواهرشاه‌طهماسب بنا شدکه آثارآن هنوز باقیست، مدرسه خانم بدست عساکرافغانی‌خراب شد و **صاحب دیوان** جای آن حسینیه بنانمود .

درمحل ارك وعمارت‌گلستان فعلی کــه آنزمان زمینی بایر بوده بدستور شاه عباس‌کبیر چهارباغی بنانهادندکه چنارهای عباسی‌آن تااین اواخر ورد زبانها بود .

درزمان صفویه درایران شانزده بیگلربیگی داشته ازآنجمله مقر یکی ازآنها تهران‌بوده واین نشانه اهمیت تهران درآنزمانست‌که درردیف استانهای مهم محسوب بوده .

کریمخان زند نیز پس‌ازآنکه قشون محمدحسنخان قاجاررا شکست داد وخود اوراکشت در۱۱۷۲ ه . ق . درديوانخانه تهران بتخت سلطنت نشست ، درتابستان ۱۱۷۳ بشمیران رفت ودستور داد درغیبت او بنای عمارت سلطنتی ودیوانخانه بزرك وباغ‌جنب دیوانخانه ویکدست حرمخانه درتهران بناکنند واوایل زمستان که این ساختمانها تمام شد کریمخان ازشمیران بشهر مراجعت نمود ودرنظرداشت تهران را پایتخت خود نماید .

ولی درسال ۱۱۷٦ ازتوقف درتهران منصرف شد قصد شیرازنمود وفرزندان محمدحسن خان را بقزوین فرستاد .

آغا محمدخان در۱٦ سالگی پس‌ازوفات‌کریمخان (۱۳ صفر۱۱۹۳) باچهارده تن ازخویشاوندان خود دربیستم صفر بحضرت عبدالعظیم رسید و۲۲ صفرکه روزعید نوروز بود در حوالی شهرتهران جلوس نمود .

در **تاریخ گیتی گشا** مینویسد : چون هوای بلده تهران بحرارت وعفونت مسایل و سمیات وبائی درآن ولایت متعدد و ملتزمین موکب خدیو آفاق اکثرپروردگان هوای ئیلاق و مردم پیشه ولایت عراق سرحدنشین و معیشت ایشان دراین سرزمین شاق بود ، بلوکیست موسوم بشمیران متصل ببلده طیبه تهران وچون دردامن‌کوه واقع وچشمه‌های آب‌خوشگوار ازآن‌جاری ومراتعش بغایت بسیاری وهوایش بسلامت اقرب وتوقف موکب ظفرکوکب دراین‌سرزمین‌اولی وانسب بود الویهٔ کشورگشائی و اعلام ملك‌آرائی بجانب بلوك‌مزبوردرحرکت .... ایام حرارت هوا وهنگام بودن‌گرما برملتزمین اردوی معلی بخوشی وخوشوقتی‌گذشت ...

چون ایام تموز بانجام وهنگام مدت هوای آتش‌افروز باختتام رسید ، ابرمشکین‌وسحاب عنبرین خیام سنجابی بفضای‌کوه وشجرکشید . اردوی گــردون شکوه ازساحت دشت وکوه بعزم شهرستان مراجعت بسواد تهران نموده ، درعمادات مبارکات‌که بمعماری سعی واهتمام این‌خدیو کیوان مقام صورت انجــام یافته بود مشغول بلوازم عیش و نشاط و اقــدام بمراسم بهجت و انبساط فرمودند ....

درجای دیگرمینویسد : درحالتی‌که خیام عزوشان درسلطانیه وزنجان مرکوب برجیس و کیوان بود ، حکم مقدس جاری وفرمان اقدس برمزاج ملك ساری شد که عمارتی بجهة خاصه سرکار دربلدیه طهران پردازند. کارگزاران دیوان عدالت ارکان شروع بسرانجام کار و تدارك

اسباب بسیار کرده، معماران اقلیدس کشا و بنایان کارآزما و نجاران بدایع نگار و نقاشان هیکل نگار ازهر گوشه وکنار جمع آورده ، شروع باساس این بنای زیبا کرده دراندك روزی این عمارت بهشت رونق ، سرکوب سپهر مطلق وغیرت چرخ معلق و رشك طاق کسرا وایوان خورنق گشته ، دردیوان خلد وخرم ومکانهای کشیکچی وخدم بنائی چون باغ ارم آراسته وخانه‌ای چون بیت‌الصنم باتمام رسید .

... بهارخرم آرایشگر عرصه عالم وزینت بخش بسیط غبرا وزینت افزای کوه وصحرا گردید ... دامان کوه وکمر ازجوش سبزه‌های تر، رشك سپهراخضر وفضای بسیط اغبر ازهجوم گلهای عنبر احمر افق خاورشد . هزاران هزار دستانسرا درصحن گلستان بنواهای دبستان سرود خوان شدند وقمریان خوش الحان ، درساحت روز رخشان ، بناله وافغان ، نواسنج ونغمه سرا آمدند ، درعمارات عالیات تهران محافل بهشت مشاکل ومجلس مینو شمایل برسمی که سزاوار، وآئینی که شایسته آنخدیو صاحب اقتدار بود صورت انجام پذیرفت ... درآنمدت که موکب ظفر نشان ، داورکسری نشان ، درطهران انتظام بخش امورپریشان ولایات عراق و توابع آن بود فرصت نموده، بمرور پای جرأت بنواحی بلده تبریز ومراغه وغیره گشوده بود ... نوای نای ساکنان صوامع ملاء اعلی را کرکرد ونعره روئین درای بنیان قصورسپهر والا را ازبن برآورد ، ورایات شوکت وشأن فلك سا ، وماهچهٔ اعلام ظفر توأمان از افق شهر تهران ، پیش‌خانه کشان همایون ازخیام فلك نمون بربع مسکون گردونهای دیگرگون کشیدند .

دروقایع سال ۱۲۰۵ ومراجعت آقامحمدخان از آذربایجان قفقاز مینگارد : بنابرصلاح وقت بولایات آنطرف رود ارس نپرداخته ، بعداز اول میزان قانون حرکت ونهضت را سازو لوای منصوری را باوج فلك و نوای نای عزیمت را بگوش ملك دمساز و مشقهای زرتار اعلام همایونرا بهزار بادصبا مانند عشاق پرسوز وگداز بناله خیزی وشورانگیزی آغازوخروش کوس روئین پرده درگوش ساکنین اصفهان وحجاز ونعره گورکهٔ آهنین زلزله افکن بنیان طاقت و توان متوطنین نیشابور وشیرازگردید ، ازراه راست اعنی پنجگاه خمسه وعراق روانه دارالملك تهران شدند .

دروقایع سال ۱۲۲۹ هجری ودستگیری لطفعلیخان زندگوید: امنای دولت آقامحمدخان مصلحت وقت را درآن یافتند که بدون قصوری دراعضاء بهیئت صحیح اورا بهمراه اردو بتهران برده باشند . بناء علیه دیده جهان بین اورا ازحلیه بصرعاری و بفاصله چند روز بصوب طهران روانه ساختند .

«گویند آغا محمد خان درباره لطفعلیخان خیلی نامردی نمود و بدست‌خود چشمان اورا»
«بیرون آورد ، اعمال زشتی درباره این شاهزاده جوان وزیبا وخوش‌اندام ورشید وجوانمرد»
«روا داشت که قلم ازبیان آن شرم دارد وزبان ازتقریر عاجز وبالاخره اوراکشت وگوراوگویا»
«درامامزاده زید باشد . علی‌التحقیق یکی‌ازدلیران ناکام ایران وقهرمان شجاعت که درتهور»
«وجلادت ورشادت ثانی جلال‌الدین خوارزمشاه وبزرگتراز منصورآل مظفراست پهلوان زند»
«لطفعلیخان شهسوار ایرانی بوده‌است» .

پس‌از مراجعت آغامحمدخان اهالی تهران دروازه های تهران را براو بستند واوشهر را محاصره نمود (۱) پس‌ازخونریزی زیاد وفوت سرداران مدافع تهران بتصرف شاه قاجار

---

۱ — بدواً در ۱۱۹۷ غفورخان تهران را تسلیم نمینمود پس‌ازآنکه براثر شدت وبا *

درآمد ودرنوروز ۱۲۰۰ درتهران بتخت سلطنت نشست وسکه بنامش زدند خطبه بنامش خواندند وازآنموقع تهران رسماً پایتخت شد .

سرسلسله قاجار دستور داد پرده ها و تصاویر و آئینه‌های عمارت وکیل را از شیراز بتهران آوردند وتالار تخت مرمررا باآنها تزئین نمود همچنین استخوانهای مرده کریمخان را برای بی‌احترامی درکریاس عمارت معروف بخلوت کریمخانی مدفون نمودکه در هرروز ازروی آن عبور نماید «هنگامیکه در۱۱۷۲ شیخعلیخان سر محمد حسنخان قاجار پدر آغا محمد خان را برای کریمخان فرستاد کریمخان داد سر را باگلاب شستند وفرستاد دراسترآباد کـه پهلوی پیکرش دفن نمایند وسه روز عزاگرفت وفاتحه گذارد . عجب تلافی نامردانه‌ای کرد آغا محمد خان ــ نگارنده» .

بخش سوم - تهران جدید یا پایتخت قاجاریه

بنابرآنچه گذشت تهران ابتدا قریه‌ای بوده‌است ازتوابع ری که تازمـان صفویه شهرتی نداشته وفقط ازمیوه آن توصیف و ازهوای آن مذمت شده . یك ثلث این دهستانرا خانه‌های سردابی ودوم آنرا باغها وانهار تشکیل میداد .

د سال ۹٦۱ هجری قمری بامر شاه طهماسب صفوی باروئی بدورآن کشیده شد وسپس کریمخان زند عمارات سلطنتی درآن بنا نهاد وارك را ازسایرقسمتهای شهرمجزا نمود .

ودرسال ۱۲۰۰ هجری قمری آغا محمد خان قاجار بعلت نزدیکی باسترآباد ودسترسی بایل قاجار بدواً ساری وسپس تهرانرا مقرسلطنت وپایتخت خود قـرارداد ودرآنموقع غیراز محله ارك که دارای برج وباروئی بود واختصاص بسلاطین وامراء واعیان داشت محلات سنگلج وچاله حصار وچاله میدان درجنوب وباخترآن موجود است . دراین سالها مـردم آن نزدیك پنجاه هزارنفربودند ، بتدریج جمعیت پایتخت روبفـزونی گذارد ، لذا درسال ۱۲۸٤ هجری که مصادف بـا سلطنت طولانی ناصرالدین شاه و وزارت مـیرزا عیسی وزیر بود تهـران توسعه پیدا کرد .

« درگذشت ناچارشهر تسلیم شد وچون اردوی‌شاه درشمیران بود وبادرآنجا رخنه کرد واردورا بچشمه علی نقل مکان دادند .

در۱۱۹۸ علیمرادخان زند باچهل‌هزارسوار بتهران آمد واهالی دروازه هارا برویاو بازکردند ولی‌او بیمارشد ودرگذشت وآغا محمد خان در۱۲۰۹ تهران را تصرف کرد وفتحعلیشاه ولیعهد و حسینقلیخان برادر تنی خود ومـادرش مهدعلیا را درتهران گذارد وارتش را روانه گرجستان نمود .

فتحعلیشاه نیز روزعید فطر ۱۲۱۳ درتهران برتخت سلطنت جلوس کـرد ودرسال ۱۲۱۸ **نادرمیرزای افشار** را ازنواده نادرشاه افشارکه درمشهد رضوی تمرد نموده بود دست بسته بتهران آوردند . وفتحعلیشاه دستورداد اوراکشتند «گویا درسید ولی دفن است ــ نگارنده» آغا محمد خان برخلاف فتحعلیشاه (که ایرانرا برباد داد) خیلی باین مملکت خدمت نمود ولی ذاتاً مرد خبیث وفرومایه‌ای بود .

گویند هنگامیکه ناصرالدینشاه خواست حدود شهررا توسعه دهد (آنهنگام حدودشمالی شهر خیابانهای برق «امیرکبیر» باغشاه«سپه»وحدود باختری خیابان دروازه قزوین«شاهپور» حد خاوری خیابان دروازه دولاب که بعداً خیابان ماشین معروف بود «خیابان ری» وحد جنوبی خیابان اسمعیل بزاز ،گذر زعفرانباجی ، بازارچه سوسکی ، باغهای وزیرنظام «خیابان مولوی» بود) ازمرحوم حاج ملاعلی کنی نظریه خواست . ایشان موافقت نکرده وفرموده بودند هنگامیکه پایتخت را توسعه دادی مردم ولایات برای استفاده ازنعمت امنیت شهرهارا خالی و بتهران هجوم میآورند آنوقت اداره کردن این جمعیت مشکل است واگریك بیماری ساری پیداشد جمعیت انبوهی تلف خواهند شد بعلاوه درتأمین خوار بار مردم تهران بانبودن وسیله وبسته شدن راهها مردم بزحمت خواهند افتاد وگرانی میشود وحتماً سایر شهرها روبخرابی خواهد رفت مگرکاری بکنی که نفوس وجمعیت تهران ازراه ازدواج جوانان وتوالد وتناسل زیاد شود .

ناصرالدینشاه که تازه ازفرنك آمده بود ونقشه پاریس اوراخیره کرده بود مصمم باجرای نظریه خود بود لذا نقشه توسعه شهررا زیرنظرمیرزا عیسی وزیر بموقع اجرا گذارد . حدود شهر بیك سلسله خندق که ازنظردفاعی (بااسلحه های دهن پر آنروز) قابل ملاحظه بود محصور گردید که آثارآن تاسال ۱۳۱۰ باقی بود ومحله‌های دولت ، بازار، عودلاجان بمحلات سابق افزوده وشهر دارای دوازده دروازه بنام (دولت، شمیران ، دوشان تپه ، دولاب ، خراسان ، حضرت عبدالعظیم ، غار ، خانی آباد ،کمرك ، قزوین ، باغشاه ویوسف آباد) گردید .

درسال ۱۳۰۹ ه . ق . که بنای دروازه و خندقها پایان پذیرفته بود جمعیت تهـران ۱۶۰ هزارنفربود وتهران ۱۸ هزار خانه داشت . بتدریج دراثر ازدیاد جمعیت وتبدیل باغها بخانه واحداث باغهای جدید محله های قنات آباد ، حسن آباد و قاجاریه بوجود آمد وازسال ۱۲۹۷ شمسی نیز درخارج دروازه قزوین محله‌ای بنام شهرنو برمحلات سابق افزوده گردید که زنهای هرجائی راکه چند سالی بود درحدود قاجاریه وخیابان شنی مجتمع شده بودند بآن محل انتقال دادند .

درسال ۱۳۰۱ شمسی ازطرف بلدیه تهران سرشماری شد، جمعیت تهران ۲۱۰ هزارنفر وعودلاجان پرجمعیت‌ترین محلات شهررا تشکیل داده بود .

پیشه وران تهران درعصر ناصرالدینشاه

درسال ۱۲۳۲ ه . ق . پیشه وران تهران بشرح زیر بودند :

چلینگر ۲۶ ، صباغ ۳۶ ، جوراب باف ۱۱ ، خراط ۲۴ ، لحافدوز ۶۱ ، نمد مال ۵ ، لواف ۲۶ ،گیوه فروش ۲۵ ، کلاه مال ۱۲۱ ، طباخ ۱۵۶ ، قهوه‌چی ۵۶۱ ، سراج ۱۸ ، دوخته فروش ۳۴ ، زرگر ۹۳ ،کله پز ۴۷ ، بقال ۸۵۷ ، علاقه بند ۱۸۹ ، صراف ۶۰، بزاز دوره‌گرد ۶۱ ، تنباکوفروش ۳۰۰ ، نفت فروش ۴۵۶ ، عطار ۶۸۲ ، خیاط ۱۶۰،کلاهدوز ۶۱ ، آجیل فروش ۴۵ ، حلوائی ۱۶ ، ارسی دوز ۱۵۷ ، بزاز مسلمان وکلیمی ۱۸۱ دکان اینك مهمانخانه ومسافرخانه ۱۳۰ ، کافه قنادی ورستوران ۴۵۰ ، قهوه خانه ۲۰۰۰ ، طباخی ۳۵۲ ،کله پزی ۱۱۶ ، مشروب فروش ۲۲۴ ، اغذیه فروش ۱۴۰ مغازه‌است) بوده‌است .

بخش چهارم - جغرافیای تهران

حدود طبیعی - شهرستان تهران ازشمال محدود است : برشته کوههای البرز از جنوب بقم وکویر ازخاور بدماوند و ایوانکی ازباختر ببلوکات قزوین وساوه ارتفاع آن از سطح دریا ۱۱۳۷ متر درازای آن ازخاور بباختر ۲٦۰ کیلومتر پهنای آن ازشمال بجنوب ۱۲۰ کیلومتر مساحت آن ۲۱ هزار کیلومترمربع .

جمعیت شهر تهران - درحدود یك میلیون صدهزار نفر .

تهران ازنظرطبیعی بدومنطقه تقسیم میشود :

قسمت کوهستانی - ازسرچشمه رودهای **جبله رود** و جاجرود وکرج شروع شده وبجلگه تهران ختم میشود .

قسمت جلگه - این جلگه ازته نشست رودها وسیلابهای کوهستانی تشکیل یافته وقسمت عمده اراضی جنوب وجنوب خاوری وباختری شهرستانرا تشکیل میدهد .

آب وهوا - آب وهوای این مناطق برحسب وضع جغرافیائی قسمتی سردسیراست و قسمتی معتدل مایل بگرمی .

قسمت کوهستانی دارای هوای خنك ولطیف ییلاقی ، دامنه های البرزمعتدل ومطبوع است دراین بخش چون بارندگی بیشتربوده ومقدار برف آن دربعضی قسمتها زیاداست زمستان آن سرد وتابستانها معتدل است .

بخش جلگه را ازنظرآب وهوا میتوان بدوقسمت بخش نمود: ناحیه شمالی آن که در دامنه کوهها واقع است دارای آب وهوای معتدل میباشد وتاحدی از بارانهـای کوهستان بهره مند میشود بخش جنوبی بکلی خشك وباران آن کم وفقط ازآبهای رودها استفاده میکنند هوای این قسمت گرم است ولی نه چندانکه موذی ومزاحم ساکنین آن باشد .

رشته مـرتفع و مطول البرز موقعیت تهران را از منطقه شمالـی گیلان و مازندران متمایز ساخته .

معابر مهم آن عبارتست ازجاده تهران - فیروزکوه - شاهی - ساری وجاده شمشك - آمل همچنین جـاده مخصوص که تهران را از طریق کـرج بچالوس وسواحل دریـای خزر متصل میسازد .

راههای مالرو دیگر ازگردنه افجه وش (بین لواسان - لار) گردنه خرسنگك (بین رودبار - لار) گردنه آهار (بین رودبار - شهرستانك) گردنه توچال (بین شهرستان - تهران) گردنه قوچك (بین لواسان - تهران) نیزموجود است که محل استفاده کاروانها وقوافل خواربار وزغال و مرکبات میباشد .

دهستان مزارع سرسبزوحاصلخیزتهران بعلت وجودآب دردامنه های شمالی وگوشه خاوری و باختری کوهستان واقعست ولی چون قسمت جلگه کم آب است، آبادی ومزارع آن ازهم دورند، برای پیوستگی دهات مالکین باکمك وزارت کشاورزی دست باقداماتی زده اندکـه دامنه آبیاری و بکاربردن وسایل فنی روزبروز توسعه مییابد .

رودخانه ها ـ معروفترین رودخانه هائیکه ازکوهستان شمالی سرچشمه گرفته و بجلگه تهران سرازیرمیشوند عبارتند از :

جاجرود ، کرج ، حبله رود .

رودخانه های **ابهر رود ، گردان** وقسمت مهم آب کرج اراضی ساوجبلاغ وشهریار و غاررا مشروب میسازد .

کوهها ـ درمنطقه جلگه کوههای منفرد وکم ارتفاعی دیده میشوند مانند **کوه قره کچ ، نمك وسه کوهه** درخاور ، **کوه بی بی شهربانو وکوه سه پایه** درمرکز **کوه القاد وکوه نمك** در باختر و **کوههای حسن آباد** درجنوب که تاکویر امتداد پیدامیکنند .

بخش پنجم ـ تقسیمات سیاسی تهران

تهران بنابروضع زمان واقتضای روز باموقعیتهای سیاسی گاهی شهرستان ودارای فرماندار بوده است وزمانی استان واستاندار داشته است .

موقعیکه شهرستان بوده وفرماندار داشته است ببخشهای زیرقسمت میشد :

۱ـ **بخش ری** که مرکزآن **شهرری** و دهستانهای **غار** ، فشاپویه تابع آنست .

۲ـ **بخش ورامین** که مرکزآن ورامین ودهستانهای **بهنام وسط ، بهنام عرب ، بهنام پازوکی** ، بهنام سوخته تابع آن بخش بوده است .

۳ـ **بخش شمیران** که مرکزآن **تجریش** وکلیه **شمیران** تابع آنست .

٤ـ **بخش افجه** که مرکزآن **نجارکلا** ودهستانهای **لواسان بزرك ، لواسان کوچك ، رودبار قصران** تابع آنست .

٥ـ **بخش کن** که مرکزآن **کن** ودهستانهای کن تابع آنست .

٦ـ **بخش شهریار** که مرکزآن **علیشاه عوض** ودهستانهای **شهریار** تابع آنست .

۷ـ **بخش کرج** که مرکزآن **کرج** ودهستانهای **حومه ، ارنگه ، لورا و شهرستانك ، برغان ، فشند ، ساوجبلاغ ، اشتهارد** تابع آنست .

۸ـ **بخش طالقان** که مرکزآن **شهرك** ودهستانهای تابع آن عبارتنداز **بالا طالقان ، وسط طالقان ، پائین طالقان .**

درآینده بشرح هریك ازبخشها ودهستانهای مهم خواهم پرداخت ولی هرگاه تهران از صورت شهرستان خارج و به استان تبدیل گردیده بشهرستانهای زیرتقسیم شده :

سازمان اداری استان مرکزی (تهران)

نام شهرستان	نام بخش	مرکز بخش	نام دهستان
تهران	۸ بخش		شرح آن گذشت
قزوین	مرکزی	قزوین	کوهپایه ــ حومه
	آبیك	آبیك	فشکل دره ــ کوهپایه ــ بشاریات
	معلم کلایه	معلم کلایه	رودبار ــ الموت
	ضیاء آباد	ضیاء آباد	قاقازان ــ دودانگه
	آوج	آوج	خرقان غربی ــ خرقان خاوری ــ افشاریه
	بوئین	بوئین	زهرا ــ دشتابی ــ رامند
دماوند	مرکزی	دماوند	حومه ــ تاررود ــ جمع آب رود ــ سیاهرود
	فیروزکوه	فیروزکوه	حومه ــ قزقانچای ــ انتزو پشت کوه ــ حبله رود
	گرمسار	گرمسار	قشلاق بزرك ــ ریگان ــ یاطری ــ ارادان
	ایوانکی	ایوانکی	ایوانکی
قم	مرکزی	قم	حومه ــ قمرود ــ قنوات ــ اراضی نیزار
	دستجرد	دستجرد	حومه ــ طغرود ــ راهجرد ــ مرداب
	کهك	کهك	قهستان
ساوه	مرکزی	ساوه	حومه ــ فرقان
	نوبران	نوبران	مزدقان ــ بیات ــ کوهپایه ــ رزقچای
	جعفرآباد	جعفرآباد	جعفرآباد
	خرقان	رازقان	خرقان ساوه
محلات	مرکزی	محلات	حومه ــ پشت گدار
	خمین	خمین	رستاق ــ گله زن ــ دالائی ــ خمرلو
	دلیجان	دلیجان	حومه ــ نراق ــ جاسب

مختصات جغرافیای شهر تهران

شهر تهران از شمال وشمال خاوری بدهستان شمیران، از باختر بدهستان کن از خاور بکوههای سرخ حصار وسه پایه ومسگرآباد ، ازجنوب بدهستان غار محدود است .

طول شرقی آن ۹-۲۵۲-۵۱ درگرنیویچ ، وازجزایر خالدات که مبدأ طول قدما بود ۱۹-۳-۶۸ وعرض شمالی ۸۳-۴۱۶-۳۵ ازخط استوا بسمت شمال است .

این شهر دردامنه کوهستان البرز واقعست ودونوك قله توچال ببلندی ۳۸۴۰ و ۴۱۰۰ متر برآن مشرف میباشد .

استخری وابن‌حوقل ومسعودی تهران را قریه کوچکی ازشهرستان ری دانسته ومشهوراست که درسال ۵۶۱ هـ . ق . موقعیکه مادر **ارسلان سلجوقی** عازم نخجوان بوده در **دولاب** تهران توقف نموده‌است، ونیز نوشته‌اند : تهران دارای خانه‌های پست زیرزمینی وباغهای میوه زیاد است .

معجم البلدان چنین‌مینویسد: تهران بکسر اول وسکون ثانی وپارسیان آنرا تهران گویند ، ازقراء ری ومیان آن وری تقریباً یك فرسنگ فاصله است .

دوستی ازاهل ری مرا حکایت کردکه تهران قریه بزرگیست که خانه های آن زیرزمین ساخته شده وراه ورود خارجیان بآنجا جز باراده ومیل صاحبان آنها ممکن نیست . اهالی تهران بارها بسلطان عصیان کرده وسلطان چاره‌ای جز مدارا باآنها نداشته‌است وبدوازده محل تقسیم میشودکه هر محله آماده جنك باهمسایه میباشد واهالی یکی بمحله دیگری وارد نمیشوند، اطراف تهران را باغهای زیاد فراگرفته زراعت آنها بواسطه گاوآهن انجام نمیگیرد ، بلکه تدریجی و آن ازبیم آنستکه دوابّ آنهارا همسایگان بچپاول ببرند .

بطوریکه گفته شد تهران سابقاً اهمیتی نداشته شاه طهماسب دور آن دیواری کشید شاه عباس چهارباغی درآن بنانهادکه همان مبنای ارك سلطنتی شد ولـی چون آب وهوای تهران اورا بیمارکرد ازطرفی عبدالمؤمن خان ازبك بخراسان حمله نمود ومشهد را قبضه کرد شاه‌عباس بسرعت تهران را ترك کرد .

هنگام هجوم افاغنه تهرانیها دربرابرآنها رشیدانه جنگیدند . هنگامیکه اشرف افغان از نادرشاه در مهماندوست شکست خورد افغانهای مقیم تهران غفلتاً شمشیر بروی مـردم ناآگاه کشیده پس‌از قتـل و غارت باصفهان فرار کردند بعد طهماسب میرزا پسر شاه سلطـان حسین بتهران آمد .

درسنه ۱۱۵۴ که نادرشاه ازجنك هندوستان وترکستان برگشته بود رضاقلی‌میرزا فرزند برومند خودراکه مورد سوء ظن وبیمهری او واقع شده بود درتهران کورکرد وحکومت تهران را باو واگذارنمود ولی‌آن شاهزاده رشید درتهران مرد وبگور رفت (مورخین دراین قسمت اختلاف عقیده دارند ــ نگارنده) .

درسال ۱۱۷۲ کریمخان زند قصد داشت تهران را پایتخت خویش بسازد وعماراتی بسبك ساسانی که دارای دیوانخانه وپاسدارخانه بود بساخت .

درسال ۱۲۰۰ آغا محمد خان تهران را پایتخت خود ساخت درآنهنگام غیرازمحله ارك که دارای برج وباروئی بود واختصاص بسلاطین وامرا واعیان داشت سنگلج ، چاله حصار(۱)، چاله میدان درجنوب وجنوب باختری قلعه ارك وجود داشت .

جمعیت تهران درسال ۱۱۷۵ بامحسوب داشتن نظامیان ۱۵هزارنفر تخمین شده .

سراولیورا نگلیسی که هنگام مرك آغامحمدخان درتهران بوده (۱۲۱۲) مساحت شهر را درحدود دومیل وجمعیتش‌را درحدود پانزده هزارنفر نوشته‌است .

ژنرال گاردان که درسال۱۲۲۲ هنگام سلطنت فتحعلیشاه درتهران بوده جمعیت تهران را پنجاه هزارنفر تخمین زده‌است .

موریه انگلیسی کـه چند سال بعد بتهران آمده جمعیت تهران را شصت هزار نفر نوشته است .

در زمان فتحعلیشاه ابنیه دیگری درارك ساخته شد درسال ۱۳۲۳ هجری قمری وسعت شهر به هشت هزارکیلومترمربع رسید و دارای شش دروازه شد ، درجنوب ارك میدانی بنـام «میدان شاه» احداث شد ، مسجد شاه درسال ۱۲۲٤ ه . ق . ساخته شد .

جهانگردان آن عصرکه تهران را دیده‌اند مساحت‌آنرا پنج میل مربع و جمعیت شهررا شصت‌هزار یا درحدودهشتادهزارنفرمیدانندکه نظامیهاودرباریهاقسمت اعظم‌آنراتشکیل‌میدادند .

دورتادور شهر یك دیواربلندی‌کشیده شده بودکه بلندی آن هفت متر وبفاصله هـای غیرمعین درمیان دیوارها برجهای‌کلفتی ازگل برپا بودکه درقسمت خارجی حصار وبرجها خندقی کنده شده بود « بازار کنار خندق روبروی شمس‌العماره تـاجلوی مسجد شاه تاسال ۱۳۱۰ باقی بود » .

توسعه شهر وازدیاد جمعیت‌آن تاسال ۱۲۵۳ ادامه داشت وتوسعه زیاد بجائی رسیدکه برحسب ضرورت دیوارها وخندق‌کهنه را خراب وپرکردند .

---

۱ ــ چاله حصار ــ بین‌گلوبندك ودرخونگاه تکیه ومدرسه‌ای درآنجا بنا شده میرزاآقا خان نوری صدراعظم ناصرالدینشاه قسمت شمالی‌آنرا تعمیرنمود .

مرآت‌البلدان درصفحه ۷۳ جلد چهارم کتاب خود مینویسد : درمحله سنگلج تهران درنزدیکی‌خانه میرزا یوسف مستوفی‌الممالك معروف به «آقا» بوده‌است .

چاله حصار ازقدیم‌الایام‌گودالی بود وفضای زیادی موسوم باین اسم‌که تاشش سال قبل روزعاشورا ودهم محرم هرساله اجتماع وازدحام غریبی ازاهالی تهران آنجا میشد ودرزیرهوا غالباً شبیه مقدمه‌کربلا وتفصیل‌حادثه غم‌انگیز روزعاشورارا درمیآوردند وجزآنروزوسایر ایام واوقات ازنقاط بسیار کثیف وجای هرگونه‌کثافات بود . آقـای مستوفی‌الممالك ثواب بزرك و عمل خیرکثیررا دوراین‌محوطه رانردهٔ چوبی باستونهای آجری نصب نمود ومحوطه میان راباغ عمومی ساخته حالا یکی ازنقاط بسیار باصفای شهرمیباشد ومحل تفرج عامه است وهوای سنگلج که غالباً بواسطه این محل متعفن بود بسیارسالم و لطیف شده است ، یك‌کوچه ازمحله سنگلج تهران‌هم بچاله‌حصارموسوم‌است ـ انتهی» .

گود زنبورکخانه وگود دروازه محمدیه وگود فیلخانه درددروازه‌قزوین چاهائی بوده که برای حصار دورشهر ازآنجاها خاك برداری شد .

کوچه های شهر باریك ، کثیف ، تاریك ویگانه عمارت مهم شهر ارکی بود که دیوار آن بامرشاه طهماسب اول شروع شد وکریمخان زند آنرا تکمیل ودرداخل آن عمارت سلطنتی ساخت، آغامحمدخان وفتحعلیشاه عماراتی برآن افزودند وناصرالدینشاه دروازه‌های زیبائی درشش طرف آن بنا نهاد «دروازه های باب همایون ، دراندرون ، جلیل آباد ، کشیکخانه ، شمس العماره ، ارك وتکیه دولت» .

درشش کیلومتری شمال شهر روی تپه خشك وبی آب وعلفی فتحعلیشاه یك عمارت ییلاقی بنام قصرقاجار ساخت که ازهرگونه صنایع ظریفه وزیبائی معماری وخواص دیگر بی بهره بود .

جمعیت شهر در زمـان محمد شاه روبفزونی گذارد ولـی برای توسعه شهر اقـدام اساسی بعمل نیامد .

درسال ۱۲۸٤ هجری قمری شهربزرك شد ودورآن خندق منظمی کشیده شد وضمن این توسعه باغهای لاله زار، نگارستان، بهارستان ، باغ سپهسالار وغیره جزوشهرشد وبرزنهای جدید بنام حسن آباد ، قنات آباد ، قاجاریه نامگذاری شد .

درسال ۱۳۰۹ ه . ق . بنای دروازه ها وخندق دورشهر پایان یافت ، دراین تاریخ که چند سالی بپایان سلطنت ناصرالدینشاه باقی بود (ناصرالدین شاه درسال ۱۳۱۳ ه . ق ، درحرم حضرت عبدالعظیم باگلوله میرزا رضای کرمانی کشته شد) جمعیت تهران دراینموقع ۱٦۰ هزار نفر بوده وهیجده هزارخانه داشت . قسمتی اززمینهای زراعتی وباغهای داخل شهر تبدیل بساختمان و عمارت گردید «منجمله مسجد سپهسالار» .

دروازه‌های تهران هریك دارای شش یاچهار گلدسته بود وکاشی کاری بسیارزیبائی روی آنها شده بود ، تزیینات هردروازه شکل خاصی داشت مثلا نمای دروازه دولت ازخارج نقش رستم وسهراب را داشت . درمحوطه داخلی هردروازه زمینی بوسعت یك جریب برای فرودآمدن وتوقف کاروانها جهة بازرسی بود که اطراف آن بوسیله طاق نماها وچنداطاق وآب انبارمحدود شده بود. درماه رمضان درچهاردروازه توپها هنگام افطار وسحررااعلام مینمودند .

لرد کرزن درکتاب جهانگردی درایران مینویسد : «اول چیزیکه پس از مشاهده نقش رستم ودروازه تهران توجه مرا جلب کرد ، پاسبانها وقراولان دروازه ها بودکه بالباس رسمی ذردالان پایتخت قبله عالم کشیك میدادند وهمینکه ازدروازه وارد شهرشدم مثل این بود که دوباره از شهر بیرون رفته و در صحـرا افتاده‌ام زیرا از خانه و آبادی و بـازار وجمعیت تا مدت مدیدی خبری نبود .

پایه شهرتهران را خیلی عالی برداشته‌اند ، ازاینرو پایتخت هم مانند خود کشور خیلی وسیع ودرعین حال کم جمعیت میباشد ، بالاخره پس از طی مسافت بسیاری بآبادی رسیدم . صدای زنك واگن اسبی بگوشم خورد عمـامه های رنگارنك ، کلاهـهـای پوستی ، زنهای سیاهپوش تك وتوك کلاه فرنگی ، خانه های گلی ، دیوارهای بلند ، حرمسراها و درشکه نقاشی درهـم برهمی را مجسم میساخت» .

مرکزشهرتهران میدان توپخانه بوده‌است «میدان سپه فعلی» درقسمت شمال وجنوب آن چندین اطاق کوچك یك اشکوبه ودواشکوبه ساخته شده بودکه منزل سربـازان توپچی وانبار اسلحه ومهمات آنها بود ، درقسمت خاوری آن بانك شاهنشاهی (انگلیس) ، قسمت باختری آنهم دیوار قورخانه ، پاسدارخانه وچند اطاق دیگر ساخته شده بود .

دروسط میدان یك حوض آب و چندین توپ دهن پر دیده میشد . آنزمان روزهای عید قربان شتری ازشترخانه سلطنتی دراختیار رؤسای صنف کله پز، آشپز، قصاب ، پالاندوزوغیره میگذاردند وچندروز پیش‌ازعیدآن شتررا بزك کرده وشالهای رنگارنك بسروگردن آن میآویختند رؤسای صنف هم هریك طاق شالی بگردن وبراسترهای بزك کرده سوارشده چندنفر سورناچی نیز درمعیت آنها اطراف ارك میگشتند ومردم‌را برای تماشای روزعید دعوت مینمودند. درروز عید یکی از بستگان سلطنتی که نیم تنه اطلس سه رنك برتن داشت نیزه بدست جلوی این‌قافله بمیدان وارد میشد نزدیك ظهر نیزه را بشترحواله میکرد بلافاصله آن حیوان فلك زده قطعه قطعه میشدکه گوشت‌کردن اورا باندرون سلطنتی برده وبرای اعیان ورجـال قطعه‌ای ازآن گوشت فرستاده میشدکه ازآن بخورند تاموجب طول عمرشان بشود .

خیابان بندی شهرتهران ازآن تاریخ تااوایل سلطنت پهلوی بشرح زیـر بود : میدان توپخانه دارای شش دروازه بود که بشش خیابان بـازمیشد جنوب باختری دروازه‌ای بودکـه بخیابان باب همایون (دالان بهشت یا در الماسیه) باز میشد این خیابان مصفاکه اطراف آنرا چنارها ونارونهای پیوندی‌کهن گرفته بود تاجلوی درب اندرون (وزارت دارائی فعلی) ادامه داشت ازآنجا بسمت راست وچپ بخیابان جلیل‌آباد (خیام) ونـاصریه (ناصرخسرو) میرفت . وضع خیابانهای ارك بازمان فعلی تغییری نکرده مگرساختمانهای سلطنتی و سربازخانه هـای گارد نصرت و گـارد اقدس و مدرسه نظـام خراب شده و بجـای آن وزارت بهداری و دادگستری ساخته شد .

محوطه فعلی جلوی وزارت‌کشور ومرزبـانی واستانداری سابق میدانی بود (بنام ارك یامیدان شاه) دروسط آن‌حوض بزرك‌گردی بودکه سربازها درآن شنامیکردند وتوپ مروارید هم (فعلا درباشگاه افسرانست)که میگفتند نادرشاه آنرا ازهندوستان آورد وجمعی عقیده داشتنداز توپهای ساحلی پرتقالیها بوده که شاه عباس بغنیمت باصفهان آورده وفتحعلیشاه آنرا بتهران انتقال دادند . این توپ درقسمت جنوبی استخر روی بلندی قرارداشت‌که روز۲۷ ماه رمضان قسمت اعظم زنها ودخترهای تهران واطراف تهران برای بخت‌گشائی یاشوهرکردن یا بچه‌دار شدن دراین‌محوطه اجتماع‌کـرده وبادادن یك پول (نیم شاهی) بسربازان محافظ بـآن دخیل می‌بستند ، جیره و حقوق پاسداران نگهبان یـابعبارت دیگر متولیهای آن توپ مقدس منحصر بحق‌الزحمه‌ای بودکه از زوارهای باایمان توپ مقدس دریافت میداشتند . مجـازات محکومین بـاعدام در این میدان (گاهی درحضور شاه) بعمل میآمد که مجرمین را شکم پاره کـرده یا سر میبریدند .

روبروکمی درسمت‌چپ این‌میدان **سبزه میدان** واقع شده‌که چند درخت سرسبز وچند حوض و قهوه‌خانه آنرا مصفا نموده بود وکسانیراکه باید شلاق بخورند یا دست وگوش‌وبینی ببرند‌گاهی درهمین میدان انجام میشد .

بین‌این‌میدان ومیدان‌ارك خیابان جباخانه(بازارمرغیهاوگلوبندك درپشت‌ودیوارجنوبی‌این خیابان بود) واقع شده‌که اطراف آنرا اسلحه سازها (شمشیرساز، قمه ساز، تفنك ساز وغیره) یراق بافها فراگرفته‌اند وپشت‌آن‌وخیام‌خانه سلطنتی ودوساق‌خانه (محل زندانیهای مهم) بود .

در بالای دروازه ارك نقاره‌خانه بودکه هنگام طلوع وغروب آفتاب وماه رمضان سحرها ونیز روزهای سلام موقعیکه شاه بتخت می‌نشست بنوازش درمیآمد .

خیابان جباخانه درگلوبندك پایان مییافت .

در جنوب خاوری میدان توپخانه دروازه دیگری بود که بخیابان ناصریه باز میشد که همین میدان ناصرخسرو فعلی است که گشاد شده‌است.

درخاورمیدان توپخانه دروازه دیگری بود که بخیابان برق (امیرکبیر) فعلی بازمیشد و این خیابان‌هم تغییری جزتوسعه نکرده‌است.

درشمال خاوری میدان‌توپخانه دروازه دیگری‌بودکه بخیابان لاله زار بازمیشد ودرشمال باختری آن دروازه‌ایکه بخیابان علاءالدوله (فردوسی) بساز میشد واین دوخیابان تاخیابان اسلامبول امتداد داشتند.

در کوچه باختری آن میدان دروازه‌ای بود که بخیابان باغشاه (سپه) بساز میشد و از چهارراه حسن‌آباد چهارخیابان میشد خیابان دروازه‌قزوین یافرمانفرما(شاهپور) خیابان یوسف آباد (شاهپورشمالی).

خیابان جلیل‌آباد (قرینه ناصریه) درحاشیه باختری ارك ساخته شده بود. بقیه خیابانها تدریجاً ساخته شده بودکه واگن اسبی ازکنار یا میان‌آنها عبور میکرد.

اداره ومحل واگنهای اسبی درخیابان فیلخانه یا لختی (اکباتان) درمحل فعلی شرکت‌کل تلفن بود. خط آهن درحدود هفت‌کیلومتر درخیابانهای لاله زار، باغشاه، دروازه قزوین، ناصریه، برق، ماشین واخیراً تاجلوی باغشاه‌کشیده شده بودکه یکی ازروزهای سال ۱۳۰۹ شمسی بفرمان پهلوی‌فقید برچیده شد. سازمان این بنگاه عبارت بود از ۳۰ واگن ۱۵۰ اسب روسی، شصت راننده، بلیط فروش ومیز.

محوطه بین خیابانهای مارشال استالین، فردوسی، سوم اسفند وسپه بوسیله دیوارگلی مسدود ودرجنوب خاوری آن در بزرگی داشت بنام میدان مشق ودراختیار قزاقخـانه بود و ژاندارمها یاسربازهای ایران بدون‌اجازه حق نداشتند درآن‌میدان بآموزش نظامی بپردازند.

اطراف خیابانهای شاهپور و ری وباغشاه اغلب زمینهای زراعتی بود.

عمارات سلطنتی داخل ارك عبارت بودند از:

۱ ــ عمارت وباغ تخت مرمر.

۲ ــ عمارت موزه‌که بامرناصرالدین‌شاه ساخته‌شده شمشیرهای مرصع امیرتیمورگورکان شاه اسمعیل وشاه عباس وتاجهای سلاطین‌صفوی، تاج‌کیانی، کوه نور، دریای نور، کره جهان نمای مرصع، تخت مرصع وتخت طاوس ومقدارزیادی اشیاء عتیقه‌ذیقیمت وجواهرات تراشیده ونتراشیده پیاده شده وظروف طلای و ... دراین عمارت جا داده شده بودکه بعداً جواهرات آن برای پشتوانه ببانك ملی انتقال داده شد.

۳ ــ عمارت شمس‌العماره‌که بامر ناصرالدینشاه ساخته شده بود.

٤ ــ عمارت خوابگاه.

٥ ــ تکیه دولت‌که شبیه بعمارت ایرت هال لندن بود سقف آن ازمیله های آهن بشکل گنبد ودروسط آن محوطه صفحه بزرك برای شبیه‌خوانی وتعزیه واطراف‌آن غرفه‌هائی بودکه هریك از رجال هنگام عـزاداری آئین می‌بستند این غرفه ها دو اشکوبه بود و پـائین آن پله‌کانهای مطول و متعدد برای تماشاچی‌ها ساخته شده بود چند غـرفه هم مخصوص شاه و خاندان سلطنتی بود.

عمارات سلطنتی خارج شهر عبارت بود از :

۱ ــ باغشاه که باغ بزرک کروی بشعاع ۵۰۰ متر بود دروسط آن استخری بود که در وسط آن جزیره وروی جزیره مجسمه ناصرالدین‌شاه درحالیکه سواراسب بود نصب شده بود.
قسمت شمال باغ ساختمان مختصری بود که محمدعلیشاه هنگامیکه بامجلس ومشروطه طلبان اختلاف پیدا کرد بآن‌محل تغییرمکان نمود ومرحوم ملك‌المتکلمین وجهانگیرخان صوراسرافیل را درهمانجا طناب انداخت .

اطراف این باغ باسب دوانی‌های رسمی اختصاص داشت .

۲ ــ عمارت دوشان تپه که مظفرالدین‌شاه باهزینه مبالغ گزاف دستگاهی ازخارجه وارد کرده بودکه مانند تلمبه آب ازسطح زمین ببالای تپه انتقال میداد و درزمین مسطح مختصری سبزی میکاشتند .

۳ ــ عمارت قصرقاجاربودکه بامرفتحعلیشاه ساخته شده وفعلا اثر ازآن نیست .
٤ ــ عمارت فرح‌آباد .
٥ ــ عمارت سلطنت‌آبادکه فعلا کارخانه مهمات سازی میباشد .
٦ ــ عمارت ضرابخانه .
۷ ــ عمارت صاحبقرانیه درنیاوران .
۸ ــ عمارت منظریه .
۹ ــ عمارت شهرستانك که شکارگاه ناصرالدین‌شاه بود .
۱۰ ــ عمارت سرخ حصار که آش همدرجوش درآنجا پخته میشد واین آش مخصوص ، محتوی‌کلیه حبوبات وسبزیها بود .
۱۱ ــ عمارت جاجرودکه شکارگاه ناصرالدین‌شاه ومظفرالدین شاه بود .

اشیاء نفیس و جواهرات سلطنتی

لردگرزن درکتاب خود مینویسد : ناصرالدین‌شاه درسال۱۸۷۳ میلادی برابر ۱۲۹۰ هجری ازفرنگستان بازگشت بفکرساختن موزه افتاد وباذوق‌وسلیقه شرقی انباری برای جادادن چیزهای گرانبها بنا نمودکه بیشتر بمغاره علاءالدین کتاب الف لیله شباهت دارد. مثلا درعین‌حال که گرانبهاترین گوهرهای شرقی را دریکی ازذوایای این موزه می‌بینید فوری همانجـا پهلوی آن تکه جواهر یك مسواك کوچك بیقدروقیمتی را خواهید دیدکـه بیش‌از دوسه قران ارزش ندارد ،کله حیواناتیکه شاه شکارکرده، آلات عادی موسیقی کارسویس، ظرفهای چینی، عکسهای رنگین مجله های انگلیسی و بسیاری چیزهای دیگر بدون رعایت هیچ نظم وترتیبی باصدهـا اشیاءگرانبها قاطی پاطی شده‌است . بهرحال دراطراف اتاق جعبه آئینه‌های عالی کارگذاشته و پشت‌آنها خرمن خرمن جواهـرات پیاله ، تراشیده ونتراشیده رویهم توده شده‌است، درمیان این جعبه‌آینه ها ، جعبه‌آینه مرواریدِ غلطان چشم بیننده را خیره میکند ، شمشیر امیرتیمور ، شمشیر شاه اسمعیل ، شمشیرآقا محمد خان ، زره شاه عباس‌که بطرزشگفتی بجواهر نفیسه مرصع هستند ازنفایس عمده این موضع است . تاجهای صفویه ، تـاج فتحعلیشاه ، جیقه محمد شاه ، تـاج سلام نوروز ، قلیانهای جواهر نشان ، خنجرهای مرصع ، ظروف بسیارزیبای طلا ونقره بانگین های بسیارعالی ، سردوشی‌های الماس، انفیه دانهای مرصع ، تابلوهای نقاشی،کاشیهای

معرق که از هر جواهری زیباتر است و بسیاری از شاهکارهای نفیس ساخته دست طبیعت و انسان درزیر سقف این بنای محقر ریخته است و اینك قبل از بیرون آمدن ازموزه لازم میدانم پارهٔ از نفایس بی‌نظیر این موزه را بتفصیل بنگارم :

اول ــ کره جواهر ، این کره را بامر ناصرالدینشاه ساخته‌اند ، خودکره از زرناب است و ۷۵ پوند وزن دارد ۵۱۳۶۶ تکه جواهرهای گوناگون بوزن ۳۶۵۶ گرم درساختن آن بکار برده‌اند که تخمیناً یك میلیون لیره میارزد ، بقدری سنگهای قیمتی آن درخشنده است که چشم را میزند و پیدا کردن اماکن جغرافیائی را مشکل میسازد ، دراین کره مرصع دریا اززمرد ، افریقا از یاقوت سرخ ، هندوستان از یاقوت کبود ، ایران از فیروزه ، انگلستان و فرانسه از الماس طرح شده .

دوم ــ سه قطعه جواهر گرانبهای بی‌مانند یکی الماس مشهور بدریای نور برادر کوه نور که هردو جزو جواهرهای محمد شاه هندی بوده و بدست نادرشاه افشار افتادند ، همینکه نادرشاه کشته شد احمد شاه دورانی که جزء ملازمین نادر بود کوه نور را ربوده و بافغانستان گریخت و در آنجا کوه نور بدست شاه شجاع افتاد و طولی نکشید که (رونجت سدارسینك (RONJFT – SEDAR – SYNG هندی مشهور به شیر پنجاب کوه نور را ازشاه شجاع گرفته و بهند آورد ، سپس بخاندان سلطنتی انگلستان انتقال یافت واکنون درآنجا میباشد ، اما دریای نور که ۱۸۶ قیراط وزن دارد قریب دویست هزار لیره میارزد ودر نتیجه خودپسندی و نادانی فتحعلیشاه بهای آن بصدهزار لیره تنزل یافت باین قسم که فتحعلیشاه برای جاویدان کردن خودخواهی خویش دستور داد نامش را روی دریای نور کنده کاری نمایند، درنتیجه اینکار آن گوهر بی‌مثل ومانند را معیوب ساخت ، دیگر ازجواهرهای قابل ذکر یك تکه یاقوت درشت نتراشیده متعلق به «اورنك زیب» است که اکنون روی تاج کیانی نصب کرده‌اند و بالاخره انگشتر برلیان زیبائی است که ژرژچهارم پادشاه انگلیس برای فتحعلیشاه فرستاده بود .

سوم ــ تخت یاصندلی مرصع پرقیمتی است که بالای اتاق موزه افتاده ودرپاره‌ای اعیاد رسمی شاه روی آن می‌نشیند و یاقوتها وزمردهای عالی در آن بکار برده‌اند .

چهارم ــ مجموعه عکسهای خاندان سلطنتی انگلستان که در سال ۱۸۷۳ بناصرالدینشاه اهدا کرده بودند و بانگین‌های ممتاز نفیس قابهای آنرا تزئین نموده‌اند ، دست کارهای عاج تابلوهای استادان نقاشی ایران ، مخصوصاً تابلوهای استاد بزرك ابوالحسن‌خان غفاری ملقب به صنیع‌الملك ، منبت کاریها وچیزهای دیگر این موزه هریك درخور قلمفرسائی بسیار میباشد و ازقراریکه بمن گفتند علاوه براین انبارها زیرزمین دیگری بنام خزانه درهمان عمارت سلطنتی موجود است که محتویات آن ازحیث گرانبهائی دست کمی ازاشیاء موزه ندارد درهرحال بسیار متأسف شدم که چگونه ملت ایران درنهایت عسرت وبدبختی بسرمیبرد وازنعمت بهداشت و فرهنك وتمدن محروم مانده واین گنجهای گرانبهاء بدون هیچگونه مصرف دراین پستوها بخاك رفته است ، ایکاش پیش ازآنکه یك پادشاه طمعکار شرقی یایك فاتح شمالی براین ذخیره های سنگین قیمت دست یابد بهای آنرا صرف ساختن راهها ، آباد کردن شهرها ، حاصلخیز کردن زمین‌ها ، آبیاری دشت ها وبستن سدها بکنند واین ملت باهوش راکه دراثر جهالت اینگونه تیره روزگشته ازنو زنده سازند .

تخت طاوس ــ دیگرازبناهای قابل‌ذکر عمارت سلطنتی اتاق شوری است که بواسطه تخت طاوس نه بواسطه انجمن شوری اهمیت بسیاری دارد . درباره تخت طاوس واصل ومنشاء

آن چیزهای زیاد گفته‌اند و نوشته‌اند : ابتدا تخت طاوس کنونی اطـاق‌شوری را شرح داده و سپس عقاید دیگرانرا درباره آن بگوییم . تخت طاوس تهرانی باصطلاح غربیان صفه یاسکوئیست که هفت پایه مرصع دارد ، روی تخت را از برگهای طلا پوشانده‌اند ، بـالای دوپله تخت دو سمندر ساخته‌اند ، لبه های تخت کنده‌کاری شده وپاره‌ای اشعارفارسی نگاشته‌اند ، پشت تخت‌هم جواهرکاریست و دروسط آن درجائیکه تکیه میدهند ستاره جواهرنشان متحرکی تعبیه نموده‌اند که بادانه های الماس مزین میباشد . دوطرف ستاره دومرغ کوچك قرارداردکه روبستاره‌اند، نکته جالب توجه آنکه کوچکترین نشانی ازطاوس دراین تخت نیست ودومرغ مزبور بگنجشك یا بلبل شباهت کامل دارند . این بود تفصیل مختصری ازتخت طاوس .

اما درباره تخت طاوس هندکـه جهانگردان خـارجی بویژه تاورنیه در ۱۶۶۵ میلادی برابر۱۰۷۶ قمری آنرا در دهلی دیده ...... **سرجـان ملکم** انگلیسی معتقد است که نادر شاه ازجواهرات هندوستان تخت‌تازگی بنام تخت طاوس‌درایران ساخت‌که شاید همین‌تخت‌طاوس فعلی باشد . کلنل **فریزر** معاصر فتحعلیشاه ازقول پیرمردی‌کرد نقل‌میکند‌که هنگام کشته شدن نادر خود این پیرمرد حاضربوده وبنابگفته او تخت طاوس نادررا شکسته وبغارت بردند .

من خود ازمردان مطلع‌تهران شنیدم‌آنکه فتحعلیشاه دراصفهان بازنی ماهروبنام طاوس خانم ازدواج نموده وتخت طاوس فعلی تهران بدست استادان هنرپیشه اصفهان بافتخارآن‌جشن عروسی ساخته شد وشاید ازجواهرهای تخت‌طاوس هندهم درساختن‌آن مصرف‌کرده‌اند وخلاصه کلام آنکه تخت طاوس فعلی تهران غیراز تخت طاوس مشهور محمد شاه هندی میباشد زیـرا تخت فعلی باتوصیفی‌که تاورنیه ودیگر جهانگردان ازتخت طاوس هند کرده‌اند تطبیق نمیکند . بعلاوه دراین تخت غیراز دوپرنده‌گنجشك مانند چیزدیگری موجود نیست واساساً حمل ونقل تخت طاوس باوسائل باربری آنروز بسیارمشکل بوده‌که همانطور درسته ودست نزده ازهند بایران بیاید وپس‌از قتل نادر وانقلابات داخلی بدون‌کم وکسر باقی بماند ، اینك که صحبتهای ما از تخت طاوس واطاق‌موزه بپایان رسید ازکتابخانه سلطنتی واسلحه خانه واطاقهای یکنواخت‌دیگر عمارات سلطنتی بسرعت‌گذشته وارد حیاط‌گلستان میشویم . دراینجا بنابعادت معمول حوض‌هـای بزرك ، فواره ها وچنارها خودنمائی میکنند . بعلاوه باغچه هـای مصفا بطورمطبوعی‌گلکاری شده وغیراز چنار وتبریزی درختهای سرو صنوبرهم درکناریکدیگر ایستاده‌اند، جویهای آب را کاشی‌کاری‌کرده‌اند ، درحوض‌ها غاز وقو وماهیهای طلائی شنا میکنند ، پلهـای کوچك آهن ، کوشکهای قشنك چراغها ومجسمه‌ها وگلدانها وبسیارچیزهای مطبوع این‌حیاط عـالی را زینت داده‌است وازهمین جهة است‌که مراسم‌سلام قبله‌عالم بیشتر دراین‌سرا برگزارمیشود ومن‌افتخار حضوریکی ازاین سلامهارا داشته .... انتهی» .

آقای جواهرالکلام درصفحه ۸۹کتاب تاریخ‌تهران درموردجواهرات چنین‌نوشته‌اند:
سند نگارش تاریخچه تحف وجواهرات سلطنتی‌که نام ووزن واندازه‌آنهارا مینگاریم سیاحتنامه **شاردن**فرانسوی‌سیاح نامی عصرصفوی درایران ودفتررسمی‌اداره بیوتات سلطنتی‌که نگارنده در پایان سلطنت مرحوم احمد شاه قاجار بااجازه‌کتبی خاصی صورت ثانوی آنرا یادداشت‌کرده و تازمان ممتدیهم نفایس‌کتابهای‌کتابخانه سلطنتی را بازدید ومطالعه مینمود . چنانکه دررسالـه تاریخ‌کتابخانه های ایران چاپ طهران بسال ۱۳۱۱ شرحی ازآنها بعنوان (کتابخانه سلطنتی) نگاشته .... ونیز ازحسن اتفاق چندمرتبه درب اطـاق موزه را برای برخی ازتماشاچیان یـا

دیپلوماسی مهم بیگانه بازمیگردانند ببازدید باقیمانده تخت‌طاوس و بسیاری از ذخایر ملی وغیرملی که درآنجا گردآوری شده موفق گشته .

تاریخچه مزبور جواهرات وکتابهای نفیس کتابخانه سلطنتی تنها تاهنگام انقراض دولت قاجاریه برای مؤلف این کتاب سندیت دارد ومسئولیت تاریخی آنرا بعهده خود میداند ولی ازاین تاریخ تاامروز دسترسی بـرسند واقعی نداشته و ازبازجوئی بااعتماد برنگـارشات بی‌مدرك روزنامه های وقت خودداری نموده وبرای اینکه خزانه مزبور تااندازئی بخزانه صفویه وخزانه نادرشاه ارتباط تاریخی دارد ، تاریخچه اجمالی آنهارا نیز بطور مقدمه ذکر مینماید .

(۱) **خزانه صفویه درقلعه طبرك** ثروت هنگفت صفویه واسلحه پرقیمت وتحف و جواهرات ایشان درقلعه طبرك سمت شمالی اصفهان ذخیره میشده‌است . شاردن فرانسوی داخل قلعه مزبور گردیده ومقداری ازاسلحه نفیسه وتحف گرانبهای آنرا بازدید نموده وچنین نگاشته : درقلعه طبرك سه عدد خزینه بوده‌است که آنهارا ازاسلحه قدیمی وشمشیرها وسپرها وپیکانهای طلائی مرصع بگوهرهای نفیس ونایاب مملو نموده‌اند ونیز درآنها صندوقهای بسیاری ازاسلحه تازه‌کارو ساعتهاودوربین‌های باقیمت ودرهمین‌قلعه خزانه‌ایست که برای جواهرات‌وتحف بالخصوص ساختند این‌خزانه دارای چهاراطاق است :

(۱) ـ بـرای **فیروزج** بالخصوص وآنچه ازآن صیقلی شده‌است درکیسه‌های سربسته گذاردند وغیرصیقلی آنهارا برروی زمین افشانده‌اند .

(۲) ـ مختص جواهرات تك وهمتا .

(۳) ـ برای آبگینه های مرصع بانواع واقسام‌گوناگون جواهر .

(٤) ـ برای ظروف‌مرصع وآلات طلائی‌طباخی وغیره است .

شاردن مینویسد : ازجمله نفایسی‌که دراین‌خزانه دیده‌ام صندوقی‌است محتوی ششصددانه گوهربزرك وصندوقیست شامل‌چهارصد خنجرمرصع بوده‌است، چنانکه درخزانه صفویه جواهرات بسیاری مشاهده‌کرده‌ام‌که درخزانه‌های شهریاران هم‌عصر ایشان یافت نمیشوند . ازجمله نفایسی که درآن ملاحظه‌کرده‌ام پوست ماریست ببلندی ۲۰ قدم وپهنای ٤ قدم ودرآن لباس‌امیرتیمور وفرزندش شاهرخ بوده‌است ، بازهم شاردن‌مینگارد: که دراین‌خزانه چیزی بسیارجلیل‌القدر بوده است‌که ایرانیان آنرا بعلم امام عسگری مینامیدند ...

خزانه صفوی فهرست منظمی داشته‌که درآن آغازتاریخ تأسیس کتابخانه را اززمان شیخ صفی‌الدین‌اردبیلی نگاشته شده‌است. چنانکه نام تحف و نفایسی‌که بغنیمت‌گرفته شده‌است یااینکه بطور ارمغان تقدیم گردیده جداگانه نوشته شده .

خزانه نادرشاه افشار

نادرشاه پس‌از نابودکردن دولت صفویه برخزانه آنها درقلعه طبرك استیلا یافت وخود نیز تحف ونفایسی‌که ازخزانه محمد شاه هندی بغنیمت برده بود برآنها افزوده ولی‌خزینه نادر شاه پس‌ازکشته شدن او واستیلای زندیه و تسلط قاجاریه برزندیه بیشترذخایر خزانه صفویه و نادرشاه دستخوش غارتگران شد ومتلاشی گردید . خزانه موجوده در دربـار قاجاریه درحقیقت همان باقیمانده خزانه نادرشاه‌است که‌شهریاران قاجاریه نیزبرآن افزوده‌اند . ازنوادر وتحف خزانه نادرشاه‌که در دربار قاجاریه بوده‌است :

(۱) گوهرگرانبهای موسوم بدریای نور و آن تکه الماسی است درشکل مربع مستطیل ساخته شده است که هیچگونه عیب قیمتی ندارد، وزن آن هفده مثقال وده دانه است، این گوهرگرانبها درددرج طلائی مکلل بسیصد وهفتاد وچهار تکه ازالماس قیمتی وچهارداانه ازیاقوت.

(۲) تخت محمد شاه هندی ـ وآن بردوپله طلا استوارشده است وازدوازده تکه مرصع بانواع جواهرات ترکیب یافته است وبرآن تکه زمردی آویخته شده است که وزنش ۳۰ قیراط تاه ۲ قیراط میرسد.

(۳) انفیه دان زمرد ـ این انفیه دان درهند نیز ازطلای خالص بکار آورده اندکه تماماً تیکه های الماس گرانبها وزمرد پرقیمت مرصع است ووزنش ۲۸ مثقال وچهاردانه است، این تحفه محمد شاه هندی بنادرشاه تقدیم کرده است. نادرشاه چندکتاب خطی نفیس هم ازهندوستان باخود آورده که درکتابخانه سلطنتی قاجاریه بوده...

خزانه دولت قاجاریه وتحف گرانبهای آن

این خزانه شامل باقیمانده خزانه صفویه وخزانه نادرشاه باافزودگی محدودی که درزمان ناصرالدین شاه ازمیان رفته وباقی را دراطاق محکم مخصوصی در دربار ودرجعبه های بسیارمصونی گذاشتند و بجزشاه آنهم باشرایط خاصی احدی نمیتواند آنهارا ببیند یا نگاه بدارد البته این برنامه تاپیش از اندک زمانی صورت قانونی وپارلمانی بخودگرفته بود واجرامیگردید ولی ازآن تاریخ تاکنون ازاوضاع وچگونگی آنها آگاهی درستی نداریم. درهرصورت برطبق احصائیه رئیس دربار وبیوتات سلطنتی قاجاریه که نگارنده ملاحظه کرده کلیه جواهرات وتحف موجوده درخزانه ازاینقرار است:

مجموع شمارش جواهرات بزرک وکوچك

پنجهزاروچهارصدوهیجده تکه است که بیشتر تکه های بزرك آنها شامل چندین تکه از جواهرات متنوعه گرانبهـا میباشد: مانندگوهرنامی معروف به «سردارقزاقی» یك تکه است ولی محتوی شصت وهشت تکه ازجواهرات پرقیمت ونفیس میباشد. ازمعروفترین این نفایس (۱) دریای نور (۲) تخت محمد شاه هندی (۳) انفیه دان زمرد که ذکرشده است. (٤) تاج کیانی است که بانواع جواهرات آرایش شده است وآنرا باگوهر دریای نور درموقع تاجگذاری شاه وقت میآورند.

و ازآنجمله (۱) دوکره جواهرات و آن عبارت از دوکره جواهربزرك وکوچك است که ناصرالدینشاه بساختن آنها برطبق کره زمین و نقشه های آن دستور داده بود وکره بزرك ازآنها بسا جذاب وزیباست که ازبهترین نفایس و ذخیره های شاهانی بشمار رفته است. ساخت خودکره ازطلای خالص هیجده عیاری است ودرآن نقشه های قاره های پنجگانه زمین باضافه نقشه های دریائی ورعایت ممیزات بانواع جواهر بابهترین تصویرات ونگارشها تصویر شده است، کره مزبور بوسیله خطهای فلکی نصف النهاری به بیست وچهارقسم ودرهرقسمتی ۲۵ تقسیم شده است که تماماً بالماس ولعل وزمرد ویاقوت مرصع گردیده است. کلیه انواع جواهرات که دراین کره بکار برده اند ازاینقراراست: الماس ۱٥٤۷۹ تکه بوزن ۲۸۱۲ قیراط بجز ۹ اند، یاقوت ۲۷۹۳۳ تکه دروزن ۳۷۵۳ قیراط، زمرد ٥۰۲٤ تکه دروزن ۱۲٦۹۰ قیراط، لعل ۳۹٥ تکه در وزن ۲۳۸۹ بجز ۱۲ اند، زرخالص ٦۲۹٤ مثقال بجز ٦ دانه.

(ب) **سردارقزاقی** ـ وآن سرداریست ازقماش ماهوت سیاه رنك که برآن ۶۸ تکه الماس نفیس ترصیع کرده‌اند .

(ج) **سردوش الماس یا تاجماه** این سردوشی محتوی چند تکه ازالماس که در وزن ۱۱۲ قیراط و ۴ اند درآمده‌است ، شاه‌آنرا درمجالس رسمی سلام وغیره‌ها در برمیکند .

(د) **پیش کلاه سه خواهران** ـ ودرآن سه تکه الماس نفیس‌که درگوهردان خالص طلائی گذارده‌اند و زیرآن سه تکه الماس صورت دوعدد شیر و دوعدد ازصورت خورشید که با تکه هـای نفیس الماس مرصع شده‌است مجموع وزن این سه تکه المـاس ۱۲۰ قیراط و ۱۲ اند است .

(ه) **پیش کلاه** ـ از زرخالص مرصع بتکه‌های نفیس ازالماس نباتی‌رنك ودرمیان‌آن الماسی است بوزن ۱۱۱ قیراط و ۸ اند وبالای آن تاجی‌است‌که درآن صورت شیروخورشید مرصع بانواع جواهرات است، شاه درموارد رسمی آنرا بکارمیبرد .

(و) **شماره‌کلیه تسبیح های مروارید وزمرد** ـ یکصد تسبیح است که درمیان آنها تکه‌های نفیس ازمروارید بوزن یك مثقال یافت میشود ، چنانکه نیز دربین آنها یك تکه بزرك زمرد یافت میشودکه دروزن ۳۸۹ ونیم قیراط میباشد .

(ز) **تکه های الماس و زمرد** ـ که بشماره هزاران میرسد وبرخی ازآنهانگین انگشتر یادکمه جامه است یااینکه درزنجیرساعت یا غلاف شمشیری آویخته شده‌است، چنانکه برخی ازاین تکه های الماس بوزن ۱۵۰ قیراط تا ۳۰۰ قیراط هم میرسد .

(ح) **دسته‌های شمشیرهای مرصع** ـ که درحدود یکصد دسته شمشیرمرصع بانواع جواهرات است .

(ط) **زرخالص‌مرصع** ـ وآن بسیاراست که ازآن آبخوریهای معروف بصراحی و رهای قلیان‌گوناگون بیشمارساختند .

(ی) **مجموع وزن مروارید آویخته وافشانده شده خزانه** ـ که درتسبیح ا وجامه ها و شمشیرها وغیره‌است ۲۲ من ایرانی امروزاست (۶۷ کیلو) چنانکه مـروارید فشانده شده درکیسه های سربسته وصندوقهای خاص دراین‌خزانه گذاشتند .

موزه سلطنتی قاجاریه

در دربارقاجاریه‌که به‌ارك مینامیدند عمارت بسیارمجلل و باشکوهی است معروف بکاخ لستان‌که درآن اطاقهای موسوم به **طالار عاج وطالار بلور وطالارنارنجستان** اطاق موزه‌است درطول ۴۳ ذرع وپهنای ۱۸ ذرع ...

بسیاری ازسکه‌های‌باستانی ومجسمه‌های نفیس‌وتصویرات زیبا وجذاب درآن دیدم ازجمله ایسی‌که درآن بوده مجسمه‌کرگدن بزرگی است ازمس وساعت بزرك‌که رقاس‌آن فیل خود حرك باحرکات شگفت‌آور بوده‌است ونیز درآن یازده عدد صندلی قدیمی ساخت اروپا وچین ایران ومقدارزیادی ازظروف وآلات وقالیچه های پرقیمت یافت میشودکه ازتحف ونوادر هان بشمارمیرود وازبهترین نفایس‌آن :

تخت طاوس این تخت بشکل مربع مستطیلی است که برهشت پـایه استواراست و

دارای دوپله است و بر آن چهارده کنبد بدرازای ۲۷۵ سانتیمتر و پهنای ۱۷۷ سانتیمتر وهمگی تخت مزبور از یك قطعه طلای خـالص ساخته شده‌است و بر آن رسم و نگارهای زیبائی گل و لاله و حیوانـات متنوعه و در آن اشعار مطبوع نگاشته شده‌است . شماره جواهرات آن از اینقرار است :

الماس ۱۴۴۴ تکه زمرد ۱۴۳۱ تکه لعل ۸۵۶ تکه یاقوت ۱۰۸ تکه و برسمت فوقانی این تخت تاجیست از فلز وجلوآن از زرخالص که بامینا منبت کاری شده‌است . این تاج نخستین تاجیست که برای آقامحمد شاه قاجار ....

واما راجع بقیمت تخت وآنچه ذکرشده‌است بمبلغ یك کرور ونیم است و بـرخی دیگر بتحقیق ... از ۱۰ میلیون الی ۲۰ میلیون گفته‌اند .

سفارتخانه ها

قدیمترین سفارتخانه ها سفارت عثمانی و بعد سفارت روس بود محل سفـارت روس در بازار عباس‌آباد (باغ ایلچی) بود ولی پس‌ازکشته شدن سفیرروس بدست مـردم متعصب شهر محل سفارت بمرکزشهر و به پامنار (بانك روس فعلی) انتقال یافت .

سفارت ییلاقی انگلیس در قلهك را محمد شاه قاجـار درسال ۱۲۵۱ به سرجان کمپ بل وزیرمختار انگلیس بخشید ویك قسمت را ناصرالدینشاه بآن اضافه نمود .

سفارتخانه ییلاقی عثمانی و فرانسه در تجریش وسفارت اطریش در رستم‌آباد بودکـه تابستانها بآنجـا انتقال پیدا میکردند و این هنگامیکه شاه و دربـار بقصد ییلاق تهران را ترك میگفتند .

جزوکاروان سلطنتی‌حرم خانه شاه بود (فتحعلیشاه ـ ۱ ـ گویاهفتصد زن‌عقدی وصیغه داشته) قسمت مهمی ازسوگولیها وزنهـای محترم شاه بوسیله کالسکه‌هائیکه ازداخل بوسیله پرده سیاه مستور بود نیز بکاخهای ییلاقی منتقل میشدند ، هنگام حرکت فراشها ویساولان فـریاد میزدند « دورشو » « کورشو » عـابرین و کسبه پشت بکاروان و روبدیوار ایستاده و چشمهـای خودرا می بستند .

انتظامات شهر ـ سابقاًشهر بوسیله کلانتر وداروغه اداره‌میشد محل داروغه روزها درچهارسوق بزرك بود وشبها گزمه وشبگردها باآهنگهای بیدارباش ، هوشیارباش یکدیگررا آگاه ومردم را ناراحت مینمودند .

مشاغل ـ در دوران استبداد بهترین مشاغل را ازنظر احترام عمومی مـأمورین دولت یعنی‌مستوفی‌ها ـ میرزاها ـ فراشها (یوزباشی ـ پنجه باشی ـ دهباشی، باشی) وغیره داشتند.

پس‌از مشاغل دولتی بهترین شغل پیشه‌وری بودکه شرح آنهاگذشت .

کسبه مورد احترام مردم بودند درمعاملات راستگو ودرست‌کردارومورد اعتمادبودند .

کنت دوگوبینو سفیرفرانسه درایران درکتاب خود بنام سه‌سال درایران مینویسد: « بعداز میرزاآقا یکی‌از بزرگترین‌طبقات شهرنشین ایران کسبه هستندکه نزدمردم خیلی »

---

۱ ـ ملك ابن‌سعود پادشاه کشور عربی‌سعودیه معلوم نیست چند زن داشته کـه فعلا ۱۰۰ فرزند ذکور زنده ازآنها دارد .

«احترام دارند . کسبه ایرانی مردمانی درستکار وامین میباشند ومن درطول‌مدت اقامت‌خود»
«درایران ازهیچیك ازآنها تقلب ندیدم» .
«یکی ازعلل درستکاری ایرانی اینست که برخلاف میرزاها سرنوشتشان بتصادف نیست»
«بلکه زندگی ثابت ومطمئنی دارند» .
«کسبه ایرانی غالباً پسر بعدازپدر شغل آباء واجدادی را قبول مینماید وهرکاسبی که»
«میمیرد قطعاً برای فرزند خود سرمایه باقی‌میگذارد وکم اتفاق میافتادکه فرزندکاسب ثروت»
«موروثی را بیادبدهد بلکه غالب چیزی هم برآن افزوده وبرای وارث‌خود باقی‌میگذاردند».
«یکروز درتهران بازرگانی را دیدم که بپول فرانسه هیجده هزارفرانك طلا ببازرگان»
«دیگرداد وهمینکه دیگری قبض نوشته ببازرگان اول تسلیم نمود طلبکار خشمگین شد وقبض را»
«پاره کرد وگفت حاجی آقا مگرشما امین نیستیدکه بمن قبض میدهید» .
«یکمرتبه دیگرهم که درتهران بودم یکی‌از بازرگانان همدان که بهیچوجه اورا نمیشناختم»
«وحتی اسم‌اورا نشنیده بودم مبلغ پنجهزارفرانك‌ازسکه‌های قدیم ایران بوسیله یك‌چارپادار»
«برای من فرستاد وبعد معلوم شد حتی از چارپادار حامل سکه‌هاهم رسید نگرفته واین نشانه»
«آن بود کـه بمن اعتماد کامل دارد و تـا خود شخص امین و درستکار نباشد دیگری را»
«امین نمیداند» .

هوای تهران

موریه انگلیسی در کتـاب خود مینویسد : هوای تهران بجهة نزدیکی‌آن بکوه البرز و دریای خزرکه پشت‌کوه البرزاست مختلف میباشد ودرتابستان نهایت ناسازگاری را دارد، زمین شهرپست وبارطوبت وشوره زار است .

فصل‌گرما جز عجزه درشهرکسی نمیماند ، آب تهران نیز تعریفی ندارد البته این‌اظهار نظر مربوط بهنگامیست خـانه های سردابی کم‌کم بعمارت درسطح زمین تبدیل شده باطلاقهای متعددی درشهربود، اصطبل‌های بیشماری مملو ازدام (گاو وگوسفند واسب والاغ وشتر) درشهر بود ودرحقیقت هرسه نفر یك دام داشتند . ولی‌کم‌کم هوای‌تهران تااندازئی لطیف شد وعلت آنهم آن بودکه سی قنات آب ازدامنه‌های البرز بطهران کشیده شد زمینهای بایر داخل شهر مزروع شد، خیابانها درختکاری وروزی دومرتبه آب‌پاشی میشد ، اسفالت وجودخارجی نداشت، شیروانی‌کم بود .

وبااینکه ییلاق شمیران نزدیك تهرانست آنچه خاطردارم جزمتعینین وخوش‌نشین‌هاکسی تابستان بشمیران‌کوچ نمیکرد مگرروزها وشبهای‌تعطیل والا باغهای داخل‌تهران وزیرزمین‌هائیکه سابقاً میساختند هوای مطلوبی داشت .

ولی ازسال ۱۳۱٤ ارتباط بین شهر و شمیران ازدوراه (پهلوی وقلهك) تأمین‌گـردید موضوع رفتن ییلاق مخصوصاً بین ثروتمندان شهر وبازرگانان وپیشه وران رواج یافت ودرسال ۱۳۲۰ که جمعیت تهران بی‌تناسب روبازدیادگذارد موضوع خرید زمین وساختن خـانه وتبدیل باغها واراضی باماکن مسکونی درقسمتهای مختلفه شمیران حتی لشگرك ومیگون واوشان وکرج رواج‌گرفت و تابستانها مخصوصاً روزهای تعطیل درحدود یك چهارم جمعیت تهران به ییلاقات اطراف میروند هوای تهران فعلا درتابستانهاگرم وگاهی تا٤۲ درجه میرسد زمستانهـا اغلب بیشتراز ۱۰ درجه زیرصفررا نشان میدهد .

درفصول بهار وپائیز هوای تهران معتدل ومطلوب است (درخرداد واسفندگاهی بادهای خطرناکی ازسمت قزوین میوزدکه چنارهای عظیم وشیروانیهای بزرك را ازجا میکند) .

مقدارمتوسط بارندگی به ۲۵۰ میلیمترمیرسد ولی آن سرمای شدید وبرفهای سنگین بیابی گذشته دیگر درتهران دیده نمیشود .

فشارهوا درحدود ۶۵۲ میلیمتر درجه هوا ۴۲ و۱۱ وحدمتوسط ۵ر۱۵ میگردد. هوای تهران بطورمتوسط ۴۴ روز مستعد بارندگی و۱۱۰ روز هوا ابر و۲۵۵ روز هوا صاف است. روزهـای یخ بندان درتهران حداکثر دربعضی سالهـا ۷۴ روز حداقل ۲۷ روز حد متوسط ۴۴ روز میباشد .

ارتفاعات آب باران وذوب برف که درتمام سال میبارد بطورمتوسط ۲۲۲ میلیمتر وحد اکثر مقداریکه در۲۴ ساعت دیده شده ۳۰ میلیمتر بوده است .

درجه تابش آفتاب درتابستان ۴۸ ر۷۴ درجه ودرزمستان ۲۵ ر۳۰ درجه میباشد . درازی روزهـای تابستان بطور متوسط در حـدود ۱۴ ساعت ونیم و در زمستـان بطور متوسط ۹ ساعت ونیم میباشد .

جمعیت تهران درسنوات مختلفه متغیر وروبفزونی بوده است . لردکرزن که دراواخر سلطنت ناصرالدین شاه بتهران آمده مینویسد درتهران سرشماری علمی بعمل نیامده ولی ازروی میزان نان وآب ومسجد وحمام وامارات دیگرمیتوان جمعیت آنرا تادویست هزار وقدری بیشتر تخمین زد . بعضی ها معتقدندکه از ۱۷۵ هزار تجاوز نمیکند ، بیست سال پیش جمعیت آنرا ۱۲۰ هزارنفر نوشته اند ، ازاین جمعیت تقریباً همه مسلمان وشیعه اند، فقط چهارهزاریهودی درپایتخت اقامت دارد ... یهودیها درتهران ده کنیسه وچند مدرسه دایر کرده اند ، بیشترشان دلال وتاجر و طبیب هستند . شماره ارمنی های پایتخت قریب هزارنفراست ، دارای دونمازخانه هستند . گبرها یا پارسیان قریب چند صد نفرهستند ....

اما فرنگیهای مقیم تهران تاسال ۱۸۵۱ منحصربکارمندان تجارتخانه ها وچند نفر تاجر وچند افسرمتخصص بود، هنگام اقامت من تعداد آنها بپانصدنفرمیرسید که بغیرازکارمندان رسمی سفارتخانه ها وچند بازرگان محترم بقیه ازهمان ولگردها وماجراجوهای مشهور اروپا بودندکه درتهران هم مانند قاهره واسلامبول دنبال شکار بلند شده اند .

یك سفارت کبرا ازطرف سلطان عثمانی وشش سفارت فرنگی دائراست : سفارت انگلیس، روس ، آلمان ، فرانسه ، اطریش، ایتالیا ، دولت هلندهم یك کاردار دارد، دربار پادشاهی منتظر وزیرمختار بلژیك میباشد ....

باید دانست که غیرازنمایندگان روس وانگلیس وعثمانی سایرنمایندگـان سیاسی کمترین مشغولیاتی دراین شهرندارند ، ممکن است ازطرف دولت متبوع خودشان بطورمحترمانه باین شهر شرقی تبعید شده اند تاضمناً درصدد استراحت وتجدید قوا برآیند .

راجع باهمیت تهران ازنظر پایتخت بودن میگوید : پاره ای به آغامحمدخان قاجاراعتراض دارندکه این شهر بی استعدادرا مرکزحکومت داریوش وکورش نموده وپارهٔ برخلاف حسن انتخاب اورا ستایش میکنند . چیزیکه هست باید موضوعرا ازهم تفکیك نمود : از جنبه صحی وسیاسی شهرچندان خوبی نیست آبش کم است ... حاجی میرزاآغاسی وزیرمحمد شاه کوشش کـرد آب جاجرود وکرج را بطهران برساند ، اقدام اولی بواسطه اعتراض دهاقین ورامین وبی آب ماندن

مزارع جنوب تهران واقدام دومی بوسیله عزل حاجی بی نتیجه ماند (درمرآت البلدان نوشته شده: هم دراینسال بامرهمایون اعلیحضرت محمد شاه ازرودکرج تاشهرتهران که هفت فرسنك مسافت است نهری بزرك بامخارج گزاف بطرف شهر جاری کرده . از بالای باغ نگارستان گذرانیدند که ازدروازه شمیران بشهرمی نشسته وبرسر نهر تیمناً جشنی ملوکانه گرفتند ولی نگارنده اطلاع داردکه ابتکار این عمل باحاجی بوده کمااینکه نهردیگری هم ازکرج به یافت آبادکشیدکه هنوز جریان آب آن باقیست) وتهران باتشنگی وبرشتگی سابق باقیماند ، بیشترآب نوشیدنی تهران بوسیله قناتهائیست که ازکنار البرز سرچشمه میگیرد . این رشته قناتها مسافت زیادی درجویهای گوناگون غلطیده وبیماریهای تیفوئید واسهال وغیره را برای سکنه پایتخت بارمغان میفرستد ، طریقه تنظیف پایتخت ازکثافات وفضولات غیرصحی ولی بهترازسایرشهرهای ایرانست . معمولا درخانه های تهران یکی دوچاه بعمق ۱۵ تا ۲۰ مترمیکنند (خانه من ۱۲۷ متراست و چهارچاه دارد ـ نگارنده) وهمینکه اینها پرشد چاهای دیگری حفرمیکنند ، چون خـاك تهران رسوبی و قابل نفوذ میباشد سرایت محتویات این چاهها بآبهای نوشیدنی وآب انبارهای خانگی وحوضها بدبختیهای زیاد ایجاد میکند، معهذا تهران ۳۰۰۰ پا ازسطح دریا مرتفع میباشد . هوای زمستان وپائیز وبهارآن ازاین نظرقابل تمجید ودرتابستان هم ییلاقهـای کوهستانی نزدیك دردسترس عموم قرار دارد ...

نگـارستان یا جایگاه تابلوهای نقاشی . این عمارت سابقاً خارج تهران بوده، اکنون که شهربزرك شده توی تهران افتاده است ، پادشاه تاجرمنش فعلی بسیاری ازاراضی این بـاغ سلطنتی را بمردم فروخته است این بـاغ وعمارت درروزگار فتحعلیشاه بانی ومؤسس آن بسیار آباد بوده وحالا روبخرابی میرود، آنموقع چندین ساختمان بنام :کلاه فرنگی، استخرهای بزرك چنارهای بلند وبالاترازهمه حمام وصفه مرمرنگارستان عیش گاه پادشاه ایران بود .

سربرترآرکر درسال ۱۸۱۸ موفق بدیدن نگارستان شده وبحمام مرمرهم سری زده است. دروسط حمام حوض بزرك کاشی واطراف حوض صفه های مرمرسراشیب ساخته بودندکه پادشاه پادشاهان پری پیکران عریان را ازفرازصفه مرمر بدرون حوض میکشید .

لردکرزن میگوید من پس ازچندین سال بتماشای آن باغ وحمام شورانگیز رفتم ، صدای قهقهه لعبتان ماه منظر ازدرودیوار بگوشم خورد ولحظه‌ای خودرا درمیان آن پریرویان افکندم بیاد روزگارخوش آنان سرمست شدم وسپس بحال طبیعی آمده بتماشای تابلوهای نقاشی نگارستان شتافتم ، فتحعلیشاه عشق غریبی داشت که درودیوار ایرانـرا باشکال خود ویك فوج پسرانش منقش سازد ، شکل فتحعلیشاه همیشه باتاج وریش وشمشیر وسینه بند و بازوبند وقبای دراز و خنجر دیده میشود . دریکی ازتابلوهای نگارستان فتحعلیشاه روی تخت طاوس نشسته پسرهایش که شماره آنها دراین تابلو به پنجاه میرسد دراطراف تخت صف کشیده‌اند . نمایندگان انگلیس یعنی **سرجان ملکم ، سرهافوردجونس ، سرگور اوزلی** در یکطرف و حـریف فرانسوی آنها **ژنرال گاردان** درطرف دیگر ایستاده‌اند .

بهرحال درسال ۱۸۳۵ برابر ۱۲۵۱ هجری دریکی ازاطاقهای همین عمارت نگارستان میرزاابوالقاسم قائم‌مقام پسرمیرزا بزرك قائم‌مقام وزیرمحمدشاه‌را بامرقبله عالم خفه کردند . شگفت آنکه سه تن ازپادشاهان قاجار(فتحعلی ـ محمد ـ ناصرالدین) سه صدراعظم خودرا (حاجی ابراهیم قوام شیرازی ـ میرزاابوالقاسم قائم مقام ـ میرزا تقی‌خان امیرکبیر) هلاك نمودند ؟ ! درصورتیکه

هـریك ازاین صدراعظم هـا برای استقرار سلطنت ولینعمت های خود کوششهای فراوانی نموده بودند . (انتها) .

قریه تهران تدریجاً بابخت واقبال همقرین گشته وبرا ثر توجه سلاطین روبآبادی گذاشت وجمعیت آن باآمدن ومهاجرت عده‌زیادی ازمردم سایر نقاط کشور روبفزونی گذارد بدین‌ترتیب :

درسال ۱۲۶۲ شمسی اواخرسلطنت ناصرالدین‌شاه که تهران سرشماری شده نفوس آن ۱۰۶٬۴۸۲ نفر بوده‌است وبعد درسالهـای ۱۲۷۰ ، ۱۳۰۱ ، ۱۳۱۱ کـه بوسیله شهرداری ودرسال ۱۳۱۸ بوسیله اداره کل آمار ودرسال ۱۳۲۱ بمنظورجیره‌بندی تهران سرشماری‌شده جمعیت آن بشرح زیر بوده‌است :

سال	مرد	زن	جمع
۱۲۶۲	۴۴۷۷۲	۴۶۰۳۷	۱۰۶٬۴۸۲
۱۲۷۰	—	—	۱۶۰٬۰۰۰
۱۳۰۱	۹۵۸۵۴	۱۰۰۴۰۱	۱۹۶٬۲۵۵
۱۳۱۱	۱۳۳۹۴۰	۱۳۱۱۹۹	۲۶۵٬۱۳۹
۱۳۱۸	۳۱۲۰۳۸	۲۲۸۰۴۹	۵۴۰٬۰۸۷
۱۳۲۱	۳۷۹۱۵۲	۳۱۹۹۵۸	۶۹۹٬۱۱۰

ولی فعلا (۱۳۳۲) جمعیت تهران ازیك میلیون نفر بیشتراست . چون ساکنین دهـات و کشاورزان تمام‌نقاط ایران برای اینکه کمترزحمت بکشند وازفراوانی نعمت تهران استفاده‌نمایند بطهران روی آورده وفرضاً بهیچ کاری دسترسی نداشته باشند تکدی وسایرامورکم زحمت را پیشه خود میسازند .

ملاکین وصاحبان عنوان شهرستانهاهم بـرای استفاده از نعمت امنیت وآسایش باعواید مختصری قناعت کرده هریك در شهر واطراف تهران پارکی تهیه کرده وشهرستانها وآبادیها ورعایا را بی‌صاحب گذارده‌اند .

بخش ششم - شرح دهستانهای اطراف تهران

۱ - حومه تهران

حومه تهران از ۱۹۱ قریه تشکیل شده که همگی در اطراف شهر تهران قرار گرفته ودارای هوای معتدل ، محصول آن بیشتر صیفی کاری وسردرختی است .

اینك دهات خاوری شهر تهران

دولاب - این دهکده پیشینه تاریخی دارد وزمانیکه تهران اهمیتی نداشته آنجا آباد بوده و بر تهران مزیت داشته وفعلا براثر توسعه تهران جزو شهر شده است عمارات چهارصد دستگاه درقسمت شمالی آن بنا شده .

فرح آباد ، قصرفیروزه ، دوشان تپه که درزمان قاجاریه بنا شده ، تفرجگاه شاهان وشاهزادگان بود .

قصرفیروزه را پهلوی فقید بگورستان زرتشتی ها اختصاص داد مشروط بر آنکه مردگانرا درزیر خاك بگور نمایند ، اطراف فرح آباد شکارگاه خاصه شاه است درجلگه باختری دوشان تپه که سابقاً محل جنك هفت لشگر ومیدان اسب دوانی بود ، فرودگاه بزرك هوائی نظامی ومحل آموزشگاههای فنی وخلبانی وکارخانه طیاره سازی شهبازمیباشد .

سلیمانیه قریه ایست درخاور دولاب که اینك آنهم بشهر متصل شده ، قسمتی ازچهارصد دستگاه درزمین های سلیمانیه واقع شده که بانك ملی آنهارا ساخت وباقساط طویل المدة بکارمندان دولت فروخت .

امامیه که آنهم درشمال چهارصد دستگاه وبشهر اتصال یافته وساختمانهای **تهران نو** دراراضی آن واقع شده ویك واحد هواپیمائی نظامی درزمین های امامیه واقع وتأسیساتی دارند.

دهستانهای شمالی شهر تهران :

عشرت آباد ، جمشید آباد ، عباس آباد ، جلالیه که مقر پادگانهای نظامیست . قسمت زمینهای عباس آباد که سابقاً متعلق بحاج میرزا آقاسی بوده و ازآب کرج آنرا آبیاری مینمود بعداً جزء خالصه دولتی شده بود توسط بانك کشاورزی بافسران ارتش فروخته شد واینك یکی ازبرزنهای مهم تهران شده وتدریجاً روبآبادانی میرود .

یوسف آباد که بیمارستان شماره ۱ ارتش درآن محل ساخته شده وزمین های آن بین کارمندان دولت تقسیم وباقساط فروخته شد این قسمت نیز بصورت برزن مهمی درآمده .

درقسمت خاوری جاده پهلوی وتپه های شمال باختری عباس آباد ازطرف وزارت کشاورزی چند سالیست که جنگل مصنوعی ایجاد شده واگر تا ثمررسیدن درختها مراقبت شود درآتیه محل بسیارمصفائی خواهد شد وهوای تهران را تغییر خواهد داد .

قصر قاجار و حشمتیه که محل پادگان نظامی و زندان شهربانی و بی‌سیم و دستگاه فرستنده رادیو تهران میباشد .

بهجت آباد و معینیه و یوسفیه بشهر متصل شده‌اند، امیر آباد که بنام کوی دانشگاه نامیده میشود شمال این قسمت اداره لوله کشی آب و مرکز آن اسپریس اسب دوانیست و سابقاً رژه باشکوه سوم اسفند در این میدان انجام میشد .

دهستان باختری شهر عبارتند از :

مهر آباد که سربازخانه و فرودگاه بزرگ کشوری در آن قریه ساخته شده اکبر آباد سلسبیل فعلا داخل شهراست .

امامزاده حسن که روزهای ۲۸ صفر زیارتگاه جمعیت زیادیست **جبی و بریانك** تدریجاً از صورت حومه خارج و بشهر متصل میشود .

دوربست یا طرشت یا درشت ــ تاریخ تهران درصفحه ۳۹ مینویسد: این قریه را در این زمان درشت میخوانند وازدهات نامی وآباد تهران امروزهم میشمارند ، یك فرسنك ازطهران دورمیباشد وازآن بقریه کن نیزیك فرسنك است. ازمردمان معروف دوربست . عبداله بن جعفر بن محمدبن احمدبن موسی بن جعفر ابومحمد دوربستی ، قبر وی تاکنون درآنجا معروف نیست.

نوربخشیه در دوربست ــ فرقه نوربخشیه ازفرقه های نامی متصوفه است و به سید محمدنوربخش که سرسلسله و پیشوای صوفیان درعصرخویش بوده منسوب است سیدمحمد نوربخش درطرشت یادوربست تولد یافته وهفت اقلیم گفته که سید محمد نوربخش درایام جوانی بری آمده ودرقریه سلقان اقامت کرده وگروه بسیاری ازمردمان آنمحال به او ارادت داشتند و ازنسل ایشان درآندیار بازماندگان بسیاری مانده‌است .

دهستانهای جنوبی تهران :

قریه **نازآباد** که یك قسمت آن فرودگاه قلعه مرغی وتأسیسات هوائی نظامیست ، یك قسمت آن کشتارگاه ویك قسمت آن بلورسازی وسیلوی شهر وانبار پنبه را تشکیل میدهد .

درزاویه جنوب خاوری شهر **نجف آباد** واقعست که دستگاه کامل گیرنده وفرستنده بی‌سیم درآن محل است .

بطورکلی براثر توسعه شهر آبادیهای اطراف تهران جزوشهرشد وقسمت جنوبی شهر صیفی کاری میشود وگورستان چهارده معصوم و **آب انبار قاسم‌خان و آب متکا** به‌تأسیسات کوره های آجرپزی هوفمان اختصاص داده شده .

وجاده حضرت عبدالعظیم درزمان حکومت سپهبد رزم‌آرا آنمرحوم اطراف خیابان آنرا درختکاری ومصفا نمود .

اینك نظر اجمالی بدهستانهای بخشهای تهران :

۲ ــ بخش کرج

دهستان **ساوجبلاغ** ازشمال محدوداست به **طالقان** وکوههای **فشند** از خاور به

ارنگه ازجنوب خاوری به شهریار ازجنوب وجنوب خاوری بهساوه وازباختر به قزوین.
مرکز این بخش کرج وخاك آن ازسه قسمت متمایز تشکیل میشود .
الف) رود گردان که ازکوههای طالقان سرچشمه گرفته وبطرف جنوب باختری امتداد یافته وپس از عبور ازقریه گردان و ینگی امام وارد خرروذ قزوین میشود .
ب) رود کرج که درخاور این منطقه جاریست واراضی اطراف آنرا مشروب مینماید، قسمتی ازآب آن بتهران ویافت آباد میآید ومازاد آن بدریاچه حوض سلطان میریزد .
ج) رود القادر که ازکوههای القادر سرچشمه گرفته بطرف جنوب خاوری جاریست وپس از آنکه شهریار وفشاپویه را آبیاری کرد بدنباله کرج متصل میشود .
نزهةالقلوب مینویسد :«ساوجبلاغ ولایتی است که دراوان سلاجقه مآل به ری میداده ودرعهد مغول سوی شده ، هوا بغایت خوب دارد ، اکثرآبش ازقنوات است ، میوه و غله بسیارمیباشد ، ونانش درغایت نیکو وحقوق دیوانی او ۱۲ هزار دینار مقرراست . ومردم آنجا چون اکثر صحرانشینند مقید بمذهب نیستند وازاعظم قوای آنجا : انجم آباد ، سنقرآباد وخراو است، درسنقرآباد سادات عالی نسب وحسب اند والحال خراب است. انتهی».
کرج مرکز ساوجبلاغ ودر سه راهی تهران ـ چالوس ـ قزوین درساحل باختری رودخانه واقع شده ـ مسافت آن تاتهران ۳۹ کیلومتر وتاقزوین ۱۰۱ کیلومتراست .
جمعیت آن درحدود پنجاه هزارنفر، مذهب آنها شیعه وفارسی زبانند ودرفصل گرما به نسبت قابل ملاحظه‌ای نفوس آن زیاد میشود. دانشکده کشاورزی وکارخانه قند درقسمت جنوب باختری آن واقعست ادارات دولتی آن عبارتند از بخشداری ـ شهرداری ـ کلانتری ـ دارائی ـ گروهان ژاندارمری ـ آمار ـ شعبات بانك ملی وکشاورزی ـ دامپروری ـ بهداری ـ فرهنك ـ پست وتلگراف وتلفن ـ دامپزشکی . سه دبستان ویك دبیرستان دارد .
کارخانه های آن عبارتند از کارخانه قند سازی ـ سیم سازی ـ مقوا سازی ـ مشروب سازی .
ازطرف جنوب هم یك راه نیمه‌شوسه به اشتهارد وزرند امتداد دارد . راه‌آهن تهران ـ آذربایجان ازجنوب کرج میگذرد وایستگاه معتبر راه‌آهن آن درجنوب آن واقعست .
ازآثار قدیم کاروانسرای شاه عباسی وبنای امامزاده حسن میباشد . درتمام ساعات روز اتوبوس خط تهران بکرج رفت وآمد مینماید .
رودخانه کرج که ازآبهای گچسر ویك قسمت ازآبهای کندوان سرچشمه گرفته وقسمتی ازاراضی دهات ارنگه وساوجبلاغ وشهریار وفشاپویه وشهر تهرانرا مشروب مینماید .
چندیست تأسیسات لوله‌کشی و برق تهران وایجاد منبع جهة آب درمسیراین رودخانه شروع شده .
این تأسیسات شامل یك سد مخزنی ببلندی ۱۷۰ متر وبگنجایش ۱۵۰ میلیون مترمکعب است ، آب ذخیره شده را باگرداندن سه دستگاه توربین ۸۰۰۰ کیلواتی مورد استفاده تهیه ۲٤٠٠٠ کیلوات برق قرارگرفته و پس ازآن باید برای کشاورزی و آب مشروب تهران بمصرف برسد .

ساختمان این سد ۲۲۳ میلیون متر مکعب آب را که هرسال بصورت سیل به مسیله قم میریزد ویا تبخیر میشود مورد استفاده قرارمیدهد ساختمان این سد درنوع خود از شاهکارهای فن مهندسی میباشد .

درمدخل شهر کرج پل قدیمی بزرگی برروی رودخانه بنا شده‌است . شهر کرج از دو قسمت قدیم وجدید تشکیل شده وقسمت قدیمی آن که قصبه کرج است دارای ساختمانهای کهنه و درکتب تاریخ هم اسم آن ثبت است .

نزهةالقلوب «کرج وکرهرود ازاقلیم چهارم است طولش ازجزایر خالدات (مدمه) و عرض آن ازخط استوا (لد) بودلف عجلی بوده بعد هارون‌الرشید ساخت کوه سمند برطرف شمال آنجاست ودرپای آن کوه چشمه بس بزرگ‌است ، آنرا چشمه کیخسرو خوانند ، مرغزاری عریض وطویل دارد ٦ فرسنگ در۳ فرسنگ آنرا مرغزار گیتو خوانند ودرآنحدود قلعه‌محکم بوده آنرا فرزین خوانند ، حقوق دیوانی یك تومان ویکهزاردینار است. انتهی» .

قسمت جدید شهر که درسرراه واقعشده دارای فلکه و چهار خیابان ساختمانهای جدید خیابانهای اسفالته مهمانخانه و باغچه های مصفا میباشد . از مؤسسات مهم کرج : دانشکده کشاورزیست ، مزارع نمونه ، لابراتوار گیاه شناسی ، انگل شناسی در قسمت جنوبی آن دایر شده‌است .

در قریه حصارك (دوکیلومتری باختر کرج) بنگاه سرم سازی و در حیدرآباد (پهلوی حصارك) بنگاه دامپروری بتربیت وازدیاد نژادهای مخصوص حیوانات ازقبیل گوسفند مرینوس ،گاوهای اسکاتلند ، الاغهای قبرسی‌ومرغ وخروس امریکائی مشغول است .

درجنوب کارخانه قند مقدمات ساختمان عظیم کارخانه بزرك ذوب‌آهن فراهم شده و بیشتر بناهای اصلی‌آن ساخته شده وماشین‌آلات ودستگاههای اولیه آنهم وارد شده بودکه جنك جهانی وواقعه شهریور ۲۰ حمله ناجوانمردانه عملیات ساختمانی کارخانه مزبوررا متوقف ساخت ورفته رفته بیشتر اثاث و ماشین‌آلات موجوده ازبین رفت و بزرگترین خسارت بدستگاه صنایع کشورما وارد شد. ونیزیك کارخانه مقوا سازی درکرج دایرشده‌است .

دهستان ساوجبلاغ از ۱۷۹ قریه و به سه دهستان پخش میشود :

الف) اشتهارد دارای ۹ قریه‌است که درجلگه واقع وهوای‌آن معتدل وبرای زراعت ازآب قنات استفاده مینمایند محصول آن : گندم ، جو ، حبوبات ، سیب زمینی وچغندر است ، گوسفند داری وتربیت سایرحیوانات وطیورخانگی دراین‌محل متداول است ، دردهستان‌مزبور یك دبستان دایرمیباشد ، قصبه اشتهارد ازمحلهای قدیمی وسابقاً آباد بوده‌است واکنون قریب ۵٤۹۱ نفرجمعیت دارد .

ب) برغان از۷ قریه کوهستانی تشکیل‌شده‌که هوای آن سرد ویٔیلاقی وبرای زراعت از آب رود اغشت وچشمه استفاده مینمایند وچون این دهستان کوهستانیست وزمین‌کافی برای زراعت غلات ندارند ومختصری غلات و حبوبات زراعت میشود ، لکن درعوض باغهای زیاد داشته‌که همه نوع میوه های ئیلاقی دارد ، مخصوصاً گوجه آن معروف است ، در مراتع آن گله های‌گوسفند نگاهداری میشود .

درقریه برغان یك دبستان دایراست ویك پل تاریخی ازآثار زمان شاه عباس روی رود برغان باقیست .

ج) **ساوجبلاغ** دارای ۱۵۰ قریه است : که پنج ده آن درکوهستان وبقیه درجلگه واقعست و هوای آن معتدل و بـرای زراعت آب رودخانه کـرج و کردان و قنات وچشمه استفاده مینمایند .

محصول آن غله بطور وفور وحبوبات وصیفی‌کاری وچغندر وپنبه وسیب زمینی است ، مخصوصاً **سیب زمینی فشند** معروف است . واغلب دهات وباغهای میوه و اشجار تبریزی وچنار آن مشهوراست . وتربیت حیوانات اهلی وطیورخانگی نیز دراین‌دهستان معمول است .

درساوجبلاغ ۱۱ دبستان دولتی ۲۳ مکتب‌خانه بطورقدیم دایراست . بطورکلی درتمام حوزه‌کرج ۱۵ دبستان مختلط ۱ دخترانه ۲۹ پسرانه یك دبیرستان دخترانه ویـك دبیرستان پسرانه دائر است .

برغان وفشند شش فرسخ شمال باختری‌کرج صنایع دستی‌آنها عبارتست ازکرباس‌بافی ، جوراب بافی ، گیوه چینی وجاجیم بافی ، عسل این دهات خوب است . ونیزدردهستان **فشند** و **دهنو** مخصوصاً درقریه آبیك معدن **زغال سنك** وجود داردکه مشغول‌استخراج‌آن هستند .

۴ ـ بخش شمیران

دهستان **شمیران** ازشمال محدود است برشته‌کوههای البرزکه بشکل قوس ازخاور به باختر میگذرد . ازجنوب بدهستان غار ودهات حومه شمالی وازباختر به‌کن وازخاور به‌لواسان .

دهات شمیران در دره های سرسبزمصفای منشعب ازکوههای البرز قرارگرفته وکلیه‌آنها دارای آب وهوای ییلاقی ودرتابستان عده زیادی ازسکنه تهران برای فرار ازگرما به‌ییلاقات شمیران پناه میبرند ، مخصوصاً پس‌ازشهریور ۳۲۰ باایجاد ساختمانهای جدید وباغهای زیبا و احداث جاده های اسفالته نزدیك است‌که ساختمانهای اطراف خیابانهای شمیران بشهر تهران متصل شود .

قراء شمیران‌که در دره های سرسبز ومصفا ومتعدد دامنه های جنوبی البرز قرارگرفته ، دربهار چشمه سارها وآبشارها طراوت مخصوصی بـآن داده و مازاد آب آن بمصرف زراعت قسمتی ازدهات غار وفشاپویه میرسد .

دره های معروف دامنه البرز عبارتند :

دره **پس‌قلعه** ، **دربند** ، **امامزاده قاسم** که قصبه‌تجریش درامتدادآن قرارگرفته .
دره هفت حوض ، درکه که آبادیهای اوین وباقره وونك درامتداد آن قرارگرفته .
دره یونجه زار وفرح زاد ودره شاه‌آباد ودره داراباد .

کثرت ساختمانهای ییلاقی وازدیاد باغها درتجریش وسایرنقاط شمیران مانند**دزاشوب** ، زرگنده ، دروس ، قلهك موجب‌کم‌آبی شده بطوریکه ساکنین‌بعضی ازنقاط مزبور ناگزیر بوسیله حفرچاه ونصب تلمبه برقی آب مصرفی خودرا تأمین مینمایند .

ونیز تپه های خشك الهیه براثرآبی‌که بوسیله لوله از قنات های جدید ولنجك آورده شده محل‌گردشگاه ثروتمندان ودارای‌کافه رستوران وسالونهای‌مجلل برای‌شب‌نشینی آماده شده .

دهستان شمیران از ۶۰ قریه تشکیل شده‌که ۳۰ قریه آن کوهستانی وبقیه درجلگه واقع است ، هوای آن در ۱۷ قریه کاملا سرد وسایردهات دارای هوای خنك ومعتدل هستند وبرای زراعت از آب رودخانه وقنات وچشمه وچاه استفاده مینمایند . محصول این قسمت‌ها میوه های سردرختی ، صیفی‌کاری وحبوبات وکمی غله است .

دردهات شمیران ۶ دبیرستان و ۱۷ دبستان دایراست .

آثار واماکن قدیمه وبقاء متبرکه آن‌که معروفیت دارد درخت‌چنارمعروف امامزاده صالح درتجریش ، ساختمان باغ فردوس (که فعلا بقطعات تقسیم ویك قسمت آن دبیرستان شده است) قصرهای سلطنت‌آباد ـ صاحبقرانیه ، منظریه ، ضرابخانه‌که ازدوره قاجاریه باقیست. و ازساختمانهای جدید کاخهای سعدآباد‌که باسبك واصول مهندسی جدید ترتیبات داخلی آن بسیار زیبا وباشکوه ، قالیهای‌کرمان وکاشان وخراسان بابهترین طرز ونقش درقریه سعدآباد ساخته شده ومیهمانخانه بزرك و باشکوه دربند وویلای اطراف آن کـه دارای مناظر بسیار زیبا و با طراوت میباشند.

درسلطنت‌آباد‌کارخانه مهم اداره تسلیحات‌که قسمت‌مهم‌آن مهمات سازیست ولی‌ازساختن وسایل یدکی واسبابهای فلزی هم بی‌اطلاع نیستند ، برق کارخانه سلطنت‌آباد روشنائی‌شمیران را تأمین ومقداری‌هم به برق تهران کمك میدهد .

در قریه شاه‌آباد بیمارستان مخصوص و آسایشگاه مسلولین دایراست . در نیاوران هم بیمارستانی جهة بیماران امراض‌روحی دایرگردیده .

منطقه اقدسیه به اردوگاه دانشکده افسری‌اختصاص دارد .

۴ ـ بخش شهریار

دهستان **شهریار** ازشمال محدوداست به **ساوجبلاغ** ازخاور بدهستان **غار** از باختر بشهرستان **ساوه** ازجنوب بدهستان **فشاپویه** . این دهستان دارای ۱۳۲ قریه است‌که‌همگی درجلگه‌واقع وفقط درباختر‌آن ارتفاعات‌کمی‌که دنباله‌کوههای **نمك** ساوه است قرارگرفته .

هوای این دهات معتدل وبرای زراعت ازآب قنات وبعضی دهات ازمازاد آب‌کرج و رودخانه القادر‌که درشهریار **بسیاه‌آب** معروف‌است استفاده مینمایند و رود شورهم ازجنوب شهریار میگذرد . محصول آن غله ، حبوبات ، چغندر ، سیب زمینی ، صیفی‌کاری ، میوه هـای درختی مخصوصاً انگور فراوانی دارد ، تربیت حیوانات اهلی وپرنده خانگی نیز دراین‌دهستان متداول است ، ولی بواسطه بدی طرزآبیاری دهات دراطراف رودخانه ها باطلاقها وآبهائیرا که تولید **پشه مالاریا** نموده وازاینرو دردهستان شهریار بیماری نوبه (مالاریا) فراوان است‌که تدریجاً به‌کندزدائی آن مشغولند .

درشهریار ۳۲ دبستان و ۲ دبیرستان دایراست . در رباط‌کریم خرابه های معبد موسوم بتخت رستم ازعهد اشکانیان باقیست .

۵ ـ دهستان طالقان

دهستان **طالقان** ازشمال وخاور بخاك **مازندران** ازجنوب به ساوجبلاغ ازباختر به **قزوین** محدود است .

طالقان در دره **شاهرود** واقعشده و ناحیه کوهستانیست که هوای آن سردسیر وزمینهای زراعتی آن محدود و بواسطه گودی مجرای رود شاهرود کمتراز آب آن استفاده میشود . رود شاهرود ازباختر گردنه **کندوان** سرچشمه گرفته بطرف خاور جاریست واغلب دهات طالقان در کنار شعب آن واقع شده‌اند . شاهرود درمنجیل وارد **قزل اوزن** شده بنام سفیدرود ازگیلان عبور نموده بدریای مازندران میریزد .

طالقان ازدهستانهای کهن و نزهةالقلوب آنرا اینطور تعریف میکند:

«طالقان ولایت سردسیراست درشرقی قزوین، طولش ازجزایر خالدات (فد م ه) وعرض»
«آن ازخط استوا (لوی) درکوهستان افتاده‌است وکلاتها ودیهیها معتبر کمتر میباشد ، حاصل»
«آنجا غله واندکی جوز ومیوه بود ، قهپایه، کن وکرج ازتوابع آنجاست . انتهی» .

دهستان فعلی طالقان دارای ۷۹ قریه است که همه آنها درکوهستان واقع وهوای آن سردسیر و برای زراعت ازآب چشمه وقنات وکمی ازرودخانه شاهرود استفاده مینماید. محصول آن غله وحبوبات وسیب زمینی است وبعلت کمی محصول اهالی طالقان بیشتر احتیاجات خوار بار خودرا ازساوجبلاغ و برنج را ازمازندران تهیه مینمایند وبواسطه ئیلاقی بودن ووجود مراتع درتابستان اغلب احشام ساوجبلاغ بحدود طالقان میروند .

دراین دهستان سه دبستان دولتی و ۲۵ مکتب‌خانه دایراست . ازابنیه قدیمی دریك فرسخی شمال ده **هرنج** آثار قلعه خرابه روی کوه دیده میشود که بقلعه منصور معروف است .

جوستان که درکنار شاهرود است تکیه‌ای دارد که بقعه امامزاده هرون درآن واقع ست ودرهای حرم امامزاده ازنظرتاریخی وصنعتی قابل اهمیت است .

همچنین بنای امامزاده یوسف که تاریخ بنای آن معلوم نیست درمزرعه بادامستان آبادی **دشته** است بنای آن ازنظرتاریخی قابل توجه است .

دراین قریه چشمه آبشوری ، وجود داردکه پس‌ازخارج شدن آب ازچشمه در مجاورت هوا تبدیل به نمك شده وازآن نمك استخراج مینمایند .

٦ ـ بخش ری

این دهستان که به غار معروف است ازشمال محدوداست به کوه **سه پایه** و حومه تهران باختر به **شهریار** از جنوب به **فشاپویه** ازباختربه **ورامین** .

رودخانه های **کن، کرج** و **رودشور** ازشمال بـاختری وارد این دهستان شده واز وب باختری آن خارج میشوند ، ولی بیشتر اراضی دهستان غار ازآب قنوات کـه ازجنوب ران سرچشمه میگیرند مشروب میشود .

جاده شوسه تهران قم ، جاده ورامین ، جاده تهران ـ مشهد از دهات غار عبور نموده و ب دهات غار را بهم متصل مینمایند ، بعلاوه شهرری وسیله راه‌آهن حضرت عبدالعظیم کـه ازای آن ۸۳۶۰ متراست (امتیاز این خط را یك کمپانی بلژیکی دراواسط سلطنت ناصرالدینشاه ست آورد وقصد داشت آنرا تاقم امتداد دهد حوادث ووقایع اتفاقیه اورا منصرف نمود) بتخت وصل میشود وراه‌آهن سرتاسری کشورهم کـه بمازندران وشاهرود میرود از شهرری ذرد ودرمحل مزبور یك ایستگاه راه‌آهن ساخته شده‌است .

مرکز دهستان غار قصبه **ری** است چون مدفن قطب الموحدین ابا القاسم حضرت عبدالعظیم (ع) وحمزة بن الموسی (ع) وامامزاده طاهر میباشد . زیارتگاه مردم شهرهای مجاور است ، اراضی اطراف امامزاده عبداله ، ابن بابویه ، بی بی زبیده که درشمال حضرت عبدالعظیم هستند مدفن عده زیادی ازبزرگان وسلاطین وعلمای دینی میباشد .

حضرت عبدالعظیم درزمان **متوکل** خلیفه عباسی (که نسبت به سادات وآل محمد (ص) بغض زیادی داشت) به ری آمده ودرسنه ۲۳۹ هجری قمری رحلت فرمود ، مرقد مطهرش در دوره قاجاریه بنا شد ودارای گنبد طلا وضریح نقره است ، درداخل گنبد گچ بسری وآئینه کاری زیبائیست که ازنظرصنعت قابل توجه است .

علاوه ازجنبه مذهبی بیشتراهمیت شهرری بواسطه قدمت تاریخی آنست که ازشهرهای بسیارقدیمی ایران و سابقاً فوق العاده آباد و پرجمعیت بوده ، درتهران شهر ری را **داجس** وکتاب اوستا باسم **راگا** نامیده شده وبزرگترین شهرزمان خود محسوب میشده (آثارخرابه های آن دلیل این مدعاست) دردامنه جنوبی کوه بی بی شهربانو مقبره ایست که اهالی آنرا قبر بی بی شهربانو دختر یزدگرد سوم شاهنشاه بدبخت ساسانی میدانند ، درشمال خاوری کوه مزبور قلعه زرتشتی است که طبق آئین مذهبی زرتشتیان مرده های خودرا (درسطح آن قلعه که دربلندی واقعست و بانردبان میتوان داخل آن شد) درمحوطه های کوچك کوچك می نشانند وروی صورت او پارچه میاندازند . من شخصاً داخل این قلعه را تماشا کردم یك منبر گلی درمحوطه جنوبی و یك چساه عمیق درقسمت شمالی سطح قلعه است که محل استخوانهای مرده هاست محل وحشتناکی است .

زیرا چندین مرده زن ومرد را دیدم که نشسته بمن نگساه میکنند ویکی دوافرهم بپهلو افتاده اند ودهها باز وقوچ وکلاغ هم روی چینه دیوار انتظارمراجعت منرا داشتند بدر ودیوارهم لعنت هائی شده بود بکسی که تغییری دروضع آنها بدهد ، آفتاب غروب کرد خواستم بادونفری که بامن بودند خارج شویم دیدیم دریچه ورودی راکه هنگام ورود بالاقیدی جفت کرده بودیم دیگر بازنمیشود بالاخره معلوم شدکه رمزی درکاراست هرچه بفکرمان رسید عمل کـردیم غفلتاً در بازشد والا خیال میکردیم باید دراین مکان بمانیم ودعاکنیم فوراً یکنفر زرتشتی بمیرد شاید مرگ اوموجب خلاصی مـا باشد اینجاهم باید ممنون علم شد اگر عامی وبیسواد بودیم امکان نداشت بتوانیم رمز بازشدن دررا پیداکنیم .

نزهة القلوب درمورد ری مینویسد : «تومان ری ، این تومان را سوای ری نبوده است،» «اکنون که ری خرابست ورامین شهرآنجاست ومواضع دیگر که ذکرش بیاید هریك قصبه شده» «وحقوق دیوانی آنجا هفتصد تومان بوده وملك ری بعظمتی بوده که حکومتش دراول عمرسعد» «علیه اللعنه باعث قتل امیرالمؤمنین حسین بن علی رضعنها شد وآن حکایت مشهوراست . ری از» «اقلیم چهارماست وام البلاد ایران وبجهة قدمت آنرا شیخ البلادخوانند طولش ازجزایرخالدات» « (عوك) وعرض ازخط استوا (له ل) شهر گرمسیراست وشمالش بسته و هوایش متعفن وآبش» «ناگوار دراو وبا بسیاربوده است . انتهی» درظرف چند سال اخیر مجدداً شهر ری روبآبادی رفته واکنون شهر نامبرده مرکز بخشداری واغلب ادارات دولتی وبانکها درآنجا شعبه دارند . بیمارستان فیروزآبادی درحضرت عبدالعظیم، این بیمارستان مجهز بتمام وسایل جدید دارای کلیه بخشهای جـراحی ، داخلی ، مسری ، گوش وحلق وبینی ، چشم پزشکی ، دندان پزشکی وغیره

چندین سال است که دایرشده و بیماران بی بضاعت اطراف درآنجا مجانی معالجه و بستری میشوند. جمعیت آن درسال ۱۳۲۱ — ۱۶،۵۷۰ نفر بوده است .

دهستان غار ۱۴۰ قریه دارد که فقط یك قریه آن درکوهستان و بقیه درجلگه واقع است ، هوایش معتدل و برای زراعت ازمازاد آب رودخانه های کن وکرج استفاده نموده و بعلاوه هریك ازدهات قناتی مخصوص بخود دارند ، محصول آن غلات ، حبوبات، چغندر، پنبه مخصوصاً سبزیکاری وصیفی کاری آن زیاد است .

دردهات غار گله داری و گاوداری معمول است ویك قسمت ازشیر وماست مصرفی شهر تهران ازآنجا تأمین میشود، اخیراً باغهای جدید احداث واشجارمیوه زیادی دردهات این دهستان غرس شده است . دردهستان مزبور یك دبیرستان و ۲۲ دبستان و ۱۴ مکتب خانه دایراست .

ازسال ۱۳۱۳ کارخانه بزرك سیمانسازی درنزدیکی قریه دولت آباد شروع بکار نموده وبا دودسته کارگر که تعداد بیشتراز هزار نفراست شبانه روز مشغول کار میباشند کارخانه هـای دیگری دراین دهستان هست که شرح آن بعد بیاید .

دهستان فشاپویه ازشمال محدوداست به **غار** ازجنوب بدریاچه **قم** وکویر ازخـاور بدهستان **ورامین** ازباختر بدهستان **شهریار** وکوههای حسن آباد و **کنارگرد** (ازشمـال باختری بجنوب خاوری) این دهستان امتداد یافته، مازاد آب رودخانه های کرج ،کن ورودشور ازدهستان مزبور میگذرد ولی بیشترآب زراعتی دهات فشاپویه بتوسط قنوات که درمحل حفر شده تأمین میشود ، دهستان فشاپویه دارای ٥٤ قریه است که دوقریه آن درکوهستان وبقیه در جلگه واقع وهوای آن معتدل متمایل بگرمی است ، محصول آن غلات ، حبوبات ، پنبه، چغندر، صیفی کاری و سیب زمینی میباشد واشجارآن بیشتر انار وانجیر وسایر میوه ها کمتراست، تربیت حیوانات اهلی و طیور خانگی هم بین ساکنین دهات معمول میباشد ، دراین دهستان سه دبستان دایر است .

۷ - بخش کن

مرکز این بخش کن در ۱۴ کیلومتری شمال باختری پایتخت وابتدای دره سولقان دامنه کوه است ، سردسیر، جمعیت آن درحدود پنجهزاروپانصد نفر، شیعه وازپنج محله بنام سرآسیا، اسمعیلیان ، درقاضی ، میانده ، بالون تشکیل میشود این محلات درخاور رودکن محصول عمده آن توت وانجیر وانار ، صیفی کاری وغلات است .

ادارات دولتی آن : بخشداری ، دسته ژاندارمری ، نماینده بهداری ، آمـار ، پست ، محضررسمی ویك دبستان شش کلاسه دارد .

ازآثار قدیمی چند تکیه ، دوچنارکهن ، علاوه برآب رودخانه هفت قنات دارد .

حدود **کن، سولقان، ارنگه ولورا** ازشمال بخاك **مازندران** وازجنوب بدهستان **غـار** ازخاور بشمیران وحومه تهران ولواسان و ازباختر به **ساوجبلاغ و شهریـار** محدود است .

اراضی این دهستان در دره کن که ازکوههای **رندان** و **سنگان** شروع شده واقع واین دره نسبتاً خشك است وفقط دربهار سیلاب زیاد داردکه پس از مشروب نمودن قسمتی ازمزارع غار وفشاپویه بوسیله قم میریزد .

اراضی **ارنگه** و **لورا** دردره وسطی رودکرج ودره **شهرستانك** واقع ورودخانه کرج ازگچسر در شمال تا **حصار** درجنوب وازدهستانهای مزبورعبورمینماید وآبهای دره شهرستانك درمحلی موسوم به دوآب وارد رودخانه کرج میشود .

دره **ارنگه** دارای مناظری زیبا و باغهای متعدد واشجارزیاد بوده وراه مخصوص چالوس ازکناررودخانه کرج ازدهستان ارنگه ولورا عبورمینماید. دهستان نامبرده دارای ۲۱ قریه است که بین دهستانها تقسیم میشود .

الف) دهستان **ارنگه** مرکز آن بهمین نام ۲۲ کیلومتری شمال خاوری کرج ، کوهستانی، سردسیر ، سکنه ۷۸۸ نفر . شیعه فارسی ، دو دبستان دارد ، مسجد و تکیه و سه چهار بقعه قدیمی دارد .

این دهستان دارای ۳۱ قریه است کـه همگی درکوهستان واقعند برای زراعت ازآب رودخانه کرج وچشمه سارهـا استفاده مینمایند وبواسطه کمی زمین زراعتی غله آن کـم است بیشترمحصول آن سردرختی واشجار میوه ودرمراتع آن گله های گوسفند و گاو نگاهداری میشود.

ب) **گن وسولقان** ــ سولقان یك فرسخ شمال کن و ۱٦ کیلومتری شمال شوسه تهران ــ قزوین ، کوهستانی ، سردسیر، سکنه آن ۱۵۰۰ نفر ، شیعه .

دهستان کن وسولقان از ۲۱ قریه تشکیل شده که ۹ قریه آن کوهستانی وسردسیر و ۱۲ قریه آن درجلگه واقعست ، هوای آن معتدل وبرای زراعت ازآب رودخانه وقنات وچشمه سارها استفاده مینمایند . محصول آن غله ، حبوبات ، صیفی کاری ، چغندر وپنبه است . باغها واشجار فراوان دارد، مخصوصاً درقصبه کن انار وانجیر بحد وفور بدست میآید .

درشمال کن وسولقان وسنگان وکیگا وبقعه امامزاده داود است، که درتابستان عده زیادی ازاهالی تهران برای زیارت و انجام نذورات بآنجـا میروند ، ولی جاده شوسه تاپونجه زار بیشتر کشیده نشده دراین دهستان ٤ دبستان ودومکتب خانه دایراست .

ج) **لورا وشهرستانك** که از ۱۹ قـریه تشکیل شده هوای آن سرد ویلاقی است برای زراعت ازآب رودخانه وچشمه سارها استفاده مینمایند، هوای آن سرد ویلاقیست، اراضی زراعتی آن کم وبیشتر باغ واشجارمیوه دارد .

ازقراء معروف این دهستان یکی **شهرستانك** است که خیلی قدیمی بوده و شکارگاه و ییلاق تابستانی ناصرالدینشاه بوده است .

و دیگری **گچسر** که درابتدای تونل **کندوان** واقع شده واخیراً مهمانخانه آبرومندی درآنجا بنا شده ، اهالی تهران درتابستان برای استفاده ازخنکی هوا ومناظر طبیعی درآنجـا گردش واستراحت مینمایند .

دهات لورا وشهرستانك بین دودره واقع شده : اولی دره سرچشمه رودخانه شهرستانك که ازقله توچال شروع شده و آبشارهای زیبا ومتعددی دارد ، قریه شهرستانك را ازاطراف محصور وبتوسط گردنه های صعب العبور بسایر نقاط مربوط میسازد ، دررودخانه شهرستانك ماهی قزل آلا فراوان دیده میشود .

دیگری دره لورا که سرچشمه اصلی آبهای جاری دراین دره کوههای **گلون بسته** میباشد وآبهای آن درنزدیکی کندوان درقریه گچسر باآبهای کندوان یکی شده بطرف جنوب سرازیر

ودر دو آب برود شهرستانك اتصال یافته ، رودخانه اصلی کرج را تشکیل میدهد ، دراین دهستان فقط یك دبستان دولتی دایراست .

۸ ـ بخش لواسان

دهستان لواسان و رودبار قصران ـ ازشمال محدوداست بخاك مازندران ، از جنوب بشمیران ، ازخاور بدماوند ولاریجان ازباختر به کن وشهرستانك . کوه‌کلون بسته ازشمال لواسانست وازسه طرف سه رودخانه جاری میشود : یکی دره **رودبار** که سرچشمه های جاجرود را تشکیل میدهد وازجنوب لواسان میگذرد ، دیگری دره لورا وشهرستانك که رودکرج را تشکیل میدهد، سومی **رودلار** که ازدره لارگذشته وبدریای مازندران میریزد. هریك ازقسمتهای این دهستان بوسیله گردنه های سخت که درزمستان مسدود ازبرف است بهم متصل میشود مانند **گردنه افجه** بین رودبار ولار وگردنه **خرسنك** بین رودبارو شهرستانك، گردنه **قوچك** بین رودبار وشمیران که اخیراً جاده شوسه ازاین گردنه به **شمشك** میرود وگردنه **توچال** بین لواسان وتهران .

اراضی **لار** که درشمال خاوری واقع شده بواسطه ارتفاع زیاد وبرف و سرمای شدید آبادیش کم ولی دارای مراتع وسیع درکنار رودخانه لار بوده وچراگاه طبیعی (که پهنای آن ۷ کیلومتر ودرازای آن ۶۰ کیلومتراست) تشکیل داده ودرتابستان بیشتر گوسفند داران اطراف تهران وچادرنشینان برای استفاده ازمرتع مزبور بدره لار میروند .

رودخانه لار دارای چشمه های متعدد مانند **ملك چشمه** و**سفیدآب** و**چهل چشمه** است عرض این رودخانه در دره لار زیادتراز رودهراز است ولی درآن درخت دیده نمیشود ودرکوههای آن حیوانات وحشی ودرنده وشکار فراوان است و ارتفاع این دره ازدریا قریب سه هزارمتراست . بعضی جاده‌های کاروانرو بین لواسان و مازندران ازاین دره میگذرد ، در اغلب نقاط آن رگه‌های زغال سنك درسطح زمین نمایان ودربالای خطالرأسهای بعضی رشته کوههای آن آثار خرابه‌های قدیمی دیده میشود .

دهات **لواسان** درشمال **جاجرود** واقع مزارع متعدد مشروب میشود و در قسمت رودبار چشمه سارهای متعدد جاری و ازسه دره بنام **فشم** ودره **میگون** ودره **آهار** آب جاریست که پس‌از اتصال برودخانه **جاجرود** از **لشگرك** بطرف لواسان کوچك جریان یافته **ورامین** را مشروب میکند .

درزمان پهلوی فقید درنظربود درلشگرك باایجاد سد ، آب وبرق تهران تأمین شود ولی چون هزینه آن زیاد میشد طرح آن متوقف ماند .

دهستان نامبرده از ۹۱ قریه تشکیل شده که بین بلوك مشروحه زیر تقسیم شده‌است :

الف) دهستان **رودبارقصران** که دارای ۱۵ قریه وهمگی درکوهستان واقع وهوای آن سرد وئیلاقیست وبرای زراعت ازآب رودخانه وچشمه سارها استفاده مینمایند محصول آن غلات ، حبوبات و مخصوصاً میوه های سردسیریست ، درتابستان عده زیادی اهالی هنگام شدت گرما ازتهران بدهستانهای آنجا پناه میبرند، دراین دهستان ۳ دبستان دولتی و۱۳ مکتب‌خانه

دایراست . درقریه شمشك معدن زغال‌سنك موجود است‌که توسط بانك صنعتی باآخرین‌اسلوب فنی ازآن زغال‌سنك استخراج میشود .

ب) **دهستان سیاه‌رود** از۳۲ قریه‌کوهستانی تشکیل شده که هوای آن سرد وبرای زراعت ازآب رودخانه وچشمه سارهای متعدد استفاده‌مینمایند، محصول‌آن‌گندم، جو، سیب‌زمینی وحبوبات میباشد ، باغهای میوه فراوان دارد ، اشجار چنار ، تبریزی ، افرا ونسارون بسیار است ، تربیت حیوانات اهلی وپرنده های خانگی معمول‌است. دراین دهستان شش‌مکتب‌خانه دائر است .

ج) **لواسان بزرك** ــ دارای ۱۳ قریه‌کوهستانیست‌که هوای‌آن سرد ویلاقی وبرای زراعت ازآب رودخانه وچشمه استفاده مینمایند ، محصول آن غلات ، حبوبات ومیوه میباشد . در مراتع آن گله هــای گوسفند نگاهداری میشود . دراین دهستان یك دبستان دولتی وه مکتب دایر است .

د) ــ لواسان‌کوچك از۳۱ قریه‌کوهستانی تشکیل‌میشود هوای آن سرد ویلاقی وبرای زراعت ازآب رودخانه وچشمه سارها استفاده مینمایند . محصول‌آن غلات ، حبوبات ومیوه‌های سردرختی است مرکز آن قصبه **افجه** است دراین دهستان سه دبستان و سه مکتب خانه دایر است . جمعاً ۲٤ دبستان ویك دبیرستان .

۹ ــ بخش ورامین

دهستان ورامین از شمال محدود است به لواسان ازجنوب به **کویر و مسیله** ازخاور بــه **گرمسار** وازباختربه **غار وفشاپویه** درشمال‌آن **سیاه کوه** ودنباله‌کوه سه پایه قرار گرفته ورودخانه جاجرود از دره‌های آن‌کوه میگذرد، اراضی‌ورامین تماماً ازرسوبات رودخانه تشکیل شده وبهمین مناسبت فوق‌العاده حاصلخیزاست .

رود جاجرود پس‌ازگذشتن از**پارچین** در**کبودگنبد** بچند شعبه مجزا ازیکدیگرتقسیم شده وهریك ازآنها بمصرف آبیاری قسمتی ازاراضی ورامین میرسد ــ۱ــ تقسیم آب جاجرود

مرآت‌البلدان مینویسد :

۱ ــ «جاجرود دره‌ایست درچهارفرسخی تهران براه مازندران وشکارگــاه معروف»
«سلاطین قاجار بود فتحعلیشاه درسال ۱۲۱۳ هجری بنای عمارت‌کاروانسرا درجاجرود دستور»
«داد وچون برای توقف اوموقع شکار محلی نداشتند درکنار آبادی معروف به **شکربیك**»
«بنائی درجنب سنگی برای اوساختند درهرسال‌دوسه مرتبه برای شکارکبك وتیهو بجاجرود»
«میرفت وبطهران بازگشت میکرد ، محمدشاه قاجار نیز سالی‌یکی‌دو بار باین‌شکارگاه میآمد»
«ودرسمت غربی دره بساختن قصرعالی مشتمل برحرمخانه ودیوانخانه وحمام وباغ‌هم دستور»
«داد درکوههای نزدیك این‌قصر گله‌گله قوچ ومیش‌وحشی‌که بادغالی موسوم‌است وبزکوهی»
«وتکه یافت میشود وازخوزستان واماکن‌گرمسیر بفرمان شاه **دراج** آوردند و درجاجرود»
«رهاکردند واین دراجها بومی شده زاد وولد زیاد نمودند وبعداً نیزازمازندران **مرال و** »
«ازسمت خراسان ویزد چندتن‌گورخرآوردند ودرجنگل جاجرود سردادند . رود جاجرود از»
«مغرب بمشرق جاریست ودرکلمه **جائیج** شرحی ازآن نگاشته شده ، دردومعبراین‌رودخانه »»

بین کلیه دهات ورامین بطورمتساوی نیست وفقط دهاتیکه ازسالهای پیش دارای حق آبه اند ازرودخانه جاجرود هستند ازآب آن استفاده مینمایند ، ولی موقعیت خاك ورامین طوریست که اگر آب رودخانه بقدرکافی باشد تمام دهات سیراب میشوند . پهنای این دهستان ازخاور بباختر ۳۶ کیلومتر، مرکزآن شهرورامین ، جمعیت آن درحدود چهارهزار نفر است .

ورامین ازقراء کهن ایرانست که درکتب وتواریخ اسم آن زیاد برده شده .

نزهة القلوب درمورد ورامین میگوید «ورامین درماقبل دیهی بوده است واکنون قصبه»
«شده ودارالملك آن تومان گشته ، طولش ازجزایر خالدات (عزکه) وعرض آن ازخط استوا»
«(له لط) ، درآب وهوا خوشتراز ری است ودرمحصول غله وپنبه بی مانند ، اهل آنجا شیعه»
«اثنی عشری اند وتکبر برطبعشان غالب است . انتهی» .

ازآثار وابنیه قدیمی درورامین : امامزاده یحیی ، مسجد ورامین ، بـرج علاءالدین و قلعه ایرج وغیره که درمحل مشهور ومخصوصاً مسجد ورامین ازحیث قدمت وآثارمعماری قابل توجه میباشد ، درداخل مسجد مزبورکاشی هائی بکاررفته که دارای جلدی فلزیست وقسمتی از آنهارا دزدیده اند ، بنای مسجد متعلق به سه دوره مختلف است ، بنای اصلی در دوره سلجوقیان و تاریخ آن قرن ششم هجری است وقسمتی که دارای گنبد مخروطی است از آثار دوره غزنویان ، قسمتهای دیگری که این دوبنارا بهم متصل نموده جدیدتراست ، وبرای ساختن قسمت سوم مقداری ازکاشیهای قدیمی داخراب ودوبنارا بهم وصل کرده اند و کاشیهای ایـن بناها دارای جلدی فلزی میباشد که درنوع خود بی نظیر ودربناهای قدیمی ایران کمترکاشیهائی بظرافت کاشیهای امامزاده یحیی دیده میشود ،کاشیهای مسجد مزبور سه نوع است .

کاشیهای رنك ،کاشیهای برنجی رنك ،کاشیهای قرمزرنك مانند مس واین کاشیهارا در تزئینات داخل محراب وسقف بکاربرده بطوری باهم ترکیب نموده اندکه ازلحاظ صنعتی فوق العاده جالب توجه میباشد ، بعقیده بعضی ازمتخصصین این کاشیها ازکاشیهای مساجد آسیائی و بناهای ایطالیا بهتر ونفیس تراست وچون دراطراف این ابنیه در دوره مغول هم ساختمانهائی شده ممکن است طول مدت تکمیل آنهارا ازابتدای سلجوقیان تاآخردوره مغول دانست . یك برج خرابه درآنحدودودیده میشودکه کتیبه آن ازکاشی وزمینه آجری دارد . این بنا واسطه بین معماری زمان **مغول** ودوره **آق قویونلو** وقره قویونلواست ازقرار معلوم معماران ونقاشـان خارجی هم نقشه زیادی ازطرزبنا وکاشیکاریهای مسجد ورامین برداشته اند .

« * پل محکمی بسته شده یکی درمعبر **گلندوك** ولواسان ویکی دیگر حاجی میرزا بك از»
«فراشهای خلوت خانه های ناصرالدین شاه درمعبر بزرك مازندران ازراه **سرخ حصار** به»
« **بوم هند** دماوند ساخته است وخاصیت ایندو پل اینست که درایام بهار وطغیان آب از»
«مازندران بطهران وازآن بطبرستان ولواسانات ونوروکجور جلوگیری مینمایدوپلهای دیگری»
«نیز برروی اینرودخانه بسته شده است . دراغلب کوهها حیوانـات درنده مانند پلنك وخرس»
«وغیره هاست ــ ازطهران بواسطه دوراه بجاجرود میرفتند یکی ازراه سرخ حصار که راه»
«معمول جاجرود است کالسکه وعرابه الی قصرسلطنتی باکمال سهولت وآسانی میآید ، یکی»
«راه مخصوص وشکارگاه پادشاهیست . هیئت و موقع جاجرود طوری واقع شده که هنگام »
«تشریف فرمائی موکب شاهانه بملتزمین رکاب خوش میگذرد. انتهی»

شهر ورامین ازچند سال باینطرف روبآبادی گذارده مخصوصا ازتاریخ تاسیس کارخانه قند ورامین وکارخانه تصفیه روغن وایجاد مزارع نمونه ازطرف وزارت کشاورزی و تقسیم املاک پهلوی بین رعایا بااقساط کم و طویل المده برآبادی آن افزود (کارخانه قند ورامین که از سال ۱۳۱۷ شروع بکارنموده بود به محل دیگری انتقال یافت) محصول کارخانه روغن نباتی ۸۰۰ تن روغن درسال است .

دردهستان ورامین سه دبیرستان دولتی و۱۷ مکتب خانه دایراست دهستان ورامین که از۲۰۹ قریه تشکیل شده بین چهاربلوك بشرح زیربخش شده :

الف) **دهستان بهنام پازوکی** دارای ۳۵ قریه است که همگی در جلگه واقع شده وهوای آن معتدل کمی مایل بگرمی است برای زراعت از آب رودخانه جاجرود و قنـات استفاده مینمایند محصول آن غله ، حبوبات ، سیب زمینی ، چغندر وصیفی کاریست .

این دهستان محل قشلاق ایلات اطراف و زمستان گله های گاو و گوسفند در آن نگاهداری میشود .

ب) **دهستان بهنام سوخته** ـ دارای ۳٤ قریه است که سیزده ده آن در کوهستان ودارای هوای معتدل وبقیه درجلگه واقعشده وهوای آن کمی گرم است ، برای زراعت از آب رودخانه جاجرود وقنات استفاده مینمایند ، محصول آن غلات ، حبوبات ، سیب زمینی ، چغندر، پنبه وصیفی کاریست اشجارباغ میوه هم بسیار دارد .

ج) **دهستان بهنام غـرب** ـ دارای ٦۸ قریه همگی درجلگه وهوای آن گرم وبرای زراعت ازآب رودخانه جاجرود وقنات استفاده مینمایند ، محصول آن غلات وحبوبات بحدوفور وچغندر وپنبه وسیب زمینی، میوه، اشجار وصیفی کاری میباشد ، درمراتع آن زمستانها گله های گاو وگوسفند نگاهداری میشود .

د) **دهستان بهنام وسط** ـ از٦۳ قریه تشکیل شده ودرجلگه واقع وهوای آن کمی گرم وبرای زراعت ازآب رودخانه جاجرود وقنات استفاده مینمایند ، محصول آن غلات و حبوبات بحد وفور وچغندر وپنبه ، سیب زمینی ، صیفی کاری میوه واشجارمیباشد ، درمراتع این دهستان گله های گاو وگوسفند نگاهداری میشود .

بخش هفتم - سوانح وحوادث تهران

وقایع وحوادث تهران بسیاراست وشرح آن چندین جلدکتاب را اشغال مینماید آنچه ازنظر تاریخ مورد توجه است بطورخلاصه یادآورمیشویم :

قضیه رژی

ناصرالدین‌شاه درآخرین مسافرت خود دراروپا امتیاز انحصار تنباکو وتوتون ایرانرا در۱۳۰۸ هـ . ق برای مدت پنجاه سال بیك شرکت انگلیسی معروف به رژی REJY واگذار نمودکمپانی‌هم پس‌ازآمدن شاه بتهران مأمورین خودرا بشهرهـا و دهات فرستاد وشروع به جمع‌آوری و بسته‌بندی توتون گردید . مردم نزد علما رفتند وگفتند امروز تنباکورا انحصار نمودند فردا نمك پسفردا نان وآب وگوشت‌را بانحصار اجانب میدهند وپول‌آن خرج مسافرت فرنك یا نیاز خانمهای قشنك خواهدشد. مرحوم میرزای‌آشتیانی حکم بحرمت استعمال‌دخانیات کسرد بدین مضمون « بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم الیوم استعمال تنباکو وتوتون بای نحوکان درحکم محاربه باامام زمانست عجل‌اله فرجه . میرزاحسن شیرازی» این حکم درایران منتشرشد وهمه اطاعت کردند .

مردم نیز غوغا راه انداختند وجلوی قصرگلستان اجتماع نمودند و گویا بنایب‌السلطنه بی‌حرمتی نمودند . نایب‌السلطنه وارد ارك شد و دستورداد درب ارك را ببندند مردم هجوم آوردند آقابالاخان معین نظام‌که لقب سردارافخمی داشت (پدر سرلشکرخسروپناه) بسربازان افواج تحت امرخود دستور تیراندازی داد جمعی کشته شدند ولی‌غوغا فرونتشست ناصرالدینشاه بحاج میرزاحسن‌مجتهد آشتیانی‌که درتهران نفوذی داشت وقصد ترك‌ایران‌را نموده بودمراجعه و خواهش نمود که ازمسافرت منصرف شود و درنتیجه جلساتی که در اینمورد تشکیل دادند لغوامتیاز وشش‌کرورتومان‌خسارت‌کمپانی‌را دولت قبول‌کرد وچون‌پولی دربساط نبودگمرگات جنوب را نزد بریتانیای‌کبیرگروگذاردند . این اولین قرضه ایران باجنبی بود وبدبختی ملت ستمدیده ازاین‌تاریخ شروع میشود. شنیدم درآن هنگام این‌خبربمیرزای بزرك‌که اعلم‌مجتهدین ومقیم نجف بودند داده شد ایشان گریستند وفرمودند وای بحال ایران ، چون انگلیسها نقطه حساس ومقام نافذ را بدست‌آوردند جدیت خواهند نمودکه بین علما فساد ایجاد کرده وطبقه روحانی را مفتضح نمایند .

کشته شدن ناصرالدینشاه قاجار

ناصرالدینشاه چهارم پادشاه خاندان قاجاریه در۲۲ ذیقعده ۱۲٦٤ قمری بتخت سلطنت نشست بنابراین روز ۲۲ ذیقعده ۱۳۱۳ نیم قرن ازسلطنت اومیگذشت درشهرهای ایـران و نمایندگیهای اروپا مشغول تهیه جشن پنجاهمین سال پـادشاهی او بودند تشریفات مفصلی تهیه شده بود ، سکه های طلا ونقره یادگارجشن ضرب شده بود (یکی‌ازآنها نزدمن‌است . نگارنده) که سه روزپیش یعنی بعدازظهر روزجمعه۱۸ذیقعده ۱۳۱۳ هنگامیکه درحرم حضرت عبدالعظیم

بطرف حرم امامزاده حمزه میرفت بدست میرزا رضای کرمانی مقتول شد . معمول ایران بلکه کلیه کشورهای مشرق زمین چنین بود هنگامیکه پادشاه کشته میشد یا میمرد انقلاباتی درکشور روی میداد ، ولی کاردانی ودرایت صدراعظم (امین السلطان) موجب شد که مردم ازمرك ناصرالدینشاه درروزهای اول مطلع نشدند زیرا اونعش را درکالسکه نشاند وعینك بچشمهایش زد ومرتب بااو صحبت میکرد وگاهی درحین حرکت آب میطلبید وبدهان شاه مرده میگذارد.

میرزا رضا ازمرده واخلاص کیشان سید جلال الدین اسدآبادی (معروف بافغان) بود . اومردی بودکه بااساس سلطنت استبداد ایران مخالف بود بخصوص کینه ناصرالدینشاه را بدل داشت . بهرتقدیر میرزا رضای کرمانی درتهران (سوم ربیع الاول ۱۳۱٤) اعدام گردید دوستان او شیخ احمد روحی ومیرزا آقاخان کرمانی بمجرد ورود بایران محمدعلی میرزای ولیعهد در تبریز آنهارا گرفت ویك ماه قبل از اعدام میرزا رضا بافجیعترین وضعی آنهارا کشت. شیخ جمال الدین راهم مسموم نمودند .

انقلابات مشروطیت

علاءالدوله حاکم تهران بدستور عین الدوله صدراعظم در زمان سلطنت مظفرالدین شاه درروز دوشنبه ۱٤ شوال ۱۳۲۳ بعلت ترقی قند تجارقند فروش تهران را در اداره حکومتی احضار وبآنها اهانت فراوان نمود . وچند نفررا بچوب می بندد منجمله حاج سید هاشم تاجر معروف به سید قندیرا سخت میزند اینواقعه درتهران سروصدائی راه میاندازد. مردم قیام کرده وهیاهو راه میاندازندکه همین سروصدا منجر بمشروطه خواهی شد . سید جمال الدین واعظ در بالای منبر ازمشروطه وقانون وعدالتخانه ومجلس شورا صحبت مینمود سید محمد طباطبائی و سید عبدالله بهبهانی وشیخ محمد واعظ بیانات او را تائید وتصدیق میکردند ومرحوم شیخ فضل الله نوری بااین نوع مشروطه مخالف بود .

عین الدوله چند تن از خطبا وناطقین راکه معمولا معمم بودند تبعید نمود وخواست شیخ محمد واعظ راهم تبعید کندکه مردم دخالت وممانعت نمودند سربازان تیراندازی کردند سیدی کشته شد (۲۸ ربیع الاخر ۱۳۲٤ قمری) .

شاید اولین مرتبه بودکه بازارتهران بعنوان اعتراض برعلیه رفتار دولت بسته شد و مردم درمسجد جامع اجتماع کردند ـ تجار وپیشه وران درسفارت انگلیس (قلهك) بست نشستند تدریجاً اینعده درحدود شانزده هزارنفر شدند درشهرهم ولوله‌ای بود . اتابك مردم مسجدجامع رامحاصره نمود ازرساندن آب ونان جلوگیری کرد چندنفری کشته شدند علما بحضرت عبدالعظیم وقم مهاجرت کردند مردم هم باآنان هم آهنك شده پایتخت ازتجارواهل علم خالی شد . بالاخره صدراعظم تغییر کرد شاه‌که شخصاً خواهان مشروطه بود تسلیم شد ودرتاریخ ۲۰ ذیقعده ۱۳۲٤ قمری (پنج روزپیش ازمرك مظفرالدین شاه) قانون اساسی مشروطیت راپادشاه امضاء نمود و ولیعهد (محمد علی میرزا) نیزآنرا صحه گذارد وانقلابات تهران و تبریز و دیگر شهرستانها پایان پذیرفت .

بمباران مجلس شورای ملی

ازروزیکه محمد علیمیرزا بر اریکه سلطنت نشست وتاج کیانی بسر سرنهاد وخود بسه

مشیرالدوله گفت این تاج بسرمن سنگینی میکند زمزمه مخالفت بامجلس راآغاز نمود ومعتقد بودکه مجلس شورایملی باید بـاشد **ولی درسیاست دخالت نکند** به‌نصب وعزل‌وزراهم کاری نداشته باشد . لذا میرزا علی اصغرخان امین‌السلطان اتابك اعظم را که دراروپامشغول گردش وتفریح بود بتهران احضار وپس ازاستعفای مشیرالدوله اورا به نخست وزیری انتخاب نمود مردم ازاو ناراضی بودند زیرا قروضی‌ازبیگانگان‌گرفته وکشوررا مقروض‌کرده بوداز‌طرف دیگراورا همعقیده‌شاه میدانستند لذابدست عباس‌آقانامی درجلوی مجلس‌شورایملی‌اوراکشتند .

روزبروز روابط مجلس وملت بادربار وشاه تیره‌ترمیشد انجمن‌های‌ملی تشکیل‌مجاهدین انتخاب شدند . مسجد سپهسالار پربود ازمجاهد وانجمن شاه هم اوضـاع شهر را سخت دید به‌باغشاه نقل مکان نمود . شاپشال معلم روسی او ـ حسین پاشاخان امیربهادر وزیرجنگ اوـ پالکونیك لیاخوف فرمانده روسی قزاقخانه اورابرمقاومت دربرابرملت تشویق‌میکردند تااینکه جنگ رسمی شروع شد بختیاری های طرفداران شاه در اطراف تهران باقوای مجاهدین بریاست محمد ولیخان سپهسالار در نبرد بودند یکدسته دیگربختیاریهای ملی باسیلاخوریها وقزاق ها در پایتخت درگیر بودند روزپنجشنبه ۱٤ خرداد ۱۲۸۷ برابر ٤ جمادی‌الاول ۱۳۲٦ جنگ شدت پیداکرد مجلس بتوپ بسته شد ـ ملك‌المتکلمین ـ میرجهانگیرخان صوراسرافیل درباغشاه کشته شدند درتهران‌کشتار زیادشد بالاخره باقرخان و ستارخان تبریزی و قوای سپهسالار رشتی و بختیاریهای طرفدار مجاهدین وملیون قوای دولتی ومستبدین راشکست دادند روز۲۸ تیر۲۳ شعبان ۱۳۲٦ شاه و همراهانش به سفارت روس پناهنده شدند وملت احمد میرزاراکه‌کودکی بیش نبود درحالیکه ازترس‌گریه میکرد بشهرآورده وبپادشاهی انتخابـش‌کردنـد . درایـن گیرودار روس وانگلیس پیمان ۱۹۰۸ رامنعقد وایران رابین خود قسمت کردند .

کودتای ۱۲۹۹

دردوران‌کوتاه مشروطیت جوان هرج ومرج رواج گرفت بعضی ازجرائد و نویسندگان عفت قلم را رعایت نمیکردند ، ثروتمندان مالیات مقرره را نمیدادند ، پاره‌ئی ازقلدرها مانند شیخ خزعل وغیره زیر بار حکومت مرکزی نمیرفتند تقریباً تمام طبقات ناراضی بودند ، شاه نمیتوانست سلطنت‌کند لذا احمد شاه مرتب‌کسالت رابهانه کرده اروپـا میرفت ، دولت نمیتوانست حکومت کند وپیاپی سقوط میکرد تراکمه درشمال ، میرزاکوچك خان و احسان‌الله خان وخالو قربان درگیلان ، اقبال‌السلطنه درماکو ، سمیتقو درآذربایجان وکردستان طغیان کردند خلاصه درتمام اکناف واطراف ایران ناامنی وانقلاب بود .

تااینکه درنیمه شب دوشنبه سوم حوت ۱۲۹۹ نیروی قزاق که مأمور سرکوبی اشرار و متجاسرین‌گیلان بودند بموجب طرح تنظیم شده قبلی بفرماندهی رضاخان میرپنج (پهلوی فقید) بدون اطلاع واخطار قبلی تهران رااشغال نمودند . دراین هنگام نیروی پایتخت عبارت بود ازدوورژیمـان منظم (فوج ۱ یوسف‌آبـاد و۲ بـاغشاه) ویك باطالیون (گردان‌سوم) ژاندارم که‌کلنل‌گلرپ سوئدی ریاست آنهارا عهده دار بود ویك بریگاد (تیپ) سربازکه‌کلنل لومبرك سوئدی سرپرستی آنهـارا بعهده داشت و بریگاد فوق‌العاده بفرمـاندهی سردار انتصار (مظفر اعلم) وگارد نصرت وگارد اقدس (مأمورگلستان) ـ ۱ ـ و در حدود پانصد

---

۱ ـ نیروی پلیس جنوب‌عبارت ازدوتیپ منظم بفرماندهی انگلیسها درفارس وکرمان واصفهان بودند .

آژان (پاسبان) بریاست ژنرال وستداهل سوئدی .

نیروی ژاندارم که اصولا مداخله ودفاعی ننمود نیروی بریگاد یعنی سربازهاهم دراطراف خندق باختری شهر موضع گرفته بودند ولی بدون آنکه گلوله‌ای ازدهانه توپ یا تفنگ آنها خارج شود همان شبانه بادریافت حقوق عقب افتاده بسربازخانه مراجعت نمودند .

فقط پاسبانها که درجریان عمل نبودند هنگامیکه قزاقها خواستند نظمیه (شهربانی) و کمیساریـا (کلانتریها) را اشغال کنند مختصر مقاومتی نموده بآنهـا و قزاق ها چند نفری تلفات وارد شد .

درمیدان توپخانه (سپه) ازطرف قزاق ها دوتیرتوپ شلیک شد وسقف یکی ازاطاقهـای شهربانی خراب شد .

اهالی تهران که درخواب نازبودند دراثرشلیک توپ ورگبارمسلسل ازخواب پریده از همسایگان میپرسیدند چه خبراست مهتاب آنشب را خوب بخاطردارم که چقدر درخشان بود .

نگارنده صبح زود بخانه رئیس مدرسه نظام (مرحوم سرتیپ محمد باقر امیرنظامی) رفته ایشانرا درکالسکه خود نشانده بطرف مدرسه نظام (قسمتی ازکاخ دادگستری فعلی) روانه شدیم ولی درخیابان فردوسی یك وکیل‌باشی قزاق پرید جلوی کالسکه وپهلوی کالسکه‌چی نشست ومارا برد بقزاقخانه (ستاد ارتش فعلی) آنمرحوم رفت نزد میرپنج رضاخان پس‌از ده دقیقه بـرگشت قیافه آرام وخندانی داشت ، پرسیدم چه شده وچه باید بشود مرحوم خندید گفت هرچه هست خیراست فعلا مدرسه نظام سه روز تعطیل است .

سرتیپ وستداهل نیزهمانموقع بفرح‌آباد نزد احمد شاه رفته وکسب تکلیف نموده بود، احمد شاه گفته بود برای انتظامات شهر پاسبانها باقزاقها تشریك مساعی نمایند .

صبح همانروزدرجلوی دوازده دروازه شهرواطراف‌سفارتخانه‌ها یکعده قزاق ایستاده بود.

زندانیهای شهربانی آزاد شده بودند مسلسل‌ها درایوان شهربانی بحال‌حاضرباش بودند، مردم دچاربهت وحیرت غریبی شده بودند قریب یکصدنفر ازاعیان ورجال منجمله مرحوم مدرس ونصرت‌الدوله دستگیر وزندانی شدند .

عصر روزچهارم اسفند سید ضیاءالدین طباطبائی مدیرروزنامه رعد عمامه راکنارگذارد، سروصورت اصلاح کرده وکلاه پوستی برسر فرمان رئیس‌الوزرائی را دردست‌گرفته بطرف کاخ ابیض روان بود .

آقای حسین‌مکی درکتاب خود مینویسد :

روزچهارم حوت نزدیك غروب بامأموریتی‌که ازطرف سید ضیاءالدین ورضاخان میرپنج بسرهنگ باقرخان(مرحوم سرهنگ باقر نیك اندیش معروف به باقربی ـــ نگارنده) داده شده‌بود بکاخ فرح‌آباد میرود وتقاضای تشرف بحضورشاه مینماید ، شاه اورا بارمیدهد .

شاه همینکه فهمید نماینده پیشوایان‌کودتاست پرسید :

شماها چرا بطهران آمدید ؟!

جواب داد : بمنظورتقویت حکومت مرکزی واجرای اوامر اعلیحضرت همایونی .

شاه پرسید : این رضاخان میرپنج کیست وچطورآدمی است ؟

ـــ شخصی‌است‌کاملا شاهدوست و وطنپرست .

شاه : پس‌میگویند شما بالشویك شده‌اید ؟

ـ خیر . قربان ، خلاف عرض کرده‌اند ، ماهمه شاهدوست و وطنپرست هستیم وبـرای اجرای اوامر اعلیحضرت همایونی وحفظ استقلال وطن حاضر بجانبازی میباشیم .

شاه : پس چرا بدون اجازه من حرکت کردید .

قربان ، اولا باآنکه مدتی مدید در سنگرها وبیابانها تاآنجاکـه توانستیم فداکاری و جانبازی کردیم ، جراید هوچی مرکزی جانفشانی‌مارا منظور نداشتند وهمه گونه تهمت بمامیزدند، اینك آمدیم که مراتب را بعرض خاکپای مبارك برسانیم واستدعاکنیم که سربازهای شاهدوست بیش‌ازاین طاقت توهین ندارند .

دوم اینکه حکومت مرکزی را تقویت کنیم تااوامر شاهنشاه درتمام کشور بدون هیچگونه تأملی اجرا شود «دراینموقع ولیعهد واردشد وتعظیم کرد ، شاه اشاره کرد وولیعهد بطرف‌مشرق اطاق رفت وایستاد» .

سوم آنکه ماخودرا برای سرکوبی‌یاغیان ودشمنان شاه ودولت‌حاضر کرده‌ایم وآماده‌ایم قشون منظمی تشکیل‌دهیم .

شاه : شماکه چنین نیت واراده‌ای دارید چرا شب پیش بازار را غارت کردید «گویـا شب پیش دراثر نزاع بین قزاقها ویکنفر زرگر جعبه آئینه زرگـر شکسته ومقداری طلاهای او حیف ومیل شده بود ـ نگارنده» .

خیر، قربان خلاف‌عرض شد . اینهم یکی ازهمان موارد است که حقیقت را برخلاف عرض کرده‌اند (صدق‌السلطنه که باسرهنك شرفیاب بود تصدیق نمود) .

شاه : دراینصورت خاطرما خوشوقت است .

سرهنك باقرخان اظهارکرد غیرازاین نیست ، شاه اظهارکرد خیلی‌خوب بروید .

بعد سرهنك باقرخان عرض کرد ، استدعائی‌هم دارم : اگراجازه بفرمائید بعرض‌برسانم ، شاه گفت بگو . سرهنك باقرخان اظهارداشت برای اینکه خاطرمبارك آسوده‌گردد بایستی‌دولتی تشکیل وجبران گذشته بشود .

شاه پس‌از اندکی تفکر وقدم زدن میگوید : خیلی‌خوب ،کی را درنظر دارید ، سرهنك باقرخان اظهارداشت بعقیده غلامان : سید ضیاءالدین مدیر روزنامه رعـد بدنیست . شاه باز اندکی‌تأمل‌کرده ودندان را برروی‌لب فشارداد وباقیافه‌گرفته شروع بقدم زدن کرده گفت بگوئید بکابینه حکم اورا بنویسند ...

«نظر باعتمادیکه بحسن‌کفایت وخدمتگذاری جناب میرزا سیدضیاءالدین‌داریم ، معزی‌الیه»
«را بمقام ریاست وزراء برقرار ومنصوب فرموده واختیارات تامه برای انجام‌وظایف ریاست»
«وزرائی بمعزی‌الیه مرحمت فرمودیم . جمادی‌الثانی۱۳۳۹» .

دستخط زیر نیز روز سه شنبه ٤ حوت ازطرف احمد شاه ازقصر فرح‌آباد صادر ومقرر گردیدکه بتمام ایالات وولایات مخابره شود .

«حکام ایالات وولایات درنتیجه غفلت‌کاری و لاقیدی زمامداران دوره‌های‌گذشته که»
«بی‌تکلیفی عمومی وتزلزل امنیت وآسایش را درمملکت فراهم نموده ، ما وتمام اهالی را از»
«فقدان هیئت دولت ثابتی متأثر ساخته بود مصمم شدیم‌که بتعیین شخص دقیق خدمتگذاری کـه»
«موجبات سعادت مملکت را فراهم نماید ببحرانهای متوالی خاتمه بدهیم» .

«بنابراین باقتضای استعداد ولیاقتی‌کـه درجناب میرزا سید ضیاءالدین سراغ داشتیم»

«هموم خاطرخودرا متوجه معزی‌الیه دیده ایشانرا بمقام ریاست وزراء انتخاب واختیارات‌تامه»
«برای انجام وظایف خدمت ریاست وزرائی بمعزی‌الیه مرحمت فرمودیم . شهر جمادی‌الآخر»
«۱۳۳۹ احمد شاه» .

رئیس‌الوزرا و رئیس دیویزیون قزاق هریك‌اعلامیه‌های‌مفصلی انتشاردادند قوام‌السلطنه والی خراسان توسط مرحوم کلنل محمدتقی‌خان وصارم‌الدوله والی کردستان دستگیر وبتهران فرستاده‌شد مصدق‌السلطنه والی‌فارس بحکومت کودتا تن‌در نداده ودربین خوانین بختیاری مخفی‌شد.

جمهوری

چندی بودکه ازایالات وولایات تلگرافاتی ازطرف مـردم (کـه قطعاً برحسب اشاره مأمورین دولت مخصوصاً نظامیان بود) بمرکزمخـابره وازسلطنت قاجاریه مخصوصاً احمد شاه اظهارتنفرنموده وتقاضای جمهوریتی مینمودندکه سردارسپه رئیس‌آن باشد واین‌عمل بیشترتقلید ازجمهوریت ترکیه وریاست جمهوری مصطفی‌کمال‌پاشا (آتاتورك) بود . بدیهی است دولت و سفیرشوروی دراین‌مورد بیکارننشسته وتبلیغاتی بنفع سردارسپه مینمودند .

درتهران‌هم اجتماعاتی میشدکه رهبرآنها سهراب زاده بود مجلس‌شوراهم جمعی ازوکلا برهبری مرحوم سید محمد تدین بااین نغمه هم‌آواز ودمسازشدند کارجمهوریت‌کم‌کم بالاگرفت تااینکه حتی‌روزجمعه اول فروردین سردارسپه وارتش ومأمورین‌دولتی بسلام محمدحسن‌میرزای ولیعهد (آن هنگام احمد شاه درفرنگستان بود) نرفتند وسلام آنسال دربارخیلی تق ولق بود .

روز دوم حمل۱۳۰۳ که‌گویا مصادف بامیلاد مسعود حضرت حجة (ع) بود جمعیت زیـادی درحدود سی‌هزارنفر (که قسمت اعظم آنها مخالف جمهوری بودند) باشعارهای جمهوری وضد جمهوری بمجلس‌آمدند آن هنگام من دانشجوی دانشکده افسری بودم و بـالباس مبدل دراین تظاهر بیطرفانه شرکت نموده وخودرا بداخل‌مجلس رساندم .

داخل مجلس ومحوطه جلوی بهارستان مملو ازجمعیت بود حاج‌آقا جمال واعظ اصفهانی وخالصی‌زاده که ازمخالفین سرسخت جمهوری بودند سوار برالاغ بمجلس آمدند . ساعت چهار بعدازظهر سردارسپه کـه تنها در درشگه نشسته بود بمجلس‌آمد سربازان جلوی بهارستان ادای احترام نمودند وجمع قلیلی فریاد زدند **زنده‌باداعلیحضرت سردارسپه رئیس‌جمهور** ولی فوراً مورد ضرب وشتم مردم واقع شدند .

درداخل مجلس‌هم بطرف سردارسپه آجری پرتاب شدکه بدستورایشان سربازان بمردم حمله‌کرده عده‌ئی را کتك زدند الاغ حاج‌آقا جمال دراثرضربات سرنیزه سقط شد عده زیادی ازمردم بکلانتری‌که درمحوطه بهارستان بود جلب وبقیه مردم پراکنده شدند .

سردارسپه هم بطرف سرسرای مجلس روان‌گردید ، مؤتمن‌الملك رئیس مجلس باتغیر و تشدد زیـاد بایشان گفت : این حرکات چیست ، چـرا سربازان مردم را در خـانه خودشان کتك میزنند .

سردارسپه جواب داد: من‌رئیس‌دولتم حفظ انتظامات وجلوگیری ازاغتشاشات بامن‌است.

رئیس مجلس‌گفت : تورسمیت نداری ، الآن تکلیفت‌را روشن میکنم درحـالیکه ازشدت تغیر میلرزید ، فریاد زد: سید محمود زنك مجلس‌را بزن تاتکلیف رئیس‌دولت را معلوم‌کنم .

سردارسپه‌که دید قـافیه را باخته بـاکمك وکلای موافق خود درصدد رفع ورجوع و

استمالت برآمد . باطاق علما و نمایندگان اصناف تهران که دریکی ازاطاقهـای مجلس نشسته بودند رفت و گفت :

حال که ملت ایران جمهوری نمیخواهد منهم اصراری ندارم ، ولی آقایان باید تکلیف من واحمدشاه را معین کنند زیرا بااین ترتیب دیگرمن نمیتوانم بااو کار کنم .

دراین هنگام جمع زیادی باچوب وچماق بمجلس ریخته وباشعار ما دین نبی خواهیم ــ جمهور نمیخواهیم آقایان علما را بمنزلشان رساندند .

سردارسپه به بوم هن رفت و برحسب اصرار وکلا چندروز بعد بقم عزیمت نمود وازعلمای مقیم قم (عدةازعلمای تهران هم بقم رفته قصد مهاجرت را داشتند) ازآقایان علما تحبیب نمود و قول داد دیگر دراطراف تغییررژیم وتبدیل سلطنت بمشروطه اقدامی نکند و پس از مـراجعت بطهران بیانیه‌ای هم دراین خصوص صادرنمود اینك قسمت اخیرآن بیانیه : «... اینستکه بتمام» «وطنخواهان وعاشقان آن منظورمقدس نصیحت میکنم که ازتقاضای جمهوریت صرفنظر کرده» «و برای نیل بمقصد عالی که درآن متفق هستیم باهم توحید مساعی نمائیم» .

رئیس الوزرا وفرمانده کل قوا ــ رضا

قتل ماژور ایمبری کنسول امریکا در تهران

موضوع امتیازنفت شمال درمجلس شورایملی مطرح بود وکمپانیهای امریکائی بـرنده شناخته شده بودند . دراین ضمن شهرت پیداکرده بود سقاخانه آشیخ هادی معجزه کرده ومردم برای تماشا اطراف آن جمع ومعدودی تظاهرات مذهبی میکردند بازارومحلات را بهمین مناسبت چراغانی کـردند دسته هائی ازمحلات دیگر بطرف سقاخانه میرفت شعار بعضی ازآنها این بود «سقاخانه شیخ هادی ازمعجز ابوالفضل کورشده چشم بابی» .

بعدازظهرجمعه ۲۷ سرطـان ۱۳۰۳ (۱۵ ذیحجه ۱۳٤۰) ماژور ایمبری iMBRiE مادرمرده ازهمه جا بی خبر بقصد عکس برداری ازاداره کنسولگری (محل بیمارستان رضانورفعلی) بادوربین عکاسی بحدود سقاخانه آمدکه ازاین اجتماع عکسبرداری نماید . مردم ازعکس برداشتن جلوگیری میکنند آن بدبخت سرسختی میکند دراینموقع آن دستی که باید فوراً دخالت کرده و مردم را تحریك مینماید مردم بطرف کنسول ورفیقش هجوم آورده ولی آنها بداخل درشکه‌ای پریده بطرف خیابان استخر فرارمیکنند ولی مردم دست ازتعقیب برنداشته باچوب وسنك اورا مجروح میکنند بالاخره کنسول را بااتومبیل ببیمارستان شهربانی میبرند ولی ازدحام مردم بآنجاهم رفته وکاراورا یکسره میکنند اینموضوع درجهان بشریت غوغائی راه انداخت ودرتهران چندنفر محرك اعدام شدند ودولت ازدولت امریکا عذرخواهی نمود وحکومت نظامی درتهران اعلام شد.

بلوای نان

چندی بودکـه محرکین قصد داشتند برعلیه دولت سردارسپه سروصدائـی راه بیاندازند ، تصادفاً درسال ۱۳۰٤ موضوع نان تهران بعلت کمی غله کمی سخت شده بود روزچهارم مهردختر حاجی کلانترنامی چادر دورکمر وروبنده دورگردن پیچیده چوب بلندی دست گـرفته عده‌ئی از زنهای چاله میدان را برداشت فریاد الجوع الجوع بلند کـرد . بطرف بهارستان روان شدند مردم هم بآنها تأسی جسته درعقب سرآنان رهسپارشدند بطوریکه جلوی مسجد که رسیدند قریب دوهزار زن وهشت هزارمرد بودند .

مرحوم مدرس که آنموقع طرفدار سردارسپه بود (پهلوی فقید دراینموقع نخست وزیر ایران بود) بدولت اطلاع میدهد که ازغائله و هجوم مردم بمجلس جلوگیری کند سردارسپه بمجلس آمده درحالیکه پهلوی مدرس قرارگرفته بود مدرس هرچه مردم را نصیحت کرد مؤثرواقع نشد لذا بسردارسپه اجازه تیراندازی داد بدواً چند رگبارمسلسل روبهوا شد ولی چندنفری فریادزدند مردم نترسید این تیرها پنبه‌ایست بزنید بکشید اینها مارا ازگرسنگی خواهندکشت مردم باسنگ وچوب بطرف سربازان حمله کردند مجدداً چند تیربطرف جمعیت شلیك شدکه یکنفرسیدکشته و چندین نفر مجروح شدند. مجدداً حکومت نظامی اعلام وجمعی بنام محرك دستگیروتبعید شدند.

خلع قاجاریه و پادشاهی رضا شاه کبیر

هنگامیکه سردارسپه ازجمهوریت مأیوس ومنصرف شد بیکارننشست ودست باقدامات و تبلیغاتی برعلیه احمد شاه‌زد وسودای سلطنت را درکله‌اش پروراند مردم‌هم بطورکلی ازخدمات او مخصوصاً امنیت کشور وسرکوبی اشرارو یاغیان فوق‌العاده راضی وازاحمدشاه وسلسله قاجاریه تنفرداشتند. زیرا دردوران سلطنت این هفت پادشاه لطمات زیادی بکشور وارد شده بود قفقاز ازدست رفت. افغانستان ازایران مجزا شد وخیلی صدمات دیگر...

این بودکه درسال ۱۳۰۴ کم‌کم فکرخلع قاجاریه درمغزها پیدا شد ومأمورین دولت و عمال آنها درتقویت این‌فکرکوشا بودند، مجلس پنجم هم غالب وکلایش ازبرگزیدگان دولت و طرفداران سلطنت سردارسپه بودند مدتها دراطراف آن صحبت شد تادرجلسه پنجشنبه هفتم ابان طرحی بامضاء عده زیادی ازوکلا دایربخلع قاجاریه پیشنهاد شد. آنروزمذاکرات بنتیجه نرسید و مخالفین مجلس را (بعلت تیراندازی جلوی مجلس و کشته شدن واعظ قزوینی) از اکثریت انداختند.

مجلس سه ربع ساعت پیش‌ازظهرشنبه نهم آبان تشکیل شد (مؤتمن‌الملك حاضرنشد وسید محمد تدین نایب رئیس مجلس را تشکیل داد) وپس‌ازمذاکرات زیاد ماده واحده باکثریت‌آراء تصویب شد:

«مجلس شورای ملی بنام سعادت ملت، انقراض سلطنت قاجاریه را اعلام و»
«حکومت موقتی را درحدود قانون و قوانین موضوعه مملکتی بشخص آقای رضاخان پهلوی»
«واگذار میکند، تعیین تکلیف حکومت قطعی موکول بنظرمجلس مؤسسان‌است که برای تغییر»
«اصول ۳۶ – ۳۷ – ۳۸ – ۴۰ متمم قانون اساسی تشکیل میشود».

وسرلشکر عبداله خان امیرطهماسبی حکومت نظامی تهران – سرتیپ مرتضی‌خان‌یزدان‌پناه فرمانده لشکر مرکز وسرهنك محمد درگاهی رئیس شهربانی ولیعهد را ملاقات واورا باوضع بدی وادار بخروج ازایران نمودند.

مجلس مؤسسان که عده آن ۲۳۰ نفربود درتاریخ ۱۵ آذر ۱۳۰۴ برابر ۱۹ جمادی‌الاول ۱۳۴۴ تشکیل وپس‌ازچهارجلسه مواد لازم قانون اساسی‌تغییر ورضای پهلوی سرسلسله خاندان پهلوی انتخاب گردید روزه ۲ آذر ۳۰۴ جلوس نمود وروز ٤ اردیبهشت ۱۳۰۵ تاجگذاری کرد وروز ۲۵ شهریور ۱۳۲۰ مستعفی وازطرف متفقین بجزیره موریس وسپس به ژهانسبورك تبعید گردید.

دردوران سلطنت این پادشاه بزرك که محققاً درردیف بزرگترین سلاطین ایرانست در

تهران حوادث مهمی روی نداد مگر واقعه شهریور ۱۳۲۰ .

حادثه خونین شهریور ۱۳۲۰

از وقایع شهریور ۲۰ همه کس آگاه است اینجا بطور مختصر تکرار میشود . روز دوشنبه سوم شهریور دولتین روس وانگلیس باتبانی قبلی درساعت چهار بعدازنیمه شب ازاطراف بکشور بلادفاع ایران حمله کردند (حمله به گیلان ومازندران روزسه‌شنبه چهارم وبخراسان روزچهارشنبه پنجم شهریور صورت گرفت) وسفرای روس وانگلیس درساعت ٤ صبح منصور نخست وزیر ایران را از خواب بیدار نموده و با پیژاما اورا ملاقات و یادداشت هـای دولتین خودرا تسلیم نمودند .

ولی دولت مرکزی نگذارد اهالی تهران تاعصر آنروز ازاین حادثه هولناك مطلع شوند. بعدکه خبر منتشر گردید ودولت دستورخاموشی شب را داد مردم متوحش شدند البته ستون پنجم روسها هم بیکار ننشسته (یکی دوماه قبل چندین هزارنفر ترك و فارس‌زبان را روسها از کشور خود بیرون کرده وآنهارا بنام ایرانی بودن تحویل مقامات ایرانی دادندکه درتمام ایران پخش شدند و بین آنها مأمورین مخصوص شوروی بودکه برای یك چنین روزی خودرا آماده میکردند) ضمن انتشار اخبار دروغ (روسها بزن و دخترها ترحم نمیکنند ــ مردهارا میکشند ، خانه‌هارا آتش میزنند وچنین وچنان میکنند) بروحشت مردم افزوده تاجائیکه قریب سی‌هزارنفرازاعیان واشراف بقم واصفهان ویزد ودهات جنوبی پناه بردند . دولت منصورسقوط کرد ودولت فروغی روی کارآمد این‌مرد خدماتی بایران نمود ولی نتوانست ازورود اجانب بپایتخت وسقوط پهلوی جلوگیری کند .

چون کشتی اقبال شهریارمقتدر ایران براثرطوفان‌حوادث وهجوم ناجوانمردانه ارتش‌های روس وانگلیس بایران درهم شکست روز۲۵ شهریور ۱۳۲۰ رضاشاه‌کبیر که ازصولتش شیران بیشه شجاعت خواب راحت نداشتند بنفع فرزند ارشد و ولیعهدش محمد رضاشاه پهلوی استعفا نمود وتاج وتخت‌کیانی را بفرزند برومندش واگذارنمود وپس‌از واگذاری کلیه اموال منقول وغیرمنقول بشهریارجوانبخت ازطریق اصفهان ــ یزد ــ کرمان ــ بندرعباس ازایران طردگردید آزادی بعدازمشقت وتحت قیدوانضباط بودن سالیان دراز تبدیل به افسارگسیختگی‌شد احزابی تشکیل شدکه احصاء آنها مشکل است بعضی آنها بدست اجانب ونفع بیگانگان بود تشکیل شد دائماً حوادث واغتشاشاتی بودکه یکی بعدازدیگری لطمات شدیدی بایران وارد نمود . اشرار تقویت شدند تاجائیکه صولت‌السلطنه درخراسان ادعای سلطنت نمود . خسروقشقائی پسرمرحوم صولت‌السلطنه‌که مرد وطنپرستی بود به تیپ سمیرم حمله نمود افسران راکشت افرادرا متواری واسلحه ومهمات اموال آنهارا غارت‌کرد مردم دائماً متزلزل وهیچکس درکنار راحت وساحل فراغت نیارمید . تهران هم هرروزش یکرنگ بود حادثه‌ای پشت حادثه دیگرکشتی‌تهرانیهارا چهارموجه ساخت ، هربهاری‌که آفتاب فروردین میتابید یك‌انقلاب تابستانی درسر وهرخزانی که خورشید روبه بیمهری شروع مینمود یك آشوب زمستانی دربر داشت . گـرانی اجناس ، حضور ارتش‌های بیگانه ، هجوم مردم‌گرسنه دهات ودیگر شهرستانها بپایتخت ، بیماریهـای ساری مـانند تیفوس و تب راجعه ورواج فسق و فجور مزید بربلا وابتلای اهل پایتخت شده مردم را دچارنکبت ووبال ساخته بود. ازپروردگارتوانا مسئلت‌داریم‌که این‌حوادث تکرارنشود

حوادث بعد از شهریور

بطورکلی پس از دورشدن پهلوی فقید ازایران وحمایت علنی ارتش شوروی مقیم ایران ازحزب توده ورجاله بازیها وضع ایران بخصوص تهران هرآن قابل انفجار بود وصدهـا وقایع اتفاق افتاد مانند «واقعه ۲۱ آذر» حکومت قوام که جمعی جلوی مجلس کشته شدند وواقعه هشتم فروردین ۳۰ که توده ایها درجلوی مجلس بانیروی انتظامی درگیرشده وچهارنفرمقتول چهل نفر مجروح شدند یا حادثه ۱۴ دی که مصدق برای گـرفتن اختیارات خود راه انداخته بود قتل هژیر و دهقان و رزم آرا ترور بی نتیجه فاطمی وغیره ولی مهمتراز همه سه حادثه است کـه شرح داده میشود :

۳۰ تیر ۱۳۳۰

روز ۲۶ تیر مصدق السلطنه قصد داشت ضمن معرفی کابینه ، خودرا بعنوان وزیـرجنگ معرفی کند شاه زیر بار نرفت واظهار داشته بود وزیرجنگ باید مرد نظامی یااقلا شخص توانائی باشد شما بیمار هستید واز زیر پتو خارج نمیشوید . اوهم افکار را تحریك نمود واعلامیه ای صادر کرد کـه چون وزارت جنگ را بمن نمیدهند وقطعاً ازاین کار منظوری دارند منهم استعفا میدهم ، مجلس هم بقوام السلطنه رأی داد فرمان اوصادر شد اعوان واطرافیان مصدق ووکلای مجلس طرفدار او روزدوشنبه ۳۰ تیررا تعطیل عمومی اعلام کرده ومردم درخیابانها اجتماع نمودند بتحریك وکلای موافق مصدق وماجراجویان مردم بطرف سربازان حمله کردند بالنتیجه زدوخورد سختی درخیابانهای تهران درگرفت قریب ۳۲ نفر کشته شدند وصدوچند نفر مجروح گـردیدند قوام ناچار باستعفا شد مصدق حرف خودرا سبز کرد ووزارت جنگ راهم ضمیمه نخست وزیری و سپهبد نقدی وسپهبد آق اولی را همه کاره ارتش نمود اولی خیلی خشك وباانضباط بود دومی هم ماهی پنجهزار تومـان بانك سپه پابند بـاکمك مصدق ارتش را بروز سیاه نشاندند واعمـال ناروائی انجام شد .

جلوی کاخ سفید شاه

روز نهم اسفند ۱۳۳۱ کاسه صبرشاه لبریزشد چون مدتی بود بنام لایحه کمیسیون ۸ نفری مصدق نظرداشت که اختیارات شاه را محدود کند وبگوید تمام اختیاراتی که قانون اساسی بشاه داده تشریفاتی است اقلیت زیربار نمیرفتند مصدق هم هرروزبهانه ای میتراشید .

گاهی میگفت علیاحضرت ملکه مادر باید ازایران خارج شود شاه گوش میداد گـاهی بوالاحضرت شاهدخت شمس ایراد میگرفت زمانی شاهدخت اشرف بالاخره همه را ازاطراف شاه تارومار کرد .

بهانه اخیرش آن بود که علاء هم ازوزارت دربار باید برود اینها موجب شد کـه شاه بمصدق گفت قصد خروج ازکشوررا دارد اوهم باکمال وقاحت مقدمات سفررا فراهم نمود حتی اتومبیل اثاثیه شاه ازراه زمین ببغداد رفت قرار بودکه بعدازظهری شاه باطیاره عزیمت نماید . معلوم نشد این خبر ازچه ناحیه ای درشهر پیچید (میگویند چون شاه بـاحجة الاسلام بهبهانی قصد توديع داشت ایشان مردم را متوجه وخامت اوضاع نمودند) غفلتاً جمعیت شهر بدورکاخ اجتماع کرد مردم گریه کنان فریاد میزدند ما شاه خودرا میخواهیم ما نخواهیم گذارد پادشاه ازکشور

خارج شود دکترمصدق که درکاخ سفیدبود واین اوضاع را مشاهده کرد اذدرمخفی خودرا بمنزلش رساند واعلیحضرت همایونی عصرآنروز دربرابر مردم نطقی ایرادکردندکه بمنظور احترام و خواسته های شما ازمسافرتی که بمنظورمعالجه خود وملکه بود منصرف شدم ومعلوم نشد محرك چه کسانی بودندکه قسمتی ازجمعیت درحدود هزار نفر بطرف خانه مصدق رفتند (شعبان جعفری درباز پرسی گفته بود قصد ما این بودکه دکترمصدق را ببریم دربـار تااو دست شاه را ببوسد و مانع حرکت بشود) تیراندازی ازطرف محافظین منزل شروع شد یکنفرکشته وچند نفرمجروح شدند ولی مردم هجوم بردند دکترمصدق بادکترفاطمی باپیژامه بدواً خودرا بستادارتش رسانده وازآنجا باهمان حالت رفت بمجلس شورا وقصد تحصن درمجلس را داشت .

واقعه روزسه شنبه ۲۸ مرداد

برای تشریح این واقعه مهم بایستی کمی بعقب برگشت : روز۲۹ فروردین (سال۳۲) سرتیپ افشارطوس رئیس شهربانی که ازمنسوبان دکترمصدق بود مفقودگردید . پس از چندروز جنازه او درتپه های تلو اززیرخاك بدست آمد درطی این چندروز عده‌ئی ازامـرای ارتش وده دوازده نفر اشخاص متفرقه دستگیر وزندانی شدند وبطوریکه انتشار دارد ومتهمین بعداً اظهار نمودند آنهارا مورد آزار وشکنجه (برای گرفتن اقرار) قرارداده‌اند.وازجمله متهمین‌اصلی‌مانند حسین خطیبی عضوحزب زحمتکشان وسرتیپ بایندر، مزینی ، زاهدی ودکترمنزه ، آقای دکتر مظفر بقائی استاد دانشگاه ورهبرحزب زحمتکشان ونماینده مجلس‌شورایملی (ازتهران وکرمان) را محرك این‌جنایت معرفی نمودند بنابراین عده‌ئی ازافسران بازنشسته وجمعی از روشنفکران که این صحنه را ساختگی میدانستند رفتند درصف مخالفین دکتر مصدق . درمجلس‌هم زمـزمه نارضایتی شروع شد بطوریکه درانتخابات هیئت رئیسه که باید فراکسیون نهضت ملی صد درصد موفق شود نشد ومیراشرافی ازمخالفین سرسخت دولت که مدیرروزنامه آتش‌هم بود با۴۰ رأی بسمت کاربرداز انتخاب شد منتها چون دیگری‌هم ۴۰ رأی داشت میراشرافی را انتخاب نکردند همچنین حسین مکی نماینده‌اول تهران که ازمخالفین معقول‌وبیصدای دولت بود باچهل‌رأی بسمت نماینده ملت دربانك ملی انتخاب شد .

دکتربقائی پس‌ازچندین جلسه نطق درمورد اینکه قتل‌سرتیپ افشارطوس صحنه‌سازیست اسنادی بمجلس سپرد تادرکمیسیون دادگستری بررسی‌شود .

دولت هم تقاضای‌سلب‌مصونیت ازدکتربقائی را نمودکه باید بدواً درکمیسیون دادگستری بآن رأی‌گرفته شود .

درانتخاب هیئت رئیسه وکمیسیونها ، بیشتر اعضای‌کمیسیون دادگستری ازمخالفین دولت بودند دراین‌جریان عده‌ئی ازمنفردین دوفراکسیون بنام اتحاد وکشور تشکیل‌دادندکه وضع آنها بـرای دکتر مصدق روشن نبود و موقعیکه مجلس رأی مخفی میگرفت اینهـا بمخالفین دولت کمك میکردند .

دراین بین یکنفر ازمخالفین دکترمصدق را استیضاح نمود ووزیرکشورهم‌گفت میآئیم در مجلس وپاسخ میدهیم .

ولی دکترمتوجه شدکه اگرچه ظاهرمجلس بنفع وتحت تأثیراوست لکن‌بطوریکه درمورد انتخاب مکی ومیراشرافی دیده شد بهیچوجه فراکسیونهای اتحاد وکشور ومنفردین مورداعتماد

نیستند وممکن است استیضاح منجر بسقوط دولت او بشود بخصوص آنکه نظیر افراد مخالف دولت (مانند حائری زاده ، مکی ، دکتر بقائی) درصف موافقین او وجود نداشت اینها مردمانی حراف، نطاق ، مطلع ، متنفذ ودارای وجهه . لذا یگانه چاره دکتر مصدق این بود که مجلس را منحل کند . انحلال مجلس یك راه داشت وآن این بود که طبق مواد قانون اساسی (کـه درمجلس مؤسسان که درسال ۱۳۲۸ تشکیل شد وپاره‌ئی ازمواد قانون اساسی را تصحیح وتکمیل نمود) شاه فرمان صادر کند .

اما دکتر مصدق کراراً دردوره ۱٦ مجلس مؤسسان آنسال را قانونی نمیدانست واین مواد را مضر بحال مشروطیت میدانست وکراراً طرحهائی تهیه کرد که مجلس شورا رأی آن مجلس را لغو نماید ولی نمایندگان زیر بار نرفتند بعلاوه معلوم نبود اگر او تقاضای انحلال مجلس را مینمود شاه تصویب کند زیرا قوام‌السلطنه هم درهمان روزهای بحرانی وغوغای اواخر تیرماه ۳۳۰ همین تقاضا را نمود ولی اعلیحضرت همایونی فرموده بودند این اختیاری راکه ملت بمن داده جز درموارد خیلی ضروری ازآن استفاده نخواهم کرد .

یك راه دیگر بـاقی بود آنهم این بود کـه وکلا کلیه استعفا نمایند ولـی اقلیت زیر بار نمیرفت .

فکر بکری بخاطر مصدق رسید ، آن رفراندم وجلب نظر مردم درباره مجلس بود . لذا اخطار کرد که ازمردم خواهم پرسید وروز ۱۲ مرداد درتهران رفراندم انجام گـرفت درتهران ۱۰۱٬۳۹٦ نفر با انحلال مجلس و٦٨ نفر با بقای آن رأی دادند .

روز ۲۰ مردادهم درسایر شهرستانها رأی گرفتند بیشتر ازیك میلیون نفر رأی موافق دادند رویهمرفته موافقین درحدود دومیلیون نفر ومخالفین بیش ازچندصد نفر نبودند دراین روز چندنفر درملایر ویکنفر درمشهد کشته شدند . رأی دهندگان بیشتر احزاب توده وچپی بودندکـه هرنفر چندین مرتبه رأی بصندوق انداخته بودند .

این موضوع بیسابقه که درهیچیك ازقوانین ما بآن اشاره‌ای نشده شاه را متوحش نمود . اقلیت درمجلس متحصن شدند روزنامه‌های طرفدار دولت وجرائد توده ودست چپی دربار را بباد فحش وناسزا گـرفته وعلناً بشاه فحش میدادند واظهارعقیده میکردند رفـراندم دیگری برای تغییر رژیم لازم است . جز اقلیت وچند نفر ازمنفردین بقیه وکلاهم استعفا داده و در رفراندم شرکت نمودند .

اعلیحضرت همایونی دراین هنگام درقصر ییلاقی کلاردشت بودند وقتی وضع را بدینمنوال دیدند فرمان نخست وزیری سرلشگر فضل‌الله زاهدی را درتاریخ ۲۲ مرداد صادر نمودند ولـی برای خود او فرستادند (دراینموقع سرلشگر زاهدی ازتحصن مجلس خـارج ومخفی بود ومصدق برای دستگیری او جوایزی تعیین کرده بود) .

نیمه شب ۲۵ مرداد سرهنگ نصیری فرمانده واحدهای گارد شاهنشاهی رونوشت فرمان را درمنزل دکتر مصدق باو داد. نخست وزیر فوراً امر بدستگیری او داد وچون همانشب دکتر فاطمی وزیر خارجه وچند نفر ازطرفداران دولت دستگیر وبعد آزادشده بودند این واقعه را دولت باشاخ وبرگی کودتای نظامی نیم بند شکست خورده معرفی کرد گارد سلطنتی را منحل وخلع سلاح نمود. شاه وملکه هم بدون اطلاع قبلی باطیاره ببغداد عزیمت نمودند . وزیر خارجه به سفرا دستور داد شاه فـراری را دیدن نکنند و در روزنامه بـاختر امروز و در رادیو نسبت باو اهـانت و بی‌احترامی کرد .

فراکسیون نهضت ملی هم که برای انجام تشریفات قبول استعفای خود ازحضور درمجلس سر باز زده بودند درمیدان بهارستان جمعیت تهران را خبرکرد، هریك نطقهائی نموده مردم را برعلیه شاه و دربـار تحریك نمودند احزاب توده وچپی ریختند مجسمه‌هـای پهلوی فقید و اعلیحضرت همایونی را شکسته عکس شاه هرکجـا بود پاره‌کرده صحبت ازشورای سلطنتی و تغییر رژیم کردند .

رئیس‌جمهور امریکا ضمن نطق‌خود ازاوضاع ایران اظهارنگرانی نمود . سفیرامریکا که چندی بود بامریکا رفته بود روز ۲۶ مرداد وارد تهران شد او وپاره‌ئی ازسفرا بدکترمصدق اخطارکرده بودندکه دولت اورا قانونی نمیدانند زیرا رونوشت فرمان انتصاب زاهدی را در جرائد طرفداردولت دیده بودند .

درسایر شهرستانهاهم دستجات چپ نظیرعملیات پایتخت را مرتکب شده بودند ، خلاصه همه‌کس تصورمیکردکه کارتمام است ورژیم جمهوری عنقریب اعـلام خواهد شد حتی توده‌ایها اسم آنراهم‌گذارده بودند (جمهوری سوسیالیستی ۱۷ ایرانستان) .

بگیر و ببند شروع شد دکتربقائی را ازبهارستان بزندان عشرت‌آباد بردند ،کفیل وزارت دربار (ابوالقاسم امینی)را بزندان افکندند اوهم نامردانه نامه‌ای بدولت نوشت وبشاه توهین کرد تا آزاد شد .

ناگاه روز ۲۸ صبح جمعی ژولیده وژنده پوش ازچالمیدان حرکت‌کرده وفریاد میزدند زنده باد شاه (باید دانست‌که‌روز پیش باحزاب چپی دستور داده شده بودکه فعلا دست ازتظاهر بردارند بنابراین هیچکدام برای عکس‌العمل آماده نبودند وغـافلگیر شدند) جمعیت بخیابان لاله‌زار وشاه رسید مردم هم‌گروه‌گروه بآنها می‌پیوستند تامقارن ساعت ۱۳ که ادارات تعطیل شد مستخدمین ناراضی وسربازها بااین‌جمعیت هم‌آهنك شدند ، سرلشگر زاهدی هم پس‌ازمدتی آفتابی شد روی یکی ازتانکها نشسته ایستگاه رادیورا تصرف نموده وجمعیت را رهبری‌کرده و خودرا بسمت نخست وزیری معرفی‌کرد .

دراین‌گیرودار فـراکسیون نهضت ملی و هیئت وزرا درمنزل نخست وزیر جمع بودند بدواً قضیه‌را سرسری‌گرفته وحتی هنگام اشغال‌رادیو برئیس ستاد دستورمیدهند اجامر واوباش را ازاستودیوی رادیو خارج نمایند که ناگاه فریاد زنده باد شاه مرده باد مصدق خانه ۱۰۹ نخست وزیررا بلرزه درمیآورد . سرهنك ممتاز محافظ خانه دکتر مصدق ازورود مردم بخانه دکتر جلوگیری‌نموده وتاهنگامیکه اوراسناد واشیاء قیمتی‌خودراجمع‌آوری‌کند بامردم وسربازان مسلح بمبارزه میپردازد درحدود ٤٥ نفر(منجمله یك‌سرهنك ویکنفرستوان)کشته میشوند ومصدق ویارانش‌بوسیله نردبام بخانه‌مهندس پناهنده میشوند پس‌ازیکی دوروز مصدق ویارانش دستگیر (فقط دکترفاطمی بدست نیامد) اعلیحضرت همایون هم بمجرد اطلاع ازرم ببغداد آمده وپس‌از یکی دوروز توقف درعراق درمیان فریاد شعف وزنده باد مردم بپایتخت واردگردید .

ولی حزب توده بکمك حزب نیروی سوم وپان‌ایرانیست وعده‌ئی از بازاریها همه‌روزه خلال میکنند و درحدود چهارصد نفرآنـان دستگیر بقلعه فلك‌الافلاك ، خـرم آباد وجزیره خارك تبعید شدند .

درهمین اوقات ورزشکاران چپی‌که بفستیوال اروپا رفته بودند بایران بازگشتند درمرز سرجمله آنهارا تراشیده بطهران فرستادند پس‌از تحقیقات عده‌ئی ازآنهـا زندانی بقیه آزاد

گردیدند . یکی دومرتبه هم بازار (ظاهراً ازترس غارت حزب توده) ولی باطناً برای سقوط دولت بسته شد ولی دولت بخراب کردن طاق بازار اقدام نمودکه نیمه کاره ماند و بسازارها هم بازشد . تااین تاریخ هنوز اوضاع آرام نیست و فرمانداری نظامی بسـاشدت عمل در تهران برقرار است .

بخش هشتم ـ متفرقه

۱ ـ حرفه و پیشه وهنر

مرآت لبلدان دروقایع سال ۱۲۷۸ تهران مینویسد :

«یك لوله توپ خاندار جهة نمونه از فرانسه ابتیاع شد باتفنگهائی کـه ابتیاع شده بود بدارالخلافه میآورندکه ازروی همان‌توپ توپهای خاندارمتعدد دردارالخلافه بسازند، جبه‌خانه و قورخانه دارالخلافه رونقی دارد ومهندس روسی بجهة تسهیل عمل‌کارگران ، راه‌آهن ازکوره توپ ریزی تاکارخانه توپ سوراخ‌کنی‌ساخته‌که لوله توپ ازاین‌کارخانه تاکارخانه دیگردرکمال سهولت حمل میشود ومحتاج بحمل عراده وزحمت کارگرها نیست ...

درچاشنی‌سازخانه نیز مشغول ساختن چاشنی تفنك‌هستند وقرارشد درکارخانه تهران سالی ده‌کرور چاشنی ساخته شود .

کارخانه ریسمان ریسی و شمـاعی وکاغذ سازی و بلورسازی و غیره باهتمام نواب والا اعتضادالسلطنه وزیر علوم نهایت رونق را دارد .

وشکری‌که‌درکارخانه‌شکرریزی‌ماز ندران ساخته‌اند نهایت‌خوب وقندهائیکه عمل‌آورده‌اند تفاوتی باقند روسی ندارد . انتهی» .

بطورخلاصه مهندسین فرانسوی وانگلیسی‌که درزمان صفویه وفتحعلیشاه قاجار درایران کارخانه‌های اسلحه سازی ومهمـات سازی تأسیس نموده‌اند خیلی ازهوش وذکاوت کارگـران ایرانی تعریف وتمجید نموده‌اند ولی درهرحال‌صنایع دستی یاکارگاههائی درتهران معمول‌نبود.

ولی درزمان پهلوی فقید موضوع کار وکارگر درتهران رونقی بسزا گرفت‌که اگردنبال میشد تهران تدریجاً بیك شهر صنعتی تبدیل میگردید .

درسال ۱۳۱۶ مقدار ۱۳۰۴۲۴ تن ماشین‌آلات وافزار بکشوروارد شد بدبختانه کم‌کم واردات کارخانه رو بنقصان‌گذارد ولی بجای‌آن ورود اشیاء لوکس افزوده شد .

مثلا درسال ۳۱۸ (۴۴۴) عدد اتومبیل ببهای هفت میلیون ریال واردکشور شد ولـی اینکه اخیراً بچندین هزارو ۱۸۰ میلیون ریال رسیده‌است. بالاخره درسالهای اخیرصدها میلیون ریـال ارز بدون احتیاج ازکشورخارج وبهمان اندازه افراد فقیر وملت پریشان‌گردید .

صنایع ایران

وضع کار وکارگر درکلیه ایران مخصوصاً درسه نقطه آبادان ، اصفهان ، تهران صورت مخصوصی بخودگرفته تاآنجاکه برای‌نظم وترتیب ونظارت درپیشرفت امور وازدیاد بهره‌کار

وارتباط بین کارگر و کارفرما وزارت کار تشکیل وقوانینی درخصوص وظایف کارگر و کارفرما و بیمه کارگران وغیره ازمجلس شورای ملی گذشت .

دراوایل سلطنت پهلوی فقید کارخانه های مهم ایران منحصر بکارگاههای نفت آبادان و کارخانه پارچه بافی وطن اصفهان بود ولی شاهنشاه فقیدکه درپیشرفت صنایع کشور دقت خاصی داشت موجبات توسعه کارخانه‌های دولتی را فراهم مینمود .

اینک کارخانه های تهران و اطراف تهران

سه کارخانه نساجی

۱ ــ کارخانه نساجی صنیع الدوله ۲ ــ زیسمانریسی و پارچه بافی تهران ۳ ـ چیت سازی .

سیزده کارخانه کشبافی وجوراب بافی

۱ ــ شرکت پیرایش ۲ ــ شرکت محدود ۳ ــ امیدوار جورابچی ٤ ــ منصوریسان ٥ ــ برادران جورابچی ٦ ــ حقیقت ۷ ــ نیکفر ۸ ــ کشباف صبا ۹ ــ شهپر ۱۰ ــ قدس جورابچی ۱۱ ــ بافندگی ارجمند ۱۲ ــ کشبافی غلامعلی ۱۳ ــ جورابچی و برادران .

دوازده کارخانه مشروب سازی

۱ ــ آرکــو ۲ ــ شمس ۳ ــ مجیدیه ٤ ــ البرز ٥ ــ خورشید ٦ ــ سه‌گــانه ۷ ــ آریول ۸ ــ تهران ۹ ــ میر ۱۰ ــ میهن ۱۱ ــ ایران ۱۲ ــ یگانه .

سه کارخانه قند

۱ ــ کارخانه قندکرج ۲ ــ کهریزك ۳ ــ ورامین (که بعداً منتقل شد) .

کارخانه های مهم دیگر

۱ ــ کارخانه دخانیات
۲ ــ کارخانه سیمان .
۳ ــ کارخانه‌های اسلحه سازی ومهمات سازی ارتش .
٤ ــ کارخانه جوهر نمك
٥ ــ کارخانه تصفیه مس غنی آباد .
٦ ــ کارخانه گلیسرین دولت آباد
۷ ــ کارخانه تصفیه روغن ورامین .
۸ ــ کارخانه تعمیرات ونك
۹ ــ کارخانه شمالی امین آباد .
۱۰ ــ کارخانه سم‌سازی امین آباد
۱۱ ــ کارخانه آجرنسوز کرج .

کارخانه کبریت سازی فرشته ــ کبریت سازی شرق .

کبریت سازی اکباتان (درایران ۳٥ کارخانه کبریت سازی ومحصول آن ۲۳۰ میلیون جعبه است) .

صابون سازی داروگر

صابون سازی پاك

کارخانه ماکارونی سازی لوبل   آرد سازی گیلان آرد .

بلورسازی توکلی ــ بلور سازی اسد ــ بلورسازی مکا ــ بلورسازی ماك ــ بلورسازی محمود کاشانی ــ بلورسازی بنی‌هاشمی ــ بلورسازی تهران ــ بلورسازی خورشید .

کارخانه چرمسازی تهران ــ شرکت سهامی ــ چرمسازی روك .
کارخانه اسلانیاس (درایران ده کارخانه چرمسازی تأسیس شده) .
محصول کارخانه های نوشابه سازی ایران سالیانه ۱۰ میلیون بطرعرق وشراب ، کنیاك وآبجو ، فقط ازاین مقدار ۱۵۰ هزاربطر الکل صنعتی میباشد .
باهمین سم است که ما بانتحار تدریجی مشغولیم ؟ !

۴ ــ زیارتگاه و مزارها

درایران مشاهد ومزارهای زیادی دیده میشود که بعضی‌ازخود میپرسند اولاد ائمه‌اطهار درایران چه میکردند .

باید دانست که این آقازاده‌ها وآل علی بعللی در دوران مختلفه بایران روی آوردند زیرا بنی‌امیه و بنی‌عباس که غاصب خلافت بودند اولاد علی‌را مورد اهانت وتحقیرقرارمیدادند لذا عده زیادی ازسادات عظام درایام ولایتعهدی حضرت امام رضا علیه‌السلام ازحجاز ویمن و عراق بعزم خراسان حرکت نمودند اما هنوز غالب‌آنها بمقصد نرسیده بودندکه واقعه شهادت حضرت رویداد لذابنا براشاره خلیفه حکام وامرا کلیه سادات را دستگیر و بعضی‌را مقتول ساختند .
مهمترین کاروانیکه بطور دسته‌جمعی حرکت مینمودند دوقسمت بودند :

اول ــ جماعتی که باحضرت فاطمه ملقب بمعصومه بنت موسی بن‌جعفر(ع) همراه بودند و درحدود ساوه مورد تعرض لشکرمأمون واقع مقتول ویا پراکنده شدند . همچنین ساداتی کـه دراثرفشار حکومت جابره حجاج بن یوسف ثقفی درعراق بایران پناه آوردند .

دوم ــ دومین دسته ازسادات عظام که باهیمنه خاصی ازحجاز وارد ایران شدند اتباع وهمراهان امامزاده احمدبن‌الموسی‌الکاظم (ع) معروف بشاه چراغ هستند .

امامزاده‌های شهرری عده بیشماری بوده‌اندکه غالباً دردوره سلاطین آل بویه درامور دولتی و عمومی‌هم شرکت داشته‌اند اسامی ونسب آنـان در کتاب منتقلة‌الطالبیه وجنة‌النعیم مفصلا درج شده .

اینك مقابر امامزاده‌ها وبقاع و اماکن متبرکه شهرری وتهران واطراف تهران راکـه با جغرافیای تهران ـ ری ارتباط دارد بترتیب مینویسیم :

بقاع و اماکن متبرکه تهران و حومه

۱ ــ حضرت عبدالعظیم باچهار واسطه اولاد امام حسن (ع) مدفون درشهر ری .
۲ ــ امامزاده حمزه   اولاد امام موسی‌کاظم (ع)   »   »   »
۳ ــ امامزاده طاهر   نواده حضرت سجاد (ع)   »   »   »
۴ ــ امامزاده عبداله   باچهارواسطه اولاد حضرت سجاد (ع)   »   »   »

۵ — ابن بابویه ابوجعفر محمد بن حسین بن موسی بن بابویه — درشمال خاوری ری
۶ — بی بی زبیده اولاد امام حسین (ع) — کنارجاده تهران — ری
۷ — امامزاده هادی مسجد ماشاءالله باچند واسطه اولاد امام موسی کاظم شمال شهرری
۸ — دو برادران باهفت واسطه اولاد امام حسن مجتبی (ع) — شهرری
۹ — سه دختران — جنوب باغ سراج‌الملك «
۱۰ — امامزاده ابوالحسن فرزند امام جعفرصادق (ع) آب اندرمان شمال باختری ری
۱۱ — جوانمرد قصاب — درمنصورآباد شهرری
۱۲ — بقعه چهل تن — دولاب
۱۳ — سید ملك خاتون خواهر امام رضا (ع) — مسگرآباد دولاب
۱۴ — امامزاده اهل بن‌علی اولاد امیرالمؤمنین علی(ع) — « «
۱۵ — امامزاده معصوم صالح فرزند حضرت سجاد (ع) — فرح زاد شمیران
۱۶ — امامزاده ابوطالب باچندواسطه اولاد امام‌حسین (ع) — « «
۱۷ — امامزاده داود عماد بن جعفر بن نوح بن عقیل بن هادی بن حضرت‌سجاد(ع) شمال فرح زاد
۱۸ — امامزاده مطیب باسه واسطه اولاد امام موسی کاظم (ع) — تپه ادین
۱۹ — امامزاده عزیز فرزند محسن بن موسی کاظم (ع) — « «
۲۰ — امامزاده سید محمدولی باچند واسطه اولاد حضرت سجاد (ع) کوههای درکه
۲۱ — امامزاده ابراهیم — پس‌قلعه شمیران
۲۲ — امامزاده صالح فرزند امام موسی کاظم وچنارکهن — تجریش
۲۳ — امامزاده قاسم ازاولاد امام حسن (ع) — بین تجریش ودربند
۲۴ — امامزاده علی‌اکبر ازاولاد امام زین‌العابدین (ع) — چیزر شمیران
۲۵ — امامزاده اسمعیل بن زکریا — در « «
(تپه چیزر پیش‌ازاسلام محل آتشکده ایرانیهای مقیم ری بوده).
۲۶ — امامزاده چهار برادران (سالم ، ابوطالب ، رضا ورحیم)
ازاولاد شیث فرزندکاظم بن حضرت سجاد (ع) — درتپه‌های لویزان شمیران
۲۷ — امامزاده حسن فرزند امام حسن (ع) — در جی‌علیا باختر تهران
۲۸ — امامزاده عبدالله فرزند ابوالفضل‌العباس (ع) — « «
۲۹ — امامزاده معصوم فرزند امام محمد باقر (ع) — بریانك «
۳۰ — امامزاده عین‌علی وزین‌علی باچند واسطه اولاد امام حسین (ع) — در پونك
۳۱ — بقعه شیخ عبدالله (ازعلمای معروف) — در طرشت
۳۲ — هفت چنار (آنهارا اهالی متبرك میدانند) — در بریانك
۳۳ — امامزاده ابراهیم ازاولاد امام موسی بن‌جعفر (ع) — بازارعباس‌آباد پایتخت
۳۴ — امامزاده زید فرزند امام حسن مجتبی (ع) — « خیاط ها
۳۵ — امامزاده سید محمد ولی — « ارسی دوزها
۳۶ — امامزاده سید ناصرالدین — خیابان خیام
۳۷ — امامزاده سیداسمعیل فرزند زکریا اولاد امام موسی کاظم (ع) بازار آهنگرها
۳۸ — امامزاده غیبی — بازار
۳۹ — امامزاده یحیی — باغ پسته بك

٤٠- مقبره پیرعطا	سه راه دانگی
٤١- چهل تن	بازار
٤٢- هفت دختران	خیابان سیروس
٤٣- چهارده معصوم	باغچه علیجان خیابان ناصرخسرو
٤٤- سقاخانه نوروزخان	پهلوی مسجدشاه
٤٥- چنار پنجعلی (محل دخیل بستن زنهای درباری قاجاریه)	داخل عمارت گلستان

تکیه دولت

تکیه دولت که تاچند سال پیش باقی بود محل عزاداری دربار بود . بدواً دارای سقف چوبی بود وچون اطاقهای اشکوب چهارم بواسطه سنگینی سقف شکست برداشته بود لذا طبقه چهارم آنرا برچیدند و مهندسین اروپائی نقشه‌ای برای این فضای بزرگ کشیده وسقف آهنی بآلمان سفارش دادند واین سقف بپول آنروز (١٢٠ هزارتومان) خریداری شد ومبالغ گزافی هم هزینه برداشت تاآنرا درمحل پیچ ومهره وسوارکردند .

تکیه دولت بدواً چهارطبقه داشت که دورتادور آن بالاخانه‌های متعدد قرارگرفته بود ومانند اپراها وتئاترهای بزرگ فرنگی بالاخانه‌ها صورت لژرا داشت ودرهرطبقه‌ای نیز تعداد زیادی ازاین بالاخانه‌ها ساخته شده واردین از دالانیکه ازبیرون بالاخانه‌ها بیکدیگر متصل میگردید وارد میشدند .

دراطاقهای اشکوب اول شاه واهل‌حرم واندرون می‌نشستند . جلو تمام بالاخانه‌ها که خانمهای درباری نشسته بودند پرده زنبوری کشیده میشد وچون شاه همه روزه درمجلس تعزیه حاضرمیگردید لذا پیش‌ازحضورشاه مراسم آغاز نمیشد ، نشانه آمدن شاه‌هم این بود که چراغ مخصوصی برابر بالاخانه مقرشاه بالماس درشتی که روی کلاه شاه بود پرتو میانداخت ودرنتیجه تلئولوئی دست میداد و تماشاچیان ازدیدن اشعه میفهمیدند که اعلیحضرت وارد جایگاه مخصوص شده‌اند .

دروسط تکیه محل وسیع گردی بود که یك متر ازسطح‌زمین بلندتر بود واین‌محل فی‌الواقع صحنه تئاتر واختصاص بشبیه خوانها داشت .

دورتادور این سکو راهروئی بود خیابان مانند بپهنای چهارمتر که اختصاص بعبور تخت‌روان یزید وحجله قاسم پالکی وکجاوه اسیران وتاخت وتاز شمر وابن‌سعد وحرکت فیل و شتر واسب داشت.

بعداز این‌خیابان بازهم سطح زمین بلندترمیشد ودراین‌محل خانمهای تماشاچی با روبند سفید می‌نشستند . دورتادورتکیه بصورت پله ساخته شده‌بود ، دربرابر این پله‌ها (یعنی پشت‌سر جمعیت) طاق‌نماهای متعدد ساخته شده بود که اعیان واشراف وحکام ولایات تزئین کرده وبنام آنها اختصاص داشت . چراغهای بزرگ وپرنور فضای تکیه را همچوروز روشن میساخت .

شبیه خوانی همیشه محزون نبود بعضی‌اوقات مخصوصاً روزهائیکه سفرا ومأمورین بیگانه دعوت‌داشتند تعزیه‌های خنده دارمانند یوسف - زلیخا وسلیمان - بلقیس که دیوهاباکلاه وماسکهای عجیب وغریب و ادا واطوارخنده دار شرکت میکردند خوانده میشد .

ازسقف تکیه اطاقك زیبائی که مزین بگل ولاله بود باقرقره وطناب جبرئیل یاحضرت

سلیمان را بالا و پائین میآورد یا پیغمبر بآن وسیله بمعراج میرفت .

پیش از شروع تعزیه دسته موزیك عزیزالسلطان که آلات آن از نقره ساخته شده بود و ملکه انگلستان برای شاه بارمغان فرستاده بود بنواختن آهنگهای مخصوصی شروع کرده ودور تکیه گردش میکردند . سپس اسبهای یدکی باطاقه شالهای گران قیمت وزین و برگ مرصع عبور کرده بعد دسته زنبورکخانه میآمد سنك میزدند .

باید دانست تمام دستگاههای موزیك بطور کامل باتمام گوشه ها دراین تعزیه خوانده میشد که امروز کمتر خواننده ها مطلع بآن نکات دقیق وحساس آن هستند وبچه های کاشی را بزحمتی آماده وتعلیم میدادند .

درشب آخر تعزیه در تکیه را می بستند وقرق میکردند وشاه وعزیزسلطان بوسط صحنه میآمدند وخواجه باشی میرفت جلوی طاق نمای اعیان وبزرگان وهریك ازصاحبان طاق نما مبالغی پول طلا بابت هزینه تعزیه تقدیم شاه مینمودند .

۴ ــ آب تهران

موضوع آب تهران اززمان آغامحمد خان قاجار کسب اهمیت نمود وهمیشه مطمح نظر اولیای امور بوده است . در اواسط سلطنت محمد شاه (۱۲۵۵ هـ . ق) حاجی میرزا آغاسی دو نهر بزرك ازرودخانه کرج جدا کرده بتهران آورد . یکی ازآن نهرها ازدامنه البرز عبور واز شمال طرشت گذشته بقریه عباس آباد منتهی میشد وهنوز آثار آن نهر باقیست .

پس ازعزل میرزا آغاسی ازآوردن آب جلوگیری وآن نهر بی استفاده شد .

دیگری نهریست که از زیر جاده قزوین گذشته تاقریه یافت آباد ادامه یافت و هنوزهم دایر است .

ازاین تاریخ ببعد آب تهران منحصر بچند رشته قنات وقفی وغیروقف شده واهالی ازحیث آب درمضیقه افتاده بودند تاآنکه میرزاعیسی وزیر اقدام بحفر چندین قنات نمود .

دراواخر سلطنت ناصرالدین شاه چندنفر اروپائی امتیاز حفرچاههای عمیق را گرفته ودر شمال تهران شروع بکار نمودند ولی درضمن عمل مته چاه کنی شکست و بواسطه نبودن وسائل و مشکلات دیگر صاحب امتیاز موفق بادامه کار نشد ودیگر درموضوع آب اقدامی بعمل نیامد تاسال ۱۳۰۰ زمان نخست وزیری آقای سید ضیاءالدین که شهرداری تهران سروصورت اساسی قانونی بخودگرفت وبرای تنظیم امر آبیاری اقداماتی بعمل آورد ودرنظر بود بدواً سدی در جاجرود بسته شود ولی چون هزینه آن نزدیك دومیلیون تومان میشد و شهرداری هم سرمایه نداشت لذا موضوع معوق ماند ولی درسال ۱۳۰۶ که خشکسالی بود وآب تهران خیلی کم شد مجدداً فکرشق نهرازکرج قوت گرفت وپس از بررسی های لازمه مجرائی ازبالای **بیلقان** قریه **سرجوب** کشیده شدکه نزدیك جمشیدآباد ظاهرمیشود . طول آن ۵۳ کیلومتر که ۲۰ کیلومتر آن زیر زمین است وازکلاك وارد درمجرای متوازی میشودکه هرثانیه یك مترمکعب آب وارد مجرای شهرمیشود .

درسال ۱۳۲۵ موضوع لوله کشی که سالها بود دراطراف آن صحبت میشد بصورت جدی بمرحله عمل درآمد وتاکنون قریب صد میلیون تومان هزینه آن شده وباشرکت سرالکساندرگیپ پیمان انجام آن بسته شده است ومحتمل است تاسال ۱۳۳۳ (اگرحوادث ووقایعی مانع ادامه کار

نشود) امر لوله‌کشی بپایان برسد ودرهمین حدود مبلغ هزینه بقایای کار تا اتمام آنست اینک منابع آن ساخته وپرداخته ونزدیك باتمام است .

سه منبع بزرك سه قسمتی دریوسف آباد ـ بهجت آباد ـ عباس آباد که هریك شصت هزار مترمکعب آب میگیرد .

وسه منبع کوچك دوقسمتی درقصرقاجار ـ جلالیه ـ عشرت آباد که هریك چهل هزارمتر مکعب آب میگیرد .

طول لوله‌کشی تهران ۳۶ کیلومترلوله فولادی ازمخزن تامجرای کرج و ۸ کیلومترازمجرا تا تصفیه خانه ششصدکیلومتر لوله اصلی و ۳۰ کیلومتر لوله فولادی فرعی وتاپایان سال ۱۳۳۲ هفتادوپنج درصد کار لوله‌کشی باتمام‌رسیده . وضع آب تهران فعلا بصورت اسف‌انگیزی درآمده و هیچکس ازخطر بیماریهای تیفوئید و غیره مصون نیست مگرآنکه آب را شخصاً جوشانده و تصفیه نماید .

آب تهران از دو منبع تأمین میشود :

الف) **از رودخانه کرج** حداقل ۱۲۰ وحداکثر ۱٤۰ سنك .

ب) **آب قنات** که ازقناتهای مشروحه زیر بدست میآید :

۱ ـ قنات مخلص آباد ۲ ـ قنات وزیر ۳ ـ قنات بهجت آباد ٤ ـ قنات کرجی
۵ ـ قنات کریم آباد ٦ ـ قنات کوثریه ۷ ـ قنات دارا آباد ۸ ـ قنات نجف آباد
۹ ـ قنات یوسف آباد ۱۰ـ قنات سلیمانیه ۱۱ـ قنات مجیدیه ۱۲ـ قنات سردار
۱۳ـ قنات ناودانك ۱٤ـ قنات ولنجك ۱۵ـ قنات باغ کوکب ۱٦ـ قنات دیبا
۱۷ـ قنات باك سپه ۱۸ـ قنات باغ صبا ۱۹ـ قنات اداج ۲۰ـ قنات گل‌افشان

وقناتهای وقفی مانند :

۱ ـ قنات شاه ۲ ـ قنات سنگلج ۳ ـ قنات مهرگرد ٤ ـ قنات پامنار
۵ ـ قنات حاج علیرضا ٦ ـ قنات نظامیه ۷ ـ قنات مدرسه سپهسالار ۸ ـ قنات بریانك
۹ ـ قنات اکبرآباد ۱۰ـ قنات ناصرالملك ۱۱ـ قنات جنت آباد رحمت آباد ۱۲ـ قنات پونك
۱۳ـ قنات صدقه ۱٤ـ قنات صاحب الزمانی ۱۵ـ قنات حاج محمدعلی ۱٦ـ قنات ناصری
۱۷ـ قنات شهاب الملك وقناتهای باغشاه ، امیرآباد ، شمیران ، سفارت انگلیس وروس .

وچون این آبها کفایت احتیاج تهران‌را نمیداد لذا شهرداری واشخاص بحفرچاههای عمیق اقدام نمودند که کمك قابل ملاحظه‌ای بآب تهران نمود .

چاههای عمیق سازمان لوله‌کشی :

۱ ـ میدان شهناز ۲ ـ میدان فردوسی ۳ ـ آتش نشانی ٤ ـ دروازه قزوین
۵ ـ خیابان کاشانی ٦ ـ پشت شهرداری ۷ ـ خیابان بهار که جمعاً ۷۵ ٤ اسب قدرت موتور آنهاست .

چاههای عمیق شخصی که درتهران تاکنون حفرشده که عمق آنها گاهی ازصدمترهم تجاوز کرده وهریك پنج یاشش سنك آب دارند .

۱ ــ چاه عمیق کاخ همایونی ۲ ــ دخانیات ۳ ــ بیمارستان بازرگانی
۴ ــ باغ بی‌سیم نجف‌آباد ۵ ــ کانون‌آموزش ۶ ــ شیروخورشید باغ فردوس
۷ ــ خیابان جهان پناه ۸ ــ سلسبیل تخته سه‌لائی ۹ ــ یخچال زیبا دولاب
۱۰ ــ باغ سهام‌الدوله ۱۱ ــ زمردی ۱۲ ــ الهیه فخرالدوله
۱۳ ــ باغ فردوس شمیران ۱۴ ــ باغ‌کوکب قلهك ۱۵ ــ ممنوی قیطریه

پرآب ترین قناتها قنات مخلص‌آباد ، قنات شاه وقنات وزیراست که هریك بیش‌از ۸ سنك آب دارند .

همچنین چاه عمیقی‌در شیان شمیران زده شده‌که درحدود ۵۰ سنك آب دارد .

پست و تلگراف

ایران یکی ازکشورهای‌کهن است‌که بایجاد پست مبادرت ورزیده‌است آنچه محقق‌است دولت ایران ازآغاز تشکیل سلطنت هخامنشی‌ها پیك وچاپارهارا بترتیب خاص و بنا بمقتضیات آنزمان بوجود آورده‌است ولی پست بصورت امروزی تقریباً هشتاد سال پیش (اواسط سلطنت ناصرالدینشاه) تأسیس شده‌است وروزبروز بطرف کمـال میرود وازهمان تاریخ هم تمبر پست بچاپ‌رسیده ومورد استفاده قرارگرفته‌است وامروز خطوط پستی درتمام نقاط ایران دایربوده و بیشتراز دوهزارفرسنك چه بوسیله راه‌آهن واتومبیل وراههای دریائی وچه بوسیله پیك سوار وپیاده وپست‌هوائی قبول مراسلات ومحمولات مینماید .

تاسال۱۲۹۱ هجری قمری پست ایران بدست‌چاپارچی اداره میشد واوهم زیرنظروزیر ارتباط کارمیکرد بدین‌ترتیب‌که گیرنده وفرستنده نامه هردو مبلغی باید بپردازند ، بعلاوه موقع چاپ‌کردن تمبرصدهزارتمبرهم برای‌خود چاپارچی باشی طبع‌میکردند .

بالاخره در سال ۱۲۹۲ پستخانه ایران را بشخص اطـریشی موسوم به (جی . ریدرر) واگذارکردند وبرای‌اولین‌مرتبه پست‌ایران هفته یکدفعه ازتهران به تبریز، رشت حرکت‌میکرد.

درسال ۱۲۹۴ هـ . ق . دولت ایران بعضویت پست بین‌المللی پذیرفته شد وهمـان سال (ستاهل) نام روسی بجای (ریدرر) آمد، مدت ریاست ستاهل‌خیلی‌کوتاه بود بعداً بدست ایرانیها یا مستشاران بلژیکی اداره میشد بطوریکه درهفتاد سال پیش ۷۳ پستخانه در ایران دایر بود .

تلگراف ــ درسال۱۲۷۶ که ناصرالدینشاه ازمسافرت اروپابرگشت یکرشته سیم‌تلگراف بین تهران وسلطانیه وسپس تاتبریز دائرگشت وتاسال ۱۲۷۹ تـاجلفا کشیده شد . چندی بعد کمپانی هند واروپای انگلیسی سیمهای تلگراف جلفا ـ بوشهررا احداث‌کردکه درزمـان پهلوی فقید بدولت ایران واگذارشد .

مطبوعات تهران

اساساً تاریخ روزنامه نگاری باکشمکشهای دسته ها وطبقات واختلافات حزبی توأم بوده وغالباً مدیران یاصاحبان امتیاز ونویسندگان‌گرفتار مشقات وسختیها شده وگاهی برشدایدغلبه جسته ومنویات خودرا بروفق دلخواه بموقع اجراگذارده‌اند . البته بعضی درراه رسیدن بمقصود فدا شده‌اند وعده‌ئی شاهد فتح وظفررا درآغوش‌گرفته بهدف نهائی‌خود رسیده‌اند .

چنانکه میرزاجهانگیرخان شیرازی مدیر ونویسنده روزنامه انقلابی صوراسرافیل ومدیــر

روزنامه (روح‌القدس) ومتین‌السلطنه صاحب امتیاز وناشر روزنامه (عصرجدید) وزکن‌الاسلام مدیر روزنامه (کوکب ایران) محمد مسعود مدیرروزنامه (مرد امروز) واحمد دهقان مدیرمجله (تهران مصور) شربت ناگوار شهادت را چشیده ونیز کسانی همچون مجدالاسلام کرمانی مدیر روزنامه(ندای وطن) ومیرزا حسین‌خان صبا مؤسس ستاره ایران وکسان بسیار دیگر تبعید شدند یا بزندان افتادند .

ازطرف دیگر مردان دیگر بذروه ارتقاء رسیدند مانند مرحوم داور مدیرروزنامه (مرد آزاد) سیدحسن تقی‌زاده نویسنده مجله (کاوه) سیدضیاءالدین مدیر روزنامه (رعد) مرحوم سید محمد تدین مدیر روزنامه (صدای تهران) دشتی ، مسعودی ، فرامرزی وغیره بمقام وکـالت ، سفارت ووزارت ونخست وزیری رسیدند .

اولین روزنامه باسم‌روزنامه (وقایع اتفاقیه)در ربیع‌الثانی۱۲۶۷ هجری بنابتشویق مرحوم امیرکبیر درتهران منتشرشد . همچنین‌روزنامه (دولت علیه‌ایران) بمدیریت ابوالحسن‌خان‌غفاری درتهران انتشاریافت .

خلاصه آنکه ظهور روزنامه در اوایـل سلطنت ناصرالدینشاه شروع واوایـل سلطنت مظفرالدینشاه برقدرت ونفوذ مطبوعات فارسی افزوده شد . مرحوم سید جمال‌الدین اسدآبادی روزنامه (عروةالوثقی) وپرنس‌ملکم‌خان روزنامه(قانون) ومؤیدالاسلام (حبل‌المتین) را درخارج انتشارداد. ولی‌خریداران آنها بیشترتهرانیها بودند .

بعداز اعلام فرمان مشروطیت و دایرشدن دارالشورای ملی روزنامه‌های زیادی بظهور رسیدند وپس‌ازبمباران مجلس ازبین رفتند، مانند : ندای وطن، مساوات ، تمدن ، روح‌القدس، صوراسرافیل ، شرافت ، آئینه غیب‌نما ، پرورش ، اقیانوس ، اصناف ، ارشاد وغیره .

دراستبداد صغیرکه روح ارتجاع طلبی وخودسری دربار باغشاه فوق‌العاده قدرت داشت، نه‌تنها ازانتشار وطبع مطبوعات اجتماعی‌که زائیده‌مشروطیت بود جلوگیری شد . بلکه‌کاشیهای تازه‌کار جهة شماره‌گذاری خانه‌ها ودکانها را افراد سرباز سیلاخوری وسواران قراجه داغی و لوطیهای محلات تهران بعنوان یادگار مشروطه ومخالفت بادین‌مبین ؟ شکستند وبدورریختند .

دردوره دوم‌مجلس شورای‌ملی‌مجدداً بازار مطبوعات ملی بارونق شد ونشریات صورت بهتری بخودگرفت . جرائد طریق تکامل درپیش گرفته وهریك باسبك مخصوص ومسلك خاصی شروع بانتشار نمودند .

بعدازافتتاح دوره‌سوم مجلس‌شورای ملی‌مطبوعات ازحالت‌خمودگی خارج وروزنامه‌های نوی همچون (بامداد روشن) (جارچی ملت) وغیره طلوع نمودند .

دراوایل‌کودتای۱۲۹۹ قسمتی ازروزنامه‌هامانند(طوفان) (ستاره ایران) وغیره طوفان ومدیر آنها مورد ضرب وشتم وحبس وتبعید قرارگرفته حتی میرزاده عشقی مدیر روزنامه قرن بیستم‌که درحقیقت ارکان اقلیت مجلس‌چهارم بود جانش‌را روی اینکارگذارد ومانند محمدمسعود ترورشد وقاتل او شناخته نشد .

بعدازکشته شدن میرزاده عشقی وتبعید مدیرطوفان دیگردردوره قدرت بیست‌ساله رضاشاه کبیر جرائد محدود شدند آنهاهم که بودند درحقیقت رسمی یا نیم‌رسمی بودند .

ولی بلافاصله پس‌ازاستعفا وتبعید پهلوی جرایدی طلوع نمودندکه غالباً مردمـانی‌گمنام بوده وعفت قلم نداشتند. قوام‌السلطنه درحکومت خود یکمرتبه تمام جـرایدرا توقیف نمود و

شرایطی برای روزنامه نگاری وضع کرد ولـی بعدازسقوط مجدداً هرج ومرج روزنامه نگاری شدت پیدا کردکه هنوز دنباله دارد .

لردکرزن درکتاب خود مینویسد : مطبوعات ایرانهم یك موضوع معماآمیز مرموزیست، درعین‌حال‌که ایران وزارت مطبوعات ومطبعه وروزنامه دارد ازهرگونه آزادی قلم و اظهار عقیده وفکر ممنوع است . درسال ۱۲۶۷ هجری قمری امیرکبیر یك روزنامه‌ای درتهران دایر نمودکه مدیر وسردبیرآن انگلیسی بود . پس‌ازقتل امیرکبیر روزنامه ومدیرش ناپدید شدند . مجدداً درسال ۱۲۸۳ یك روزنامه‌ای بنام **تهران** انتشاریافت و بزودی موقوف شد .

اکنون درسال ۱۳۰۷ سه روزنامه درایران دایر میباشد : اول ایران روزنـامه رسمی ماهی دومرتبه نامرتب تحت نظر وزیر مطبوعات انتشارمییابد. شاه ایران‌گاهگاهی مقاله برای روزنامه ایران میدهد ...

دوم روزنـامه نیم رسمی **اطلاع** تحت‌نظر وزیر انطباعات بطورنامرتب منتشرمیگردد .

سوم روزنامه **شرف مصور** عکس وزیران وبزرگـان ایران را چاپ میکنند . بهـای تکشماره هریك ازاین روزنامه‌ها یك قران است ...

هنگامیکه ناصرالدینشاه ازسفراول فرنك برگشت میرزاحسنخان‌سپهسالار باکمك یك‌مدیر اروپائی روزنامه‌ای فرانسه وفارسی بنام **وطن** (لاپارتی) تأسیس‌نمود نخستین‌شماره آن درپنجم فوریه ۱۸۷۶ (۱۲۹۳) منتشرگردید . . درسال ۱۳۰۳ یك روزنامه فرانسه فارسی دیگربنام «اکودولاپرس» درتهران انتشاریافت و بزودی تعطیل شد .

یك مجله قشونی‌هم چندماهی در تهران چاپ شده وازمیان رفت ... انتهی » در دوران مشروطیت روزنامه‌های متعددی درتهران چاپ شده وچون بعضی‌ازآنها بمقدسات‌ملی ویامقامات عالیه اهانت میکردند قانون مطبوعات محرم ۱۳۲۹ قمری آنهارا تااندازه‌ئی محدود نمودولی چون جرائم‌آن بپول امروزکم بود لـذا چندین قوانین‌جدید بمجلس رفت وتصویب شد واینك بیشترازهزارامتیازروزنامه‌درتهران‌باشخاص‌داده‌شدکه مهمترین آنها اطلاعات وبعدکیهان‌است در بین روزنامه‌های فکاهی روزنامه باباشمل ، توفیق ، حـاجی بابا وبین مجلات مجله ماهیانه و هفتگی اطلاعات ، تهران مصور ، روشنفکر ، ترقی . بعضی از وزارتخانه‌ها وادارات وبنگاهها دارای نشریه ومجله مستقلی هستند .

کتابخانه های مهم تهران

درتهران کتابخانه وقرائت‌خانه بسیارکم است متأسفانه مشتری همین‌کتابخانه های انگشت شمارهم بسیار ناچیزاست . اگرکسی بصدها پیاله‌فروشی ومشروب فروشی سری بزند ملاحظه میکندکه پشت میزها وبارها جای خالی موجود نیست ولی مدیران کتابخانه‌ها ازکمی اربـاب رجوع غالباً چرت میزنند شما درتبلیغات رادیو وروزنـامه وغیره هیچ شنیده‌اید که مردم را دعوت برفتن فلان خانه بنمایند ؟ وحال‌اینکه ...

بگذرم سخن درمورد فرهنك ورغبت مردم بکتاب وکتابخانه بسیاراست روزی دریکی‌از کتابخانه‌های عمومی‌که ۲۵ نفرخواننده وارباب رجوع داشت رفتم وخواستم رغبت‌مردم را بنوع کتاب بدانم . ازاین تعدادکم ۱۷ نفررمان میخوانندند ۸ نفرکتب مختلفه ...

اینك كتابخانه های مهم :

شماره	کتابخانه	کتاب
١	كتابخانه ملی	درحدود پنجاه‌هزار (٤٠٠٠ آن خطی) كتاب دارد
٢	« مجلس‌شورای ملی	« چهل‌هزار (٦٠٠٠ آن خطی) كتاب دارد
٣	« دانشسرا ودانشكده ادبیات	بیست وپنجهزاركتاب
٤	« معقول ومنقول	« « «
٥	« دانشكده حقوق	« « «
٦	« حاج حسین‌آقا	هیجده هزاركتاب
٧	« دانشكده فنی	بیست هزاركتاب
٨	« بانك ملی	چهارده هزاروپانصدكتاب
٩	« دانشكده افسری	شانزده هزاركتاب
١٠	« دانشگاه جنك	ده هزاركتاب
١١	« دانشكده پزشكی	دوازده‌هزاركتاب
١٢	« باستان شناسی	چهارهزاركتاب
١٣	« سلطنتی	دوهزاروپانصدكتاب
١٤	« اطلاعات سفارت امریكا	—
١٥	« روزنامه اطلاعات	—
١٦	« بنگاه راه‌آهن	—

درتهران سابقاً قرائتخانه زیاد بود وحتی برای مدیران آن نیز استفاده مادی‌هم داشت ولی چون اجتماع روشنفكران وجوانان دراینگونه بنگاهها بگفتگوهای سیاسی واحیاناً زدوخورد منجرمیشد لذا تدریجاً آنهابسته‌شد وفعلا درچند برزن قرائتخانه دایراست، قرائتخانه آریاهم پشت شهرداری چندیست دایراست .

انتشارات و تبلیغات

درتهران دواستودیو موجود است استودیوی كشور ، استودیوی نیروی هوائی .

رادیوتهران درحال حاضر روزهای عادی ١٥ ساعت وروزهای جمعه وجشنها ١٨ ساعت بوسیله سه دستگاه فرستنده باامواج مختلفه ١٩ — ٣١ — ٤٩ — ٧٥ و٣٣٥ پخش میشود .

درتهران دومركز فرستنده هست .

(١) — مركز فرستنده اداره كل تبلیغات سه دستگاه:
- ٣٢ كیلواتی
- ٢٠ كیلواتی
- ٢ كیلواتی

(٢) — استودیوی نیروی هوائی باقدرت ٨٠٠ اسب روی امواج ٤٨ و ٤٠٠

درشهرستانهانیز استودیوی فرستنده‌هست كه قدرت‌مختلف دارند مانند :

١ — تبریز روی موج ٤٩ و٢٠٠ ٢ — مشهد م ٤٨و٢٠٠ ٣ — اصفهان م ٤٤
٤ — شیراز م ٣٦٫٥ ٥ — رشت م ٢٠٠ ٦ — كرمانشاهان م ٢٠٠
٧ — كرمان م ٣٧٫٥ ٨ — رضائیه م ٤٤ ٩ — اهواز م ٣٧
١٠ — كردستان م ٤٤٫٥ ١١ — خرم‌آباد م ٤٤ .

فرستنده تبریز بین شهرستانها ازهمه قویتر و برنامه آن روزانه سه مرتبه صبح وظهر وعصر درحدود هشت ساعت برنامه اجرا مینماید .

بهداری و بهداشت

وضع بهداشت تهران نسبت بسایر شهرستانهای ایران خوبست ولی هنوز بپایه بهداشت پایتخت های کشورهای مترقی نرسیده .

لردکرزن درکتاب خود مینویسد :

«درایران بهداری وجود ندارد، بیماریهای تیفوس وتیفوئید، اسهال‌خونی، وبا ، طاعون، آبله واخیراً سل بطورمزمن وساری درسراسر ایران یافت میشود ...

ناصرالدین‌شاه پس‌ازمسافرت باروپا ودیدن اوضاع ارتش آنجا درصدد برآمد درتهران یك بیمارستان نظامی تأسیس‌کند . بیمارستان نظامی تهران بیست تختخواب دارد . بودجه‌آنرا یکی ازافسران بپرمیدهد ... بدیهی‌است‌که چنین بیمارستانی هیچوقت پزشك ودارو وپرستار نخواهد داشت وهروقت ازاوضاع آنجا تحقیق کند میگویند سپاس خدایرا که تمام سربازان و جانبازان قبله عالم‌کوچکترین ملالی ندارند ... انتهی» .

مقصود لردکرزن بیمارستان احمدیه است که اوایل سلطنت پهلوی فقید برچیده وتبدیل ببیمارستان شماره ۲ ارتش گردید ودرمدت سلطنت رضاشاه کبیر بهداشت تهران تااندازه‌ئی ترقی کرد وبعد برتعداد بیمارستانها افزوده شد که دنباله توجه بازدیاد بیمارستانها هنوز ادامه دارد .

اینك صورت مؤسسات بهداشتی :

الف) آنچه مربوط بوزارت بهداریست .

۱ ــ بیمارستان شفا یحیائیان	خیابان ژاله
۲ ــ بیمارستان نجات	خیابان سپه
۳ ــ بیمارستان سیصد تختخوابی	جنوب باغشاه
٤ ــ بیمارستان مسلولین بوعلی	میدان فوزیه
٥ ــ بیمارستان فیروزآبادی	شهر ری
٦ ــ درمانگاه شماره ۱	هدایت خیابان اسلامبول
۷ ــ درمانگاه شماره ۲	سیروس خیابان سیروس
۸ ــ درمانگاه شماره ۳	ری کوچه دربدار
۹ ــ درمانگاه شماره ٤	خیابان خراسان
۱۰ ــ درمانگاه شماره ٥	نظام‌الملك عشرت‌آباد
۱۱ ــ آسایشگاه مسلولین	شاه‌آباد شمیران
۱۲ ــ بیمارستان پلشت	ورامین
۱۳ ــ بیمارستان علیشاه عوض	شهریار
۱٤ ــ بیمارستان شهناز پهلوی	حصارك

ب) بیمارستانهائیکه مربوط بشهرداریست :

۱ ــ پرورشگاه بینوایان مخصوص‌کودکان	خیابان قزوین

۲ ــ شیرخوارگاه	خیابان شاهرضا
۳ ــ تیمارستان درجه ۱	خیابان سینا
۴ ــ تیمارستان درجه ۲	خیابان سی‌متری
ج) ــ آنچه مربوط بسازمان شاهنشاهی است :	
۱ ــ بخش یکصد تختخوابی بیمارستان پهلوی	جمشیدیه
۲ ــ درمانگاه مبارزه باکچلی	خیابان قوام‌السلطنه
۳ ــ بخش یکصد و پنجاه تختخوابی حوادث و سوانح	بیمارستان ابن‌سینا
۴ ــ درمانگاه عکس برداری	خیابان مارشال استالین
۵ ــ درمانگاه مبارزه با بیماریهای آمیزشی	ناحیه ۱۰
۶ ــ آموزشگاه پرستاری ودرمانگاه اشرف پهلوی	باغ فردوس
د) ــ سایر بنگاهها :	
۱ ــ بیمارستان بازرگانی	خیابان ری
۲ ــ درمانگاه دریفوس	انتهای خیابان شهباز
۳ ــ بیمارستان مفرح	نازی آباد

۴ ــ درمانگاههای حومه جی و بریانک ــ نیاوران ــ تجریش ــ قلهک ــ یافت‌آباد

۵ ــ بیمارستانهای : رازی ، روزبه ، فارابی ، وزیری ، امیراعلم ، پهلوی ، گوهرشاد ، امریکائی ، باهر، حافظی ، چهرازی ، میثاقیه ، رضانور ، ریاضی ، مهر ، لولاگر ، نجمیه ، مازندران ، ویژه، یزدی ، بیمارستان شوروی، بانک ملی، وزارت راه، شهربانی و بیمارستانهای ارتش . ضمناً درتهران ۸۰۰ پزشک (تمام ایران ۲۵۰۰) و ۳۰۰ ماما (تمام ایران ۶۰۰) و ۴۰۰ داروساز (تمام ایران ۱۰۰۰) و ۲۵۰ دندان پزشک (تمام ایران ۶۵۰ نفر) مطب دایر کرده‌اند .

بنگاههای خیریه تهران

بعلت هجوم بیکارها یاافراد تنبل ومملول دهات وآبادیها بتهران مخصوصاً ازشهریور ۱۳۲۰ ببعد بنگاههای دولتی و ملی برای نگاهداری آنان تشکیل شده که مؤسسات مهم آنها عبارتند از :

الف) **سازمان شاهنشاهی** درفروردین ۱۳۲۶ بنام سازمان شاهنشاهی وخدمات اجتماعی درتهران تشکیل شد وتاکنون قریب یکصد درمانگاه که بوسیله پزشکان آلمانی، اطریشی وایرانی‌اداره میشود درنقاط مختلفه ایران تشکیل شده .

بعلاوه کانون کار وآموزش ، آموزشگاه پرستاری ، آموزشگاه فنی ازتأسیسات آنست ضمناً با فقر و بیسوادی مبارزه میکند .

ب) **بنگاه حمایت مادران** که درسال ۱۳۱۹ تشکیل‌شد شامل: زایشگاه ، شیرخوارگاه، درمانگاه ومطب عمومی میباشد .

ج) **جمعیت شیروخورشید ایران** که دردوران اعلیحضرت فقید سروصورتی بخود گرفته وهنگام سیل وزلزله وآتش‌سوزی وغیره کمک قابل‌توجهی بمصدومین واشخاص مینماید .

د) **بنگاه تعاون عمومی امین آباد** که درحکومت سپهبد رزم‌آرا تأسیس شد .

ه) پرورشگاه شهرداری که قریب ۶۰۰ دختر و پسر بچه‌را نگاهداری و آنها‌مشغول تحصیل و کسب حرفه های صنعتی میباشند .

و) شیرخوارگاه شهرداری که درحدود ۴۰۰ نفر طفل‌شیرخوار نگاهداری مینماید .

روشنائی تهران قدیم

سابقاً بازارها و گذرها بوسیله چراغ موشی کـه بوسیله فتیله آلوده به پیه میسوخت روشنائی شهررا تأمین مینمود ، ولی ناصرالدین‌شاه ازفرنگستان‌که مراجعت نمود متخصصی‌باخود آورد‌که برق تهران بوسیله گاز تأمین شود‌گویند حتی لوله‌های‌گاز‌را درخیابان چراغ‌گاز (کـه بعداً اسم او چراغ برق وفعلا خیابـان امیرکبیر نامیده میشود) کار گذاردند و بعللی حاج میرزا حسین‌خان سپهسالار ازادامه کارخود منصرف گردید .

تاچندی روشنائی شهر بوسیله شمع‌گچی درفانوس یاچراغهای فتیله‌ای نفتی نمره (۵) یا (۷) تأمین میگردید .

تااینکه کارخانه برق وارد شد ومردم باروشنائی وخواص‌آن تدریجاً آشنائی پیدا کردند .

یك موتوربرق درسرپل‌امیربهادر متعلق بحاج‌امین‌الضرب بود‌که باقوه ۲۰ اسب وقدرت ۸ کیلوات‌که تا۵۰۰ متر اطراف بوسیله ۱۹۲ لامپ ۱۶ و۲۲ شمعی روشن میشد .

یك موتوربرق‌هم دراراك بود‌که فقط درشبهای‌جشن‌عمارتهای‌سلطنتی ومحوطه باب‌همایون را روشن میکرد ولی بازهم‌کفاف حوائج حوزه سلطنتی را نمینمود .

یك موتور دیگر درخیابان چراغ برق (امیرکبیر) نصب شد (۱۲۸۸ شمسی) بقوه ۵۰۰ اسب وقدرت ۳۰۰ کیلوات‌که ۱۴۰۰ لامپ درخانه‌ها ومعابر نصب نموده بود .

ولی این تأسیسات مختصر که جریان برق را بوسیله تیرهای چوبی وخطهـای هوائی توزیع مینمود وفقط هنگام شب دائر بود شایسته شئون پایتخت‌کشورشاهنشاهی نبود لذا در۱۳۱۴ اعلیحضرت فقید دستور تأسیس برق جدید صادر نمودند ولی متصدیان امر بدون درنظرگـرفتن احتیاج روزافزون تهران مبنای قدرت برق را روی ششهزار‌کیلوات‌گذاردند .

روشنائی و برق جدید تهران

شرکت اشکودا که برنده مناقصه شناخته شده بود چهار دستگاه توربو ژنراتور هر‌کدام بقدرت ۱۶۰۰ وششهزارولت سفارش داد وهمچنین مقداری کابل ششهزار وهزارولتی و۲۴ پست ترانسفورماتور هر‌کدام بقدرت ۳۰۰ کیلوات در۲۴ نقطه شهرنصب‌گردید .

مردم تهران بدواً استقبالی ازبرق نمینمودند ولی‌هنگامیکه پی‌بفوائد آن بردند مخصوصاً کارخانه‌ها ومؤسسات وغیره لذا ازسال۱۳۱۸ مردم برای‌گرفتن برق فشار آوردند .

آمارزیر توجه وعلاقه تدریجی مردم تهران را به برق نشان میدهد :

درسال ۱۳۱۶ مشترك ۱۱ نفر .

درسال ۱۳۱۸ مشترك۴۶۹۲ نفروهرسال برتعداد مشترکین‌افزوده میشد ناچار کارخانه‌های سلطنت‌آباد وکارخانه سیمان ازبرق مازادخود‌کمك به برق تهران مینمودند .

تهران یکصدهزار‌کیلوات قدرت ونیرو لازم دارد‌که فعلا بیست هزار‌کیلوات‌آن مهیاست (کارخانه سلطنت‌آباد دوهزار‌کیلوات‌وکارخانه‌سیمان یکهزاروپانصد کیلوات‌کمك میدهد وبرای

چهارساعت اول شب درحدود پانصدکیلوات ازکارخانه‌های بانك ملی، سیلو، دانشگاه، وزاه‌آهن به برق تهران کمك میشود).

بنگاه برق‌تهران فعلا درحدود چهل‌هزار مشترك داردکه سالیانه یکصدوشصت میلیون ریال عایدی وساعتی ۵۰ میلیون کیلوات مصرف دارد.

فرهنگ

وضع فرهنك امروزما مخصوصاً طرزتحصیل محصلین‌دبیرستان ودانشکده بصورتی‌درآمده که ارزش سیاسی آن بمراتب بآموزش و پرورش میچربد اصولا بسیاره‌ای ازدانش‌جویان و آموزگاران فکرکسب دانش یاتربیت شاگرد نبوده کلاسهای درس را تبدیل بمراکزتبلیغ مرامی احزاب ساخته‌اند.

فرهنك ایران دردوران صفویه فقط جنبه ادبی و مذهبی داشت دانشمندانی بودندکه اقلا عربی خوب مینوشتند ومیخواندند فقه، اصول وغیره میدانستند.

در دوران قاجاریه سلاطین وعده‌ئی ازرجال باروپا رفتند، بدواً فکر تأسیس دارالفنون بدست توانای مرحوم میرزاتقی‌خان امیرکبیرپیدا شد وپس‌ازتشکیل‌هم تاچندی که مستقل بود یعنی برنامه آن تقلیدی نبود وافرادی تربیت میکردکه وجودشان برای‌کشور اگر مفید نبود مضرهم واقع نمیشدند.

اینك قسمتی‌ازکتاب مرآت‌البلدان ونظریه لردکرزن انگلیسی‌را دراینخصوص مینگاریم:

مرآت‌البلدان: «مدرسه مبارکه دارالفنون درارك پادشاهی درمحلی که‌اکنون درخیابان ناصریه وخیابان الماسیه است نهاده ومعلمین برای هرعلمی ازدولت اطریه طلبیده ومسیوجان داود مترجم اول دولت علیه که باین مسأموریت بوینه رفته بود، اعلیحضرت امپراطور اطریه اورا بانیل مرام معاودت داد وچندنفرمعلم بااوهمراه نمودند...

بعدازآنکه معلمین مذکور بدارالخلافه تهران رسیدند وطرف شرقی مدرسه مبارکه نیز تمام شد روزیکشنبه پنجم ماه ربیع‌الاول این‌سال (۱۲۶۸ ه) اولاد شاهزادگان عظام وامرا و اعیان ورجال دولت که برای تحصیل دراین مدرسه منتخب شده بودند بتوسط میرزا محمدعلیخان وزیر دول خسارجه شرف‌اندوز خاکپای مبارك شده بعداز آن بمدرسه مبارکسه آمده بمیمنت شروع بتحصیل کردند...

ابتدا علمی‌که شروع کردند: مشق پیاده نظام، مشق توپخانه، مشق سواد وهندسه، طب، جراحی، علم دواسازی وعلم معدن بود ومقررشدکه هردسته لباس علیحده بپوشندکه‌فقط ازوضع لباس شغل هریك معلوم شود».

لردکرزن درکتاب خود مینویسد:

«درهرشهر وده ایرانی چندین مکتب‌خانه است حق‌الزحمه آخوند مکتبی‌ها از ماهی»
«یك‌قران تاسه قران است. دراین بنگاهها خواندن ونوشتن‌فارسی وتلاوت قرآن‌را میآموزند»
«قرآن را طوطی‌وار میخوانند، یعنی کمترین توجهی بمفاد ومفهوم آن ندارند. طرز تدریس»
«درمکتب ایرانی‌طوریست که بیشترفارغ‌التحصیل‌ها فارسی‌میخوانند ولی نوشتن نمیدانند،کسانیکه»
«هردوهنررا دارند بلقب عالی(میرزا) ملقب میشوند».

«مدارس عالی ومتوسطه بمفهوم اروپائی درایران یافت نمیشود، در مدارس مذهبی»
«ایران بطورعجیبی علوم طب وفقه وفلسفه تدریس میشود، باین‌معنی کسه درمدارس مزبور»

«برنامه ودوره تحصیلی و سایر مقررات معموله وجود ندارد وهرکس هروقت بخواهد بدان»
«مدارس رفته ومطابق دلخواه ازآنجا بیرون بیاید».

« **دارالفنون** : ناصرالدین‌شاه درآغاز سلطنت خویش مدرسه‌ای بنام دارالفنون»
«تأسیس کرد . عمارت این مدرسه را مطابق‌اسلوب مدارس فرنك ساختند وعلاوه براطاقهای»
«کلاس دارای کتابخانه، سالون‌کنسرت وتئاترمیباشد . عمارت‌اخیر یعنی سالون تئاتروکنسرت»
«وموزیك بحکم ملاهای تهران ازحیز انتفاع افتاده‌است» .

«مواد درسی این مدرسه عبارتست از : فارسی ، عربی ، انگلیسی ، فرانسه ، روسی،»
« آلمانی ، ریاضی ، طب ، نقشه‌کشی ، فیزیك ، شیمی ، معدن شناسی، جغرافی ودروس‌مربوطه»
«بنظام هست معلم اروپائی دردارالفنون تدریس میکنند که عبارتند ازیك معلم انگلیسی ، سه»
«معلم فرانسوی ، سه معلم آلمانی ، یك معلم لهستانی بعلاوه یك معلم ارمنی جلفائی‌که زبان»
«روسی درس میدهد» .

«من شخصاً بکلاسها سرکشی کرده وحضوراً ازشاگردان امتحان حساب ، فرانسه ،»
«انگلیسی وغیره بعمل‌آمد بخوبی‌ازعهده برآمدند . بطوریکه شایع‌است دانشجویان دارالفنون»
« نمونه‌کاملی ازهوش وذکاء ایرانی میباشند» .

«شماره‌کلیه آنان به ۲۵۵ میرسد ازآنجمله چهل‌شاگرد درکلاسهای علمی‌وادبی و ۲۰۵»
«درکلاسهای علوم‌نظام مشغول تحصیل هستند، دوره تحصیل ابتدائی‌ومتوسطه وعالی‌دارالفنون»
«شش تاهفت سال است .. »

«چوب وفلك معمولی‌هم دراینجا راه یافته و غالباً بکارمیرود ، بودجه مدرسه سالی»
«۸۵۰۰ لیره یاسی‌هزارتومان بدست‌مخبرالدوله وزیرمعارف ومدیرمدرسه سپرده شده‌است».
«جای بسی تأسف است که معارف جدید ایران تاهمین‌اندازه محدود ومقید مانده از»
«آن بدترآنکه ازچهل‌سال قبل تابحال همان وضع عادی دیرین را که دربدو تأسیس داشته»
« بدون‌کوچکترین پیشرفتی محفوظ داشته‌است انتهی» .

اینطور استنباط میشودکه اقلا آنروزها مدرسه‌ای بوده درمورد برنامه خرد استقلالی داشته وکسانی بآن مکان‌مقدس قدم میگذاردندکه میخواستند درس بخوانند .

ولی رفته رفته فرهنك ما ترجمه مختصر وناقصی ازفرهنك فرانسه شده و فکر تقلید از برنامه بیگانگان ورسوخ سیاست وعناصر نامحرم وفاسد دراین دستگاه حساس‌کاررا بجائی‌رسانده که دیگر نه‌نظم وترتیبی‌درمدارس هست ونه‌آموزش وپرورش‌باید فرهنك را ازسیاست برکنار نمود ، دبستانها دولتی وتعلیم اجباری‌باشد ولی دبیرستانها حتماً ملی‌شوند تامسئول‌جوانان‌کشور معلوم باشد ، اگرمدیر یاآموزگاری ازحدود وظائف وشئونات خود تجاوزکرد یا درکانون‌دانش بتبلیغات سیاسی واموری خارج ازبرنامه پرداخت اولیای اطفال وانجمن‌های خانه و مدرسه حق بازخواست ازمرتکب داشته باشند وبتوانند دست ردبسینه آنها بزنند . در تهران فعلا قریب ۴۵ دبیرستان و ۴۰۰ دبستان موجود است بعلاوه دانشکده‌های طب ، دارو‌سازی ، دامپزشکی، دندان پزشکی ، کشاورزی ، فنی ، ادبیات ، حقوق ، هنرهای زیبا ، معقول ومنقول که آنها تابع دانشگاه‌بوده واستقلالی‌دارند ، آیا حقیقتاً دراین دبیرستان ودبستان ودانشکده درس‌خوانده میشود ؟ آیا استادان دردادن درس تحصیلی ونمره بشاگردان آزادی عمل دارند ؟

تعجب‌آنجاست که وزرا ورؤسای دانشگاه بلندپروازی‌هم میکنند . دستگاهی که هنوز

بدوی‌ترین قدمهارا برداشته وتعلیمات ابتدائی را عمومیت نداده ، درصدد تأسیس دانشگاههای متعدد برآمده وچراغی را که بخانه رواست در مسجد افروخته و پولی را که باید صرف باسواد کردن مردم شود درراه دایر نگاهداشتن دانشگاههای متعدد که نه معلم ونه وسیله تعلیم دارند بهدر میدهند.
برنامه تحصیلی ما «آش شله قلمکار» است دوثلث اجتماع مـا هنوز خواندن ونوشتن نمیدانند زیرا دستگاه فعلی هنوز نتوانسته درک کند که ایران محتاج بعلم است وایرانی را باید قبل از هرچیز باسواد نمود .

بانک های تهران

این بانکها دربیست وچند ساله اخیر درتهران تأسیس ومشغول فعالیت هستند :

۱ ــ بانک ملی ۲ ــ بانک تعاونی سپه ۳ ــ بانک رهنی ایران
٤ ــ بانک کشاورزی وپیشه وهنر ٥ ــ بانک بازرگانی ایران ٦ ــ بانک برنامه
۷ ــ بانک ساختمانی ۸ ــ بانک توسعه صادرات ۹ ــ بانک پارس
۱۰ ــ بانک بیمه بازرگانی ۱۱ ــ بانک تهران ۱۲ ــ بانک صادرات ومعادن
۱۳ ــ بانک روس وایران .

تاریخچه بانکداری در ایران

بانکداری وتأسیس بانک درایران ازسال ۱۲٦۷ جمـادی‌الاول ۱۲۸۹ هـ . ق شروع میشود واین تاریخ موقعیست که بنگاهی بنام «بانک جدید شرقی» که یک بنگاه انگلیسی بود تصمیم گرفت که ایران وبازرگانی آنرا زیرتسلط خود قراردهد وبدون تحصیل امتیاز شعبه‌هائی درمراکز مهم بازرگانی ایران بازنمود واسکناسهای پنج قرانی زیادی صادر ومنتشر نمود ولی پس‌از دوسال بانک شاهنشاهی ایران شعبات وکل دارائی آنرا به ۲۰۰۰۰۰ لیره خریداری نمود.

بانک شاهنشاهی ایران ــ شالوده این بانک توسط بارون جولیوس دوررویتر ریخته شد. امتیاز تأسیس این بانک را ناصرالدین‌شاه قاجار برای مدت ۷۰ سال بنامبرده واگذار نمود ، لکن این امتیاز علاوه برانحصار کامل تجارت ، ساختمان راه‌آهن وواگن‌های برقی درکلیه نقاط ایران ، شوسه کردن جاده‌ها ، استخراج معادن وتهیه وسایل آبیاری ، اجاره گمرکات وغیره و غیره را بدست اومسلم ومحرز میساخت وازاین نظر باسیاست داخلی وخارجی دولت تماس و مغایرت کلی پیدا میکرد .

ولی بارون نامبرده موفق باجرای مواد پیمان خود نشد وبا تأدیه چهل‌هزارلیره ضمانت بانکی امتیاز او لغو گردید .

مجدداً درتاریخ ۲۷ جمادی‌الاول ۱۳۰٦ هجری قمری امتیازی جهة تأسیس بـانک و استخراج معادن بدست آورد که مدت شصت سال آزادی حق تجارت درسرتاسر کشور تأسیس بانک وحق صدور اسکناس وغیره را بدست آورد .

بانک شاهنشاهی ایران درماه اوت ۱۸۸۹ باسرمایه یک میلیون لیره (صدهزار سهم ده لیره) مرکزخودرا درلندن تشکیل داد واین بانک پول واقتصاد ودارائی وکلیه امور بازرگانی کشور را سالهای متمادی دردست داشت تا اینکه درسال ۱۳۰۹ دولت ایران مبلغ دویست‌هزار لیره برای جبران الغای حق صدوراسکناس را بآن‌بانک پرداخت وصدوراسکناس ببانک ملی ایران اختصاص یافت ودرسال ۱۳۲۸ اساس بانک شاهنشاهی بکلی برچیده شد .

بانک روس و ایران

درسال ۱۲۶۸ شمسی روسها در برابر انگلیس‌ها برای سازمان بانکی درایران امتیازی ازدولت گرفتند وبنگاهی بنام بانک استقراضی ایران درکشور تشکیل دادند .

این بانک شعبه‌ای از بانک‌دولتی روسیه وتابع وزارت دارائی آن‌کشور بود ومانند بانک انگلیس دراغلب شهرستانها شعباتی دایر نمود .

چون منظور ازتأسیس این بانک توسعه نفوذ در برابر انگلیسها بود لـذا باتجار رویه عادلانه‌ای را پیش‌گرفت ومحبوبیتی پیداکرد . پس‌ازانقلاب اکتبر اساس این‌بانک درهم ریخت وبانک روس ازبقایای همان بانک است .

بانک تعاونی سپه درسال ۱۳۰۴ در محـل محقری بـاسرمایه ۳،۸۸۳،۹۵۰ ریال (موجودی بازنشستگی افسران ودرجه‌داران وافراد ارتش) تأسیس یافت وحقوق بـازنشستگی ومستمری افسران ودرجه‌داران وافراد نظامی وورات آنهارا مرتباً میپردازد تااینکه این‌تعداد اخیراً (شهریور ۱۳۳۲) به ۷۲۹۸ نفررسیده‌است .

دراین مدت این بانک قریب سی‌وهشت میلیون‌ریال بدولت مالیات داده ویکصدوشانزده میلیون ریال سود خالص داشته و بیشتراز بیست میلیون‌ریال صرف ساختمان اداری مرکزی نمود. و درشهرستانها ۱۷ شعبه دایر نموده‌است .

بانک ملی

بانک ملی ایران ــ فکرتأسیس این بانک درابتدای مشروطیت پیدا شد ولی‌دستهائی مانع انجام آن شد تااینکه در ۱۴ اردیبهشت ۱۳۰۶ درزمان اعلیحضرت رضاشاه‌کبیر قـانون تأسیس بانک ملی بتصویب مجلس شورایملی رسید وسرمایه اولیه آن بیست میلیون ریالی بود که دولت دراختیار بانک گذارد .

درهفدهم شهریور این بانک رسماً افتتاح شد وفعلا ۱۵۴ شعبه دارد وترقی این بـانک بجائی رسیده‌است‌که چندین برابر سرمایه اولیه خود ساختمان نموده وچندین برابرآن بدولت وشهرداری وبنگاه لوله‌کشی وغیره وام داده‌است و بیشترازسیصد میلیارد ریال سودخالص‌آنست این ترازنامه نشان میدهدکه بانک استقراضی روس و بانک شاهنشاهی‌انگلیس چه ثروتی ازاین کشور بدست آوردند .

یکی ازتأسیسات بانک ملی بنگاه صندوق پس‌انداز است‌که اخیراً هشتصدوپنجاه میلیون ریـال موجودی داشت . در آخر سال‌مالی ۱۳۳۱ سرمایه بانک ملی به دومیلیارد ریـال افزایش یافت .

مطالبات بانک

بستانکاری ازبنگاهها وشرکت‌های دولتی وبانکها و شهرداریها درحدود یکصدوپنجـاه میلیون‌تومان(۱،۵۰۴۳،۶۴۲،۹۴۰،۲۹۴،۰۴۳،۱ ریال) ازاین مبلغ ۱،۱۶۵ میلیون ریال بشرکت ملی نفت و۲،۱۱۱ میلیون ریال بسازمان‌لوله‌کشی تهران داده‌است.

سود ویژه بانک درسال ۱۳۳۱ مبلغ ۲۹۵،۱۷۷،۹۰۹،۶۵ ریال بوده‌است‌که پس‌از وضع هزینه کل واستهلاکات بدست آمده .

بانك كشاورزى

بموجب قانون شهريور ۱۳۰۹ وزارت دارائى مجاز گرديد ساليانه مبلغى كه از پانصدهزار تومان كمتر نباشد براى تشكيل سرمايه بانك فلاحتى ببانك ملى ايران تأديه نمايد ودرتاريخ ۲۱ خرداد ۱۳۱۲ قانون تأسيس بانك فلاحتى وصنعتى بتصويب مجلس شوراىملى رسيد واين بانك بصورت شركت سهامى باسرمايه ۲۰ ميليون ريال درروز ۲۵ تيرماه ۱۳۱۲ افتتاح يافت ، درچهل شهرستان شعبه ودر سى بخش ياشهرستان كوچك نمايندگى تأسيس نموده‌است .

كارمهم اين بانك عبارتست ازدادن وامهاى كشاورزى بشركتها و برزگران واجاره داران .

وضع قضائى تهران

دادگاههاى استان ۱ و ۲ مشتمل بر ۱٦ شعبه دادگاه استان كه ٤ شعبه آن بامور جنائى رسيدگى خواهد نمود و ۱۳ دادگاه شهرستان بشرح زير :

۱ – دادگاه بخش ۱٦۹ شعبه آن درتهران ويك شعبه دركرج ويك شعبه درورامين است.

۲ – رشت ...

۳ – لاهيجان ...

٤ – قزوين ...

ديوان كشور كه مافوق كليه دادگاه هـا وشامل ۹ شعبه ومحل آن درتهرانست علاوه بر سازمان عمومى فوق دادگاههاى زير بنوبه خود انجام وظيفه مينمايند .

الف) دادگاه عالى انتظامى مخصوص رسيدگى بتخلفات و اخلاق و اعمال ورفتار منافى باحيثيت وشئون قضائى وسوء شهرت مسامحه درانجام وظيفه همچنين ترفيع كارمندان قضائى در پايتخت تشكيل ميشود. اين دادگاه يك رئيس وچهارعضو عاليرتبه دارد .

ب) دادگاه شرع .

ج) دادگاه بخش شهردارى .

د) دادگاه كيفر گرانفروشان .

ه) دادگاههاى اختصاصى نظامى ارتش .

ازشهريور ۱۳۲۰ باينطرف كمتر روزى اتفاق افتاده كه درتهران حكومت نظامى برقرار نباشد بنابراين بيشتر پرونده‌هاى جنائى بدادگاه‌هاى نظامى تابع فرماندار نظامى رجوع شده‌است.

امور ورزش و باشگاهها

براى بكارانداختن نيروى جوانان همچنين رشد وتقويت نيروى جسمانى مردم ايران در فروردين ۱۳۱۳ انجمن ملى تربيت بدنى و پيشاهنگى ايران تحت رياست عـاليه اعليحضرت محمد رضاشاه پهلوى درتهران تشكيل گرديد .

رؤساى فدراسيون‌ها (اسكى ، فوتبال ، وزنه بردارى وغيره) كليه دستورات خودرا ازاين انجمن دريافت ميدارند .

وجود اين انجمن درپيشرفت امور ورزشى ايران مخصوصاً اثر بسيار نيكوئى داشته بطوريكه

درمسابقات بین‌المللی جوانان ما موجبات سربلندی وافتخار ایران را فراهم آوردند و دراین مدت درتهران باشگاههای زیر تشکیل شده‌است :

باشگاه : ۱ — آدارات خیابان شاهپور ۲ — آهنین خیابان شاه
۳ — بانك ملی ۴ — ببر خیابان عطار
۵ — بوستان ورزش امجدیه خیابان روزولت ۶ — پینك پونك کلوب زیبا خیابان شاهرضا
۷ — پولاد گذر وزیردفتر ۸ — تاج خیابان ایرانشهر
۹ — تهران میدان شاهپور ۱۰ — دارائی میدان بهارستان
۱۱ — دخانیات اداره دخانیات ۱۲ — راه‌آهن بنگاه راه‌آهن
۱۳ — ژاندارمری خیابان مختاری ۱۴ — شاهین امجدیه
۱۵ — شماع خیابان چرچیل ۱۶ — لشگرگارد جاده شمیران
۱۷ — باشگاه‌گارد سلطنتی جمشیدیه ۱۸ — نیکنام حشمت‌الدوله
۱۹ — نیرو وراستی شاه‌آباد

استخرها عبارتست از :

۱ — استخراشتراوس‌پارك چاله‌هرز ۲ — استخر امجدیه ۳ — بوت‌کلوب خیابان‌پهلوی
۴ — بوستان ورزش امجدیه ۵ — استخرخرم نیاوران ۶ — رامسر خیابان شاهرضا
۷ — استخرراه‌آهن درهمان بنگاه ۸ — استخر شهرری ۹ — استخر منظریه
۱۰ — استخر ورزنده خیابان شاهرضا .

اماکن عمومی پایتخت

شهر تهـران دارای پنج هتل (هتل پارك ، هتل پلاس ، هتل ركس ، هتل ریتز وهتل فردوسی) و۲٦ میهمانخانه ازجمله (بلوار، جهان ، دربند ، ری ، گیلان ، گیلان نو، لیستر‌پلاس و نادری میباشد) وپنج پانسیون (آلابن بلنیر، بانوتنتونی پالیسوس ، خـاورمیانه ، فیلادلفیا و مای‌تسین) همچنین یکصدوسی‌وهشت مسافرخانه وسیصدوهفده کافه رستوران است .

۱ — یك ناهارکامل‌که عبارت از اردور، سالاد فصل ، سوپ ، دوخوراك یکی خوراك فصل ازقبیل دلمه وسبزیجات فصل واملت ، یکی خوراك‌گوشت (یا ماهی یا پرنده) دسر وقهوه وچای مجموعاً درمهمانخانه وکافه رستوران درجه ۱ چهل ریال درجه ۲ سی وچهارریال درجه ۳ ۳۰ ریال میشود .

۲ — شام کامل‌که عبارت از اردور ، سالاد فصل ، سوپ ، دوخوراك (یکی‌گوشت یکی ماهی یا پرنده) دسر، قهوه یا چای مجموعاً درمهمانخانه وکافه رستوران درجه یك ۵۰ ریال درجه دو ۴۰ ریال درجه سه ۳۵ ریال .

۳ — صبحانه کامل : نان ، کره ، پنیر، دوعدد تخم مرغ ومربا یاعسل ، شیر وچای یاشیر

وقهوه ، یاشیر وکاکائو مجموعاً درمهمانخانه وکافه‌رستوران درجه۱ بیست‌ریال درجه۲ هفده ریال درجه۳ پانزده ریال‌میشود .

کرایه تختخواب واطاق در مهمانخانه های درجه ۱

۱ — کرایه اطاق بایك تختخواب ۶۰ ریال .
۲ — کرایه اطاق بادو تختخواب ۹۰ ریال .
۳ — کرایه تختخواب دراطاق بیش‌از دونفر هرنفری ۳۰ ریال .
۴ — کرایه اطاق بایك تختخواب وحمام خصوصی ۱۰۰ ریال .
۵ — کرایه اطاق بادو تختخواب وحمام خصوصی ۱۲۰ ریال .
۶ — استفاده ازحمام مهمانخانه برای هردفعه ۲۰ ریال

کرایه تختخواب و اطاق درمهمانخانه های درجه ۲ و ۳

	درجه ۲	درجه ۳	
۷ — کرایه اطاق بایك تختخواب	۴۰ ریال	۳۶ ریال	کرایه تختخواب دراطاق بیش‌از
۸ — « « « بادو «	۵۰ «	۴۵ «	دونفر هرنفری ۱۵ ریال

تماشاخانه و سینما

درتهران ۹ تماشاخـانه (ایران ، جامعه باربد ، دهقان ، سعدی ، شاهین ، شهرزاد ، فردوسی ، فرهناك وگیتی) و ۱۱ سینما درجه یك (ایران ، برلیان ، پارك ، تهران ، دیانا ، رکس ، ری ، کریستال ، مایاك ، متروپل وسینما هما) ۱۷ سینما درجه۲ (البرز، امیریه، پارس، تمدن ، خورشید ، خیام ، دماوند ، زیبا ، فری ، کشور ، ملی ، می‌امی ، میترا ، میهن ، نور و سینما هولیود) دایر میباشد .

درتهران ۲۳ میدان (امین‌السلطان ، ایستگاه راه‌آهن، ۲۴ اسفند ، بهارستان ، پاستور، خراسان ، ژاله ، سرچشمه ، سپه ، سیروس ، شاه ، شاهپور، شوش ، فردوسی ، شهناز، قزوین، کاخ ، گمرك ، مازندران ، مخبرالدوله ومیدان محمدیه) احداث‌شده .

محوطه سنگلج سابق‌که درزمان پهلوی فقید بزمین مسطح تبدیل شده بود بصورت زیبا ومصفائی درخت‌کاری وگلکاری شده وبگردشهای عمومی اختصاص داده شده‌است .

درتهران ۲۱۰ مسجد بناشده‌که مهمترین آنها مسجد سپهسالار ، مسجد شاه ، مسجد جامع ، مسجد مجد ، مسجد ارك ومسجد حاج سید عزیزاله میباشد .

وسائط نقلیه شهر تهران

تاچندی پیش اتوبوسرانی خط هـای مختلفه تهران به ۳۴ خط تقسیم شده بود . وضع اتوبوسرانی تهران فوق‌العاده نامنظم و بهیچوجه متناسب بایك پایتخت را ندارد . قانونی در اواخرسال ۱۳۳۱ ازمجلس شورای ملی‌گذشت‌که اتوبوسرانی شهرتهران بشرکتی واگذارشود که نصف سهام آنرا شهرداری داشته‌باشد ولی‌این‌موضوع که بی‌مطالعه‌و بعجله ازمجلس‌گذشته بود

بموقع اجرا گذارده نشد فعلا خطوط اتوبوسرانی تهران را به ۱۸ خط شمالی وجنوبی وخاوری وباختری تقسیم نموده‌اند تا بعداً خطوط فرعی بر آن افزوده شود .

تعداد وسائط نقلیه پایتخت :

۱ ــ اتوبوس شهری ۱۲۳۴ اتوبوس بیابانی ۱۱۶۴ اتوبوس شخصی ۱۶
۲ ــ سواری شخصی ۹۳۳۲ سواری کرایه ۶۸۶ تاکسی ۲۲۷۶
۳ ــ باری شخصی ۳۵۳ باری شهری ۹۳۲ باری بیابانی ۴۳۳۵
۴ ــ اتومبیلهای سیاسی ۲۰۹ سواری دولتی ۹۲۷ بارکش دولتی ۵۱۶
۵ ــ موتورسیکلت ۹۲۳ آمبولانس « ۳۶ اتوبوس « ۵۱۶
آمبولانس شخصی ۱۶

وسایط نقلیه ارتش ، ژاندارمری وشهربانی دراینصورت منظور نشده . نرخ سواری اتوبوس ازمبدأ تامقصد سابقاً (اتوبانك اتوبوسهائی بود متعلق ببانك سپه که در تهران مبتکراتوبوسرانی بود واتو دانمارك که یك شرکت دانمارکی اتوبوسهای شیك وراحتی وارد کرده ولی ورشکست شد) ۸ شاهی بود وفعلا داخله شهر یکریال حضرت عبدالعظیم ۲ ریال شمیران ۲٫۵۰ کرج ۵ ریال میباشد . نرخ تاکسی ۱۰ ریال ۲ نفر ۱۰ ریال وسه نفر ۱۵ ریال ولی بزودی تغییرات اساسی درمورد اتوبوسرانی تهران داده خواهد شد اتوبوسهای مدرن «مرسدس از آلمان وارد میشود تعداد آنها درحدود هشتصد دستگاه برای وهله اول درنظر گرفته شده وماشین هرخطی رنك مخصوصی خواهد داشت .

بخش نهم ـ شهرستانهای تابع استان

اطلاعات تاریخی وجغرافیائی تهران بتفصیل گفته شد ولی چون تهران امروزه به استان تبدیل گردیده وشهرستانهای **ساوه** ، **قزوین** ، **دماوند** ، **قم** و **محلات** تابع آنست تشریح هریك ازپنج شهرستان دیگر بطورخلاصه لازم بنظر رسید .

۱ ـ **ساوه** ـ این شهرستان ازشمال محدوداست بخساك **تهران** و**قزوین** از باختر به **همدان** از جنوب به **اراك** وازخاور به **قم** .

خاك ساوه را ۸۱ دهستان و۳۹۶ ده تشکیل میدهد ازنظر زراعت غله خیز بوده، خربزه وانار آن مشهوراست .

مرکز این شهرستان **ساوه** درزاویه شمال باختری آن واقع شده ، پهنای آن ٤٥ و درازای آن ۵۰ کیلومتراست . ازخاور متصل بباطلاقهای شوره زار میشود ، شعب سه گسانه زرینه رودکه رشته شمالی آن ازکوههای خرقان ورشته باختری آن ازکوههسای الوند ورشته جنوبی آن که معروف بدوآب است و ازکوههای جاپلق سرچشمه میگیرد شهررا مشروب میکند. فاصله آن ازتهران ۱۳۰ کیلومتر جمعیت آن ۱۲۹۰۵ نفر. درسال ٦۱۷ هجری شمسی این شهر توسط سپاهیان مغول غارت شد. کتابخانه معروف آنرا که بزرگترین کتابخانه های دنیا بود آتش زدند .

علاوه برمسجدی که درداخل شهراست مسجد دیگری بنام مسجد جامع درخارج است که ازبناهای کهن است .

دهستانهای ساوه

۱ ـ **دهستان بیات** از۲۹ قریه تشکیل شده کـه ۱۸ قریه آن درجلگه بقیه در کوهستان واقع ، هوای آن معتدل مایل بسردی است . بـرای زراعت ازآب چشمه ، قنات و رودخانه استفاده مینمایند . درجنوب قریه سنق دروسط یك تپه چاه عجیبی معروف به باباکرکر واقعست . یك دبستان و ۱۱ مکتب خانه دارد .

۲ ـ **دهستان جعفرآباد** ـ دارای ۳۱ قریه همگی درجلگه واقع هوای آن معتدل مـایل بگرمی است . برای زراعت ازآب قنات و فـاضل آب رودخانه سفرقان استفاده میشود زراعت آن غله ، پنبه وسردرختی آن انار فراوانست .

۳ ـ **دهستان حومه شهر** ـ دارای ۸۰ قریه است که ٤ قریه آن درکوهستان وبقیه درجلگه واقعست ، هوای آن کمی گرم وبـرای زراعت ازآب رودخانه سفرقان و مزدقانچای ، قنات وچشمه استفاده میشود .

محصول آن غلات ، پنبه واشجارآن انار وانجیر وانگور است ٤ دبستان ویك مکتبخانه دارد ، شاه عباس در زرینه رود سدی بسته که آثار آن وبناهای تـاریخی دیگر دلیل قدمت تاریخی آنست .

۴ـ دهستان خرقان ـ که دارای ۹۵ قریه کوهستانی وهوای آن سرد وازآب رودخانه وچشمه وقنات مشروب میشود . محصول آن غلات ، حبوبات وسیب زمینی میباشد . یك دبستان و ۱۴ مکتب‌خانه دارد .

دره پیغمبر که مقبره اشمو ئیل درآن واقعست وآثارتاریخی دیگری دردهات آن دیده‌میشود .

۵ ـ دهستان رزق چای ـ از ۹ قریه که همگی درجلگه‌اند تشکیل‌شده هوای آن معتدل وازآب رودخانه ، قنات وچشمه‌سارها برای زراعت استفاده مینمایند . محصول آن غلات ، حبوبات ، سیب زمینی وپنبه است . ۶ مکتب خانه دارد .

۶ـ دهستان زرند ـ ۹۳ قریه است که ۴۷ آبـادی آن درجلگه بقیه درکوهستان واقعست ، هوای آن معتدل وبرای زراعت ازآب قنات وچشمه استفاده مینمایند . محصول عمده آن غلات ، پنبه وچغندراست . خربزه‌آن معروف است . دراین دهستان ۴ دبستان و ۶ مکتب‌خانه دایر است .

۷ ـ دهستان کوهپـایه ـ که از ۲۹ قریه کوهستانی تشکیل شده هوای آن سرد برای زراعت ازآب قنات و چشمه‌سارها استفاده مینمایند . محصول عمده آن غله . حبوبات و سیب زمینی است . دراین دهستان ۳ دبستان و ۴ مکتب‌خانه دایراست .

۸ ـ دهستان مزدقانچای ـ دارای ۶۶ قریه که ۵۵ قـریه آن درجلگه بقیه در کوهستان واقعست ، هوای آن معتدل ، ازآب رودخانه ، قنات و چشمه‌سارها استفاده مینمایند محصول عمده‌آن : غلات ، حبوبات ، سیب زمینی ، چغندر وپنبه است ۳ دبستان و ۲۹ مکتب‌خانه دارد آثارقدیمی آن مقبره امامزاده نوح ومناره چهل دختراست .

دماوند

این شهرستان ازشمال محدوداست بخاك مازندران ازجنوب بورامین ازباختر بتهران و مازندران ازخاور به سمنان ارتفاع آن ۲،۳۰۰ متر وبوسیله دورودخانه ازخاوروشمال باختریست که بعد رودخانه دماوند نامیده‌میشود مشروب میشود .

دماوند ازشهرهای قدیمی ونام‌کهن آن **پشیان** بوده‌است . باغهای متعدد وانواع میوه دارد سیب دماوند شهرت کامل‌دارد . تاکنون چندین‌مرتبه دراثرزلزله خراب شده . مهمانخانه و ابنیه عالی درسالهای اخـیر بناشده . چون هوای آن ییلاقیست تابستان عده زیادی از اهـالی تهران بآنجا میروند .

بخشهای آن عبارتست از : ۱ ـ حومه مرکزی دماوند ، شامـل دهستانهای : تارود ـ جمع‌آب رود ـ سیاهرود .

۲ ـ فیروزکوه ، شامل : حومه ، قزقانچای ، افتر و پشت‌کوه وحبله رود .

۳ ـ گرمسار ، شامل : قشلاق بزرك ، ریگان ، یاطری وارادان .

۴ ـ ایوانکی .

جمعیت شهردماوند درحدود یازده هزارنفر .

قله دماوند مرتفع‌ترین قلل البرز ودر ۵۲ کیلومتری دماوند و ۷۵ کیلومتری تهران واقع

مخروطی شکل بوده وازهرطرف دره‌های عمیق دارد . ارتفاع آن ۵۶۷۱ متراست . نزدیك بقله محلی است بنام دودکوه که همیشه دود رقیقی ازآن متصاعد است .

دهستانهای معروف دماوند

۱ ــ **دهستان ابرشیوه** ــ از ۱۰ قریه کوهستانی تشکیل‌شده ، هوای‌آن سرد است برای زراعت ازآب جاجرود و چشمه‌سارها استفاده مینمایند ، محصول آن غلات ، حبوبات ، سیب زمینی‌ومیوه سردرختی. مراتع برای‌گله داری موجود۳دبستان و۵ مکتبخانه دارد. درقریه عین ورزان آبشارهای متعدد موجود است .

۲ ــ **دهستان جنوب خاوری** ــ دارای شش قریه‌کوهستانی که هوای آن سرد محصول عمده آن : غلات ، حبوبات ، سیب زمینی واشجارمیوه ، تربیت طیورخانگی وحیوانات اهلی معمول است . ۱ دبستان و۱ مکتب‌خانه دارد .

۳ ــ **دهستان جمع ابردو** ــ از ۱۶ قریه کوهستانی تشکیل‌شده ، هوای‌آن سرد ، محصول‌عمده : غلات ، حبوبات ، سیب زمینی واشجارمیوه ــ ۳دبستان دارد ازآب قنات وچشمه استفاده مینمایند .

۴ ــ **دهستان بارود** ــ دارای ۱۶ قریه‌کوهستانیست، هوای‌آن‌سرد، محصول‌عمده آن غلات ، حبوبات ، سیب زمینی ، چغندر واشجارمیوه ، ازآب رودخانه وقنات وچشمه‌استفاده مینمایند ، تربیت حیوانات اهلی وطیورخانگی معمول است . کارخانه مهم شیمیائی واسلحه‌سازی ارتش درقریه پارچین واقعست، بقاع متبرکه مقبره ابوسعید است .

۵ ــ **دهستان سیاهرود** ــ از۶ قریه تشکیل شده ، هوای‌آن سرد، محصول عمده آن : غلات ، حبوبات ، سیب زمینی وانواع اشجارمیوه ، ازآب رود وچشمه استفاده مینمایند تربیت حیوانات اهلی وطیور معمول است . چشمه‌های‌آب معدنی قریه آه معروفست .

۶ ــ **دهستان شمالی** ــ از۸ قریه‌کوهستانی تشکیل‌شده ، هوای آن سرد محصول‌عمده آن : غلات ، حبوبات ، اشجارمیوه ، ازآب چشمه اعلمی وچشمه‌های دیگر استفاده مینمایند ، تربیت حیوانات اهلی و طیورخانگی معمول است .

ادارات دولتی‌آن عبارتست از: فرمانداری ، پست وتلگراف ، بهداری ، ژاندارمری .

اماکن متبرکه دماوند : امامزاده‌عبدالله ، امامزاده شمس‌الدین محمد ومسجد جمعه‌است .

شهرستان قم

قم ازشمال بتهران ازجنوب بکاشان ومحلات ازباختر به ساوه واراك وازخاور به کویر محدود است .

شهرستان قم ازشهرهای قدیمی ودرباختر دریاچه حوض‌سلطان واقعست. بعلت واقع‌شدن سرراه : تهران ، کاشان ، اراك ، اصفهان وعبور راه‌آهن سرتاسری ایران که باهواز وکاشان میرود دارای موقعیت مهم میباشد بخصوص ازنظرمذهبی‌که مرقد مطهرحضرت معصومه دختر امام موسی‌کاظم (ع) دروسط شهرواقعست ودارای صحن وسیع وگنبد وایوان طلا میباشد . بعضی از

سلاطین صفوی و قاجاریه درقم مدفونند . امامزاده‌های دیگری درقم نیزمدفونند .
درمعجم‌البلدان و نزهة‌القلوب ازآب شهر وهوای آن همچنین انار وانجیر وخربزه آن تعریف شده . ساختمان آنرا بطهورت نسبت میدهند . کوزه‌گری، شیشه‌گری ، صابون وسوهان قم وحلواارده قم شهرت دارد . جمعیت ثابت آن درحدود (۶۰،۰۰۰) نفراست .

بخشهای تابعه قم

۱- **بخش مرکزی** ، شامل دهستانهای : (قم رود ، قنوات ، اراضی نیزار) .

۲- **دستجرد** ، شامل دهستانهای : (طفرود ، راهجرد ، مرداب) .

۳- **کهك** ، شامل دهستان قهستان .

دهستانهای مهم :

۱ - اردهان - درجنوب جاسب ، کوهستانی ، باختر کاشان ، هوای آن سرد محصول آن : غله ، حبوبات ، سیب زمینی ، نگاهداری گاو و گوسفند بین اهالی معمول است مرکز آن مشهد اردهان بقعه شاه سلطانعلی درآن واقع است .

۲ - دهستان پشت‌گدار - دارای ۸ قریه کوهستانی، هوای آن سرد ، محصول آن غله ، حبوبات ، تربیت حیوانات اهلی وطیورخانگی معمول است .
معدن سنك مرمر وآثاری ازدوره جمشید دراین دهستان موجوداست .

۳ - دهستان خلجستان - درجنوب باختری قم ناحیه‌ایست کوهستانی وپرآب از ۷۹ قریه تشکیل شده که ۲۳ قریه آن کوهستانی است هوای آنهاسرد وبقیه معتدل است محصول آن غله ، حبوبات وچغندر ، ازآب قنات وچشمه استفاده مینمایند .
بواسطه مراتع زیاد مسکن ایلات خلج میباشد ۹ دبستان و ۸ مکتب‌خانه دارد .

۴- دهستان قمرود - این دهستان ۲۳ قریه دارد که ۲ قریه آن کوهستانیست، هوای آن گرم محصول آن غلات ، حبوبات ، چغندر وپنبه است، نگاهداری دامهای اهلی معمول‌است ازآب رودخانه‌های قم وساوه وچشمه وقنات استفاده مینمایند ، ٤ مکتب‌خانه دارد.

۵- دهستان قنوات - ۲۵ قریه دارد که همگی دردشت واقعند ، هوای آن کمی گرم محصول آن غلات ، حبوبات ، پنبه ، خربزه وچغندراست ، ازآب رودخانه قم و قنات استفاده مینمایند ، ٤ مکتب‌خانه دارد ، نگاهداری دام نیزمعمول است .

۶- دهستان قهستان - این دهستان که تنها دهستان بخش کهك است ۲۱ قریه دارد که ۷ قریه آن درکوهستان وهوای آن سرد وهوای قراء جلگه معتدل‌است محصول آن : غلات، حبوبات ، پنبه ، چغندر وتربیت دامهای اهلی معمول است ازآب قنات استفاده مینمایند ، بقاع متبرکه آن: مقبره شاه‌اسمعیل وشاهزاده‌نورعلی وقریب بیست مسجدکه تاریخ بنای بعضی‌ازآنها چهارصد سال پیش است .

۷ - دهستان نیزار - دارای ۱۱ قریه است که همگی درکوهستان واقع ، هوای آن

معتدل است ، محصول آن : غلات، حبوبات، پنبه وصیفی کاریست، از آب رودخانه وقنات استفاده مینمایند ، آثار تاریخی آن قلعه آقاخان محلاتیست یك دبستان ویك مکتب خانه دارد .
ییلاقات قم عبارتست از: وشنوه ۴۲ کیلومتری جنوب باختری ، دستجرد خلجستان ۶۰ کیلومتری جنوب قم وقهستان ۳۷ کیلومتری جنوب باختری .

شهرستان محلات

شهرستان محلات ازشمال محدوداست به قم واراك ازخاور بکاشان ازباختر بکمره از جنوب به گلپایگان وشامل سه بخش است :

۱ ــ حومه مرکزی شامل دهستانهای : (حومه ــ پشت گداز)
۲ ــ خمین « « : (رستاق ، کله زن ، دالالی وخمرلو)
۳ ــ دلیجان « « : (حومه ــ نراق ، جاسب)

از ۵۳ قریه تشکیل میشود مرکز آن شهرستان محلات وازتاریخ پنجم آذر ۱۳۲۵ شهرستان شناخته شد ، جمعیت شهر درحدود ۱۰ هزارنفر .

دراطراف محلات چشمه های آب گرم معروفی است . دراین شهر یك دبیرستان و۳ دبستان دایراست . محصول آن : غلات، حبوبات ، صیفی کاری، پنبه وتریاك است که تریاك آن مرغوب میباشد ، اشجارمیوه فراوان دارد ، تربیت دامهای اهلی وطیورخانگی معمول است .
دردهات محلات ۶ دبستان دولتی و۳ مکتب خانه دایراست .

اینك اسامی دهستانهای مهم

۱ ــ دهستانهای تابع دلیجان ــ از ۲۱ قریه کوهستانی تشکیل شده ، هوای آن معتدل . برای زراعت ازآب رودخانه **آناریا** وقنات استفاده میشود . مرکزاین بخش قصبه دلیجانست که سرراه تهران ــ اصفهان واقع شده ودارای ۴۸۲۴ نفر نفوس است دراین قصبه یك مسجد ازآثارکهن برجاست .

۲ ــ دهستان جاسب ــ درشمال خاوری محلات ، دارای ۷ قریه کوهستانی، هوای آن سرد وبرای زراعت ازآب قنات استفاده میشود .
ازابنیه قدیمه دراین دهستان ۱۳ مسجد موجوداست که تاریخ بنای آن ۲۰۰ تا ۴۰۰ سال پیش است .

۳ ــ دهستان نراق ــ دارای ۷ قریه است که همگی درجلگه واقع وهوای آن معتدل وبرای زراعت ازآب رودخانه قم وقنات استفاده مینمایند . محصول آن: غلات ، حبوبات، پنبه، چغندر وصیفی کاریست. مرکزدهستان قصبه نراق است که ۳۵۵۶ نفرجمعیت دارد . دراین دهستان ۲ دبستان و۲ مکتب خانه دارد .

قزوین

شهرستان قزوین ازشمال به گیلان ازخاور بتهران ازجنوب به همدان وساوه ازباختر به زنجان محدود است . خاك قزوین را ۱۴ دهستان و ۸۳۳ قریه تشکیل میدهند . ارتفاع آن ۱۳۲۰ متر جمعیت آن درحدود ۶۵ هزارنفر .

آثار تاریخی آن : مسجد جامع ، مقبره شاهزاده حسین، مقبره حمدالله مستوفی ، ساختمان عالی‌قاپو، عمارت چهل‌ستون ، مسجد حیدریه است .

دهستانهای قزوین

۱ ــ دهستان اقبال ــ سرراه قزوین ـ زنجان ــ ۲۷ قریه دارد که همگی درجلگه واقع‌شده‌اند، هوای آن معتدل ـ محصول‌عمده‌آن غلات، حبوبات ازآب‌چشمه‌وقنات استفاده‌مینمایند.

۲ ــ دهستان الموت ــ ۶۲ قریه داردکه ۳٤ قریه‌آن درکوهستان و بقیه درجلگه وکنار رودخانه شاهرود واقع شده‌اند . هوای‌آن درقسمت‌کوهستانی سرد و بقیه معتدل‌میباشند برای زراعت ازآب‌رودخانه وچشمه استفاده مینمایند، محصول‌عمده آن غلات ، حبوبات ، چغندر وبرنج است ، آثارتاریخی‌آن : **قلعه نویذر ــ** قلعه آیلان ـ قلعه تاریخی شهرت الموت ـ این دهستان ۳ دبستان و ٤ مکتب‌خانه دارد .

۳ ــ دهستان‌افشاریه ــ دارای ٤٥ قریه‌است ۲۰ قریه‌آن درکوهستان بقیه درجلگه واقع‌شده هوای‌آن معتدل‌مایل‌بسردی است . محصول‌عمده‌آن غلات، حبوبات ، پنبه وچغندراست. ازآب رودخانه **خررود** وقنات وچشمه استفاده مینمایند اماکن متبرکه آن امامزاده ابراهیم در **طرزك** امامزاده پیغمبر درشن‌تق‌علیا ، امامزاده علی‌اکبر وحلیمه‌خاتون درجعفرآباد .

۴ ــ دهستان‌بشاریات ــ از٤٥ قریه تشکیل شده که ٤۳ آبادی درجلگه بقیه در کوهستان واقع شده ، محصول‌آن حبوبات ، غله، کرچك وانواع میوه است ، ازآب رودخانه وقنات استفاده مینمایند ٤ دبستان و ٦ مکتب‌خانه دارد . دوامامزاده درقریه قباد وقریه قشلاق ویك‌کاروانسرای شاه عباسی درده محمدآباد خره است .

۵ ــ دهستان خرقان ــ از۱۳۱ قریه کوهستانی تشکیل شده هوای آن سرد محصول عمده آن غلات ، حبوبات، چغندر. ازآب‌رودخانه وقنات وچشمه استفاده مینمایند ـ درعباس‌آباد غار عجیب وغریبی میباشد ٤ دبستان ۱۲ مکتب خانه دارد .

۶ ــ دهستان دودانگه ــ ۳۳ قریه استکه ۲۹ قریه‌آن‌کوهستانیست، آب وهوای آن سرداست محصولات عمده‌آن غلات، حبوبات، پنبه، چغندر، کرچك وانگوراست ۳ دبستان و ۱۸ مکتب‌خانه دارد .

۷ ــ دهستان دشت آبی ــ درجنوب‌قزوین و۱٦ قریه‌داردکه‌در لگه واقعند.محصول عمده‌آن : غلات، حبوبات، پنبه وانگور، ازآب‌خررود وقنات استفاده مینمایند ۲ ۳مکتبخانه دارد.

۸ ــ دهستان رامند ــ ۱۲ قریه داردکه درجلگه واقعند، آب وهوای‌آن معتدل ، محصول عمده‌آن : غلات ، حبوبات ، پنبه وکرچك است ، ازآب خررود وقنات مشروب میشود ۱۸ مکتب‌خانه و۲ دبستان دارد .

۹ ــ دهستان رودبار ــ ۱۰۹ قریه داردکه بیشترآن درکوهستانست ، هوان آن معتدل ، محصول‌عمده‌آن غلات، حبوبات ، پنبه ، برنج ومیوه‌های سردرختی، یك معدن زغال‌سنك ۳ دبستان و۷ مکتب‌خانه دارد .

۱۰ - **دهستان زهرا** - ۲۸ قریه داردکه درجلگه واقعند، هوای آن معتدل، ازقنات مشروب میشوند محصول عمده آن : غلات، حبوبات، پنبه، چغندر ۲ کاروانسرای شاه عباسی ۲ دبستان ۸ مکتب خانه دارد .

۱۱ - **دهستان طارم سفلی** - ٤۷ قریه داردکه بیشترآنها درکوهستانند آب هوای آن سرد ومعتدل محصول عمده آن غلات ، حبوبات، پنبه وبرنج است، ازآب سفیدرود استفاده میکنند یك معدن زاج سفید دارد .

۱۲ - **دهستان فشکل دره** - ۱۲ قریه کوهستانی دارد، هوای آن سرد، ازآب قنات استفاده میکنند محصول آن : غلات، حبوبات وانگور، گله داری معمول و ۷ مکتب خانه دارد .

۱۳ - **دهستان قافزان** - دارای ۱٤۸ قریه است که ۱۰۸ قریه آن درکوهستانست ، هوای آن سرد ومعتدل است . محصول عمده آن غلات ، حبوبات ، صیفی کاری ، سردرختی - چشمه آب گرم آن معروفست .

۱٤ - **دهستان کوهپایه** - ٤٦ قریه است که ۳۲ ده آن درکوهستان ، هوای آن سرد ومعتدل است محصول آن : غلات، حبوبات ، پنبه، چغندر، تربیت اغنام واحشام معمول است بقاع متبرکه آن شاه سبزپوش ، امامزاده علی ، امامزاده سالار ۱٦ مکتب خانه دارد ، ازآب رودخانه وقنات استفاده مینمایند .

تعداد خانوار و جمعیت سر شماری شده شهر تهران

در شهریور ۱۳۲۹
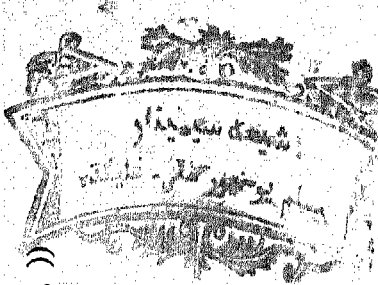
عده خانوار	جمعیت		
	مرد	زن	جمع
۲۲۴۹۶۵	۵۱۹۶۳۱	۴۷۰۲۴۰	۹۸۹۸۷۱

((آمار با سواد و بیسواد شهر تهران در اسفند ۱۳۱۸))

با سواد			بی سواد			جمع کل		
مرد	زن	جمع	مرد	زن	جمع	مرد	زن	جمع
۱۳۷۴۳۰	۶۸۱۵۶	۲۰۵۵۸۶	۱۷۴۶۰۸	۱۵۹۸۹۳	۳۳۴۵۰۱	۳۱۲۰۳۸	۲۲۸۰۴۹	۵۴۰۰۸۷

((آمار تجرد ، تأهل اهالی تهران در اسفند ۱۳۱۸))

ن و مردهائیکه حق ازدواج دارند			مجرد در اثر طلاق و فوت			زن دار و شوهر دار			جمع کل		
مرد	زن	جمع	مرد	زن	جمع	مرد	زن	جمع	مرد	زن	جمع
۱۷۹۶۳	۹۳۶۱۱	۲۷۳۲۴۱	۱۱۴۹۷	۳۶۷۷۸	۴۸۲۷۵	۱۲۰۹۱۱	۹۷۶۶۰	۲۱۸۵۷۱	۳۱۲۰۳۸	۲۲۸۰۴۹	۵۴۰۰۸۷

((آمار مذاهب مختلفه در تهران در اسفند ۱۳۱۸))

مسلمان		زردشتی			کلیمی			ارمنی			سایر مذاهب			جمع کل		
زن	جمع	مرد	زن	جمع	مرد	زن	جمع	مرد	زن	جمع	مرد	زن	جمع	مرد	زن	-
۲۰۵۳۴۱	۴۹۰۰۷۳	۹۰۷	۶۰۱	۱۵۰۸	۷۶۷۶	۶۷۷۷	۱۴۴۵۳	۱۴۲۰۸	۱۱۶۶۹	۲۵۸۷۷	۴۵۱۵	۳۶۶۱	۸۱۷۶	۳۱۲۰۳۸	۲۲۸۰۴۹	۸۷

((جدول آمار پیشه وران شهر تهران در اسفند ۱۳۱۸

نوع حرفه	مرد	زن	جمع
کشاورزی ، درخت‌کاری	۳۱۷۲۴	۷۷	۳۱۸۰۱
صنعتگر	۶۰۰۶۹	۵۲۶۷	۶۵۳۳۶
باربری پیك نامه ومخابرات	۱۹۰۷۱	۴۰	۱۹۱۱۱
داد وستد بازرگانی	۴۰۹۷۳	۹۳۳	۴۱۹۰۶
کارهای آزاد	۵۳۲۱	۱۸۸۲	۷۲۰۳
کارمندان دولت وبنگاهها	۲۶۹۹۲	۷۹۴	۲۸۷۸۶
کارهای خصوصی	۱۶۱۷۳	۱۲۷۳۳	۲۸۹۰۶
کارهای غیرمعلوم	۱۳۴۵۰	۲۴۵	۱۳۶۹۵
دانش‌آموز ، خانه دار ، بیکار ، اطفال	۹۸۲۶۷	۲۰۶۱۱۴	۳۰۴۳۸۱
جمع کل	۳۱۲۰۴۰	۲۲۸۰۸۵	۵۴۱۱۲۵

وضع امروز احتیاج به آمار دارد تا تعداد بیکاران وکارمندان دولت معلوم شود چند برابر ۱۵ سال پیش شده است .

خوانندگان عزیز درسطور این کتاب باوضاع تهران گذشته و دی آشنا شدند آنچه درنگارنده بیشتر اثر کرد فصل حوادث بود گرچه برای آنکه خوانندگان عزیز متأثر نشوند ما سرونه مطلب را بهم دوخته وآنچه واقع شده بود وازآن خونهای پاك ومطهری ریخته شده بود و از ناله های جانسوز مادرهای پسرمرده، وبچه های پدرمرده و حجله های سیاهپوش نوعروسان چیزی نگفتم . اگر ناصرالدینشاه میرزاتقیخـان امیرکبیررا نمیکشت قطعاً بااین دوران طولانی پنجاه ساله سلطنت نه تنها ایران افغانستان و ترکستان را ازدست نمیداد بلکه محرومیت ها و شکست های گذشته را جبران مینمود. در دوره سلطنت مظفرالدین شاه سلطان علیل باآن دربار ننگین بحران و فروریختگی اوضاع بشدت رسید و محمد علیشاه کـه خود ننگ سلاطین ایران بود باکمك شاپشال SHAPSHAL ولیاخوف LYAKHOFF روسی باملت خودجنگید و ننك ورسوائی بارآورد . دردوران احمدشاه که پس ازیك سلسله انقلابات درطفولیت بسلطنت رسیده و وارث اوضاع آشفته‌ای بود چه میتوانست بکند جزآنکه اوضـاع درهم ریخته کشور هرچند یکمرتبه اورا بفرنگستان فراری میداد دراین‌هنگام وضع آشفته کشور ازنظرداخلی وخارجی بمنتهای خرابی وبیچارگی رسیده وهیچکس امیدی ببهبود اوضاع نداشت، خزانه تهی بجای حقوق آجر وکاه بمستخدمین میدادند ـ رشته انتظامات طوری ازهم گسسته بودکه برای سرکوبی رضا جوزانی چندماه وقت دولت صرف تجهیز صد سوار بختیاری شد ، گیلان ومـازندران درآتش انقلاب میسوخت ، آذربایجان وکردستان لگدکوب سواران وحشی سمیتقو ، خاور ایران مورد تاخت وتاز بیرحمانه تراکمه ، صفحات جنوب تیول قشقائی ، بختیاری ، بهارلو وعرب بویراحمدی بلوچستان وخوزستان که حالشان معلوم بود. پایتخت هم صحنه بازیگری جمعی الکرد وورشکستگان بازاری وبیگانه پرستان که ناله وطنخواهان را درسینه خفه مینمودند شده بود . ارتش ایران را دسته هائی بنام قزاق که خودرا تابع دربار تزارهامیدانستند وپلیس جنوب S . P . R که مطیع لندن بودند ، ژاندارمری برهبری سوئدیها ، سربازوغیره که نه تنهاهیچیك ازهم تبعیت نمیکردند بلکه روزی نبودکه سرپل امیربهادر یادرکوچه قاجار وجاهای دیگر زدوخورد ژاندارم وقزاق یاسرباز وپلیس را نشنوند چنان مارا بجان یکدیگر انداخته بودند که تاریخ نظیرآنرا درهیچ کجای دنیا نشان نمیدهد. دوران بیست ساله پهلوی کبیر برحسب ظاهرهم شده سروصورتی باوضاع داد، کشور دارای بودجه مرتبی شد، ارتش یکی شد ، فن معماری وعلاقه بساختمان درایران رواج گرفت خلاصه خیلی کارها شد که هیچکس پیش بینی آنرا نمینمود ولی همینکه این مردرا ازاین کشور بردند اوضاع طوری بهم ریخت که صدرحمت بدوران پیش ازکودتا . کشور مارا هردم بپرتگاه سقوط میبردند ولی نگاهدارنده توانا اورا حفظ مینمود وایران کهن مانندکوهی برپای ایستاده امیداست تحت رهبری شاهنشاه جوانبخت وفداکاری رجال پاکدامن خرابیها وویرانیهای اینمدت نیز اصلاح وآب رفته بجوی آید .

میگون ـ شهریور ۱۳۳۲